مقام معظم رهبری مدظله العالی

«تعاونی ها پدیده بسیار مطلوبی برای اقتصاد ایران هستند»

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اتاق تعاون ایران

کتاب مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی اقتصاد تعاونی ایران

" تعاونی ها، دنیای بهتری می سازند "

2nd International Conference on Iran's Cooperative Economy

" Cooperatives Build a Better World "

وزارت امور اقتصادی و دارایی

وزارت امور خارجه

وزارت جهاد کشاورزی

۱۱ شهریور ۱۴۰۴

September 2nd, 2025

Coopconf.ir

بسمه

دومین همایش بین المللی اقتصادتعاونی ایران
2nd International Conference on Iran's Cooperative Economy

کتاب مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی اقتصاد تعاونی ایران

"تعاونی‌ها، دنیای بهتری می سازند"

«اتاق تعاون ایران»

(شهریورماه ۱۴۰۴)

(September 2025)

دومین همایش بین المللی اقتصادتعاونی ایران
2nd International Conference on Iran's Cooperative Economy

کتاب چکیده مقالات دومین همایش بین المللی اقتصاد تعاونی ایران

«اتاق تعاون ایران»

"تعاونی‌ها، دنیای بهتری می‌سازند"

دبیر علمی همایش: دکتر رضا وفایی یگانه

صفحه آرا: سعیده حمزه لو

ویراستار: دکتر محمد خضری، لیلا قاسمی قصابه

گروه مترجمین: امیرحسین شهیدی، پریچهر قدمت، اسماعیل مفیدی

چاپ: شرکت تعاونی چاپ نگار

نشانی دبیرخانه علمی: تهران-میدان فردوسی-خیابان شهید سپهبد قرنی-بالاتر از تقاطع طالقانی- پلاک ۸۳
اتاق تعاون ایران

صندوق پستی: ۱۵۸۳۶۱۴۱۱۱

تلفن: ۸۸۸۳۳۶۸۴

وب سایت همایش:WWW.Coopconf.ir

فهرست

پیشگفتار **۱**
نوآوری در ایجاد مشارکت مردمی در تعاونی‌ها؛ تحلیل عملکرد گروه تعاونی پیشگامان یزد در پروژه‌های کلان اقتصادی **۵**
محمدرضا رضائی‌نژاد
چارچوبی داده‌محور برای پیش‌بینی قیمت محصولات کشاورزی با الهام از تجربه تعاونی‌های کشاورزی کره در محصول برنج **۷**
فرانک سادات صولت
تعاونی‌های داده: چارچوبی نوین برای مدیریت جمعی داده در اقتصاد دیجیتال **۹**
آریا زارع‌پور
نقش تعاونی‌ها در توسعه پایدار و حفظ محیط زیست: تجربه جهانی **۱۱**
لطفعلی عاقلی
نقش مرکز داوری اتاق تعاون ایران در حل‌وفصل اختلافات حقوقی تعاونی‌ها **۱۳**
مجید انصاری
بررسی ظرفیت بخش تعاون جهت تصدی‌گری در نظام قضایی کشور با تأکید بر ظرفیت‌های قانونی موجود **۱۵**
قاسم بازیار
شناسایی اجزای زیست‌بوم نوآوری و فناوری بخش تعاون ایران **۱۷**
محمدکاظم کشورشاهی
رسول خالقی
کاربرد هوش مصنوعی در توانمندسازی شبکه‌های تعاونی: فرصت‌ها، چالش‌ها و مسیر پیش رو **۱۹**
آترینا اورعی
بررسی ظرفیت های قانونی و ساختار بخش تعاون ایران جهت توسعه اکوسیستم کارآفرینی **۲۱**
رضا وفائی یگانه
لیلا قاسمی قصابه
ظرفیت تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی اجتماعی نوین: چشم‌اندازی از ایران و تجربیات کشورهای پیشرو **۲۳**
بهناز کاوندی
بررسی نقش بانک‌های توسعه‌ای در توانمندسازی بخش تعاون : مطالعه موردی بانک توسعه تعاون ایران **۲۵**
علی وفائی
بررسی ظرفیت های سند توسعه بخش تعاون در ایران جهت توسعه بخش تعاون **۲۷**
مجتبی محلاتی
طراحی الگوی بومی استفاده از فناوری مالی (فین تک) در تعاونی‌های اعتبار برای ارتقاء تأمین مالی جمعی ایران **۲۹**
علی مشهدی
هماهنگی استراتژی منابع انسانی با استراتژی‌های تکنولوژی شرکت‌های تعاونی **۳۱**
محمدکاظم کشورشاهی
ظرفیت‌های تعاونی‌ها برای توسعه اقتصاد پلتفرمی: تحلیل تطبیقی تجارب جهانی و راهکارهای بومی **۳۳**
علی حسین شهریور
بررسی تأثیر تجارت بین‌الملل (توریسم‌درمانی) درون‌شبکه‌ای تعاونی‌ها در تسهیل تجارت خارجی کشور **۳۵**
نادر چهری
نقش تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش **۳۷**
محمدتقی فیاضی
نقش شفافیت در ارتقای پاسخ‌گویی و کاهش فساد در تعاونی‌ها: مروری تطبیقی و تجربی **۳۹**
علی مطیع جهانی
نقش تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش: تحلیل تجارب برتر جهانی **۴۱**
غلامحسین حسینی‌نیا
بررسی وضعیت تاب‌آوری اقتصادی در ایران و ظرفیت‌های بخش تعاون جهت ارتقاء آن **۴۳**
علی‌محمد احمدی
تقویت تجارت و نوآوری از طریق همکاری میان تعاونی‌ها؛ مسیری به سوی رشد اقتصاد پایدار **۴۵**
علیرضا بنائی فر

ارائه مدل مفهومی هم‌راستایی سیاست‌های نوآوری بخشی با راهبردهای نوآوری بنگاه در شرکت‌های لجستیکی و پستی با تأکید بر تحول استراتژی مدیریت تکنولوژی پست پیشگامان **۴۷**
محمدکاظم کشورشاهی
امین باغشاهی
بهنام فولادی کلهرودی
بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های بخش تعاون در ایجاد و توسعه پزشکی آنلاین و بیمارستان‌های مجازی در ایران **۴۹**
خسرو اکبری
راهکارهای تأمین ملی پروژه‌های مسکن برای دهک‌های درآمدی ۱ تا ۷ با تأکید بر تحلیل طرح‌های ملی و مدل مشارکت تعاونی **۵۱**
پارسا گوهری
مدرسه تعاونی راه رشد: الگوی مشارکتی در آموزش و توسعه محلی **۵۳**
آناهیتا اصلاح‌پذیر
ظرفیت‌ها، چالش‌ها و کارکردهای تعاونی‌ها در مدیریت صادرات؛ مطالعه موردی شرکت تعاونی روماک **۵۵**
خلیل قلی‌زاده
اهمیت مفاهیم حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی در شرکت‌های تعاونی **۵۷**
بهزاد محمودی
بودجه‌ریزی مشارکتی در مدارس تعاونی: سازوکار تخصیص دموکراتیک منابع و مطالعهی موردی مجتمع تعاونی آموزشی راه رشد **۵۹**
آترینا اورعی
ظرفیت اتحادیه‌های تعاونی در مدیریت تعارض منافع؛ رویکردی نهادی و ساختاری **۶۱**
اسفندیار محمدی
بررسی اهمیت تعاونی‌های اعتبار در تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) **۶۳**
شعله باقری پرمهر
بانک زمان به‌عنوان مکانیزمی برای سرمایه اجتماعی در اقتصادهای تعاونی تاب‌آور **۶۵**
آترینا اورعی
کاربرد مدل تضامن جمعی تعاونی در نظام اعتبارات بانکی: تحلیل مفهومی و تجارب جهانی **۶۷**
جمال سلیمانی
امکان سنجی صنعتی‌سازی در صنعت ساخت‌وساز در کشور با تمرکز بر تعاونی های مسکن **۶۹**
علیرضا جمالی
روش‌های نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در مقابله با فقر: مطالعه تطبیقی با تمرکز بر بخش تعاون **۷۱**
سید هادی موسوی نیک
تعاونی‌ها از دریچه نگاه سازمان بین‌المللی کار: تحلیل نقش اقتصاد تعاونی در تحقق کار شایسته و توسعه پایدار **۷۳**
غلامحسین حسینی‌نیا
تعاونی‌های اجتماعی راهبردی برای توانمندسازی گروه‌های محروم و آسیب دیده **۷۵**
محمد خضری
تاب‌آوری و پایداری الگوهای تعاونی در ایران: تحلیل چالش‌ها، راهکارها و چشم‌انداز آینده با رویکردی نوآورانه **۷۷**
عبدالله بهرامی
اولویتبندی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در استفاده از ظرفیت شرکتهای تعاونی **۷۹**
مریم کیوانی
علیرضا شفقی
تأثیر تعاون بر توسعه منابع انسانی کشور **۸۱**
محمد وفایی یگانه
نقشه راه ملی تعاونی‌های توسعه و عمران شهرستانی؛ چارچوبی برای مردمی‌سازی توسعه و تحقق عدالت منطقه‌ای **۸۳**
محی‌الدین اسعدی
ظرفیت بخش تعاون در توسعه بیمه تکافل **۸۵**
معصومه قربانی سنجدری
بررسی نقش شرکت تعاونی شباهنگ در توسعه منطقه‌ای با تأکید بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی شهرستان شهریار **۸۷**
قاسم محمدی
آسیب‌شناسی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در استفاده مطلوب از ظرفیت بخش تعاون با تاکید بر موانع حقوقی **۸۹**

مرتضی عابدی
بررسی نقش تعاونی‌های آبخیزداری در مدیریت پایدار منابع آب **۹۱**
حسین رضایی
بررسی نقش اتحادیه‌ها و تشکل‌های اقتصادی در بهبود فضای کسب‌وکار **۹۳**
علی مصطفایی
نقش تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان در کاهش هزینه‌های تولید **۹۵**
کارو محمدی
الزامات توسعه تعاونی انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها **۹۷**
سعید فولادی
مقایسه تطبیقی ظرفیت شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران شهرستان و صندوق‌های املاک و مستغلات در جهت افزایش مشارکت اقتصادی مردم در بخش مسکن **۹۹**
مهدی رنجبر
تحلیل ابعاد مشارکت اقتصادی زنان در تعاونی‌های روستایی؛ از ضرورت تا پیامدهای اجتماعی **۱۰۱**
زهرا قریشی
تقویت اعتماد اجتماعی از مسیر نظارت بر شرکت‌های تعاونی مسکن با استفاده از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی **۱۰۳**
مجاهد امیری
روح‌الامین امیری
ارزیابی میزان رضایتمندی تعاونیها از عملکرد اتاقهای تعاون سراسر کشور **۱۰۵**
زینب خوش‌چهره
خط‌مشی ترکیبی – مشارکتی در ساختار بخش تعاون جهت تأمین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام دولت **۱۰۷**
البرز محمدی
علی حاجی‌وند
سمیه سروش
ظرفیت تعاونی‌های مرزنشین در تأمین معیشت مرزنشینان و ایجاد اقتصاد پایدار در مناطق مرزی؛ مطالعه موردی عملکرد اتحادیه تعاونی‌های مرزنشین استان خراسان رضوی **۱۰۹**
یاسر فیضی
ظرفیت‌های بخش تعاون برای مقاوم‌سازی اقتصاد **۱۱۱**
بهمن ذیجاه
مهری عباس‌زاده
ظرفیت بخش تعاون برای تجمیع اعتبارات خرد در جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی و کاهش ناترازی‌های مالی: تحلیل راهبردی با تأکید بر بسترهای قانونی و عملیاتی **۱۱۳**
آرمین نوروزپور
بررسی ظرفیت تعاونی‌ها در اجرای مدل‌های نوین فقرزدایی در ایران: مطالعه موردی برنامه تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی **۱۱۵**
محمدرضا مرکزی
ظرفیت شرکت‌های توسعه و عمران شهرستانی در توسعه منطقه‌ای **۱۱۷**
احسان هجری
مهم‌ترین موانع توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه در تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و نقش اتحادیه‌های تعاونی در رفع آن‌ها **۱۱۹**
مرصاد نعمتی دانا
نقش تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی: مروری نظام‌مند بر مفاهیم، چالش‌ها و راهکارها **۱۲۱**
آرزو عبدی
تحلیل تطبیقی نقاط قوت تعاونی‌های سلامت‌محور در نظام‌های بهداشتی جهان: الگویی برای توسعه عدالت درمانی در ایران **۱۲۳**
محمد امیری
آسیب‌شناسی طرح سهام عدالت و ارائه راهکارهای اصلاحی با رویکرد تقویت تعاونی های سهام عدالت **۱۲۵**
سکینه علی بیگی
نقش بخش تعاون در توانمندسازی و مشارکت اقتصادی بانوان بر اساس تجارب موفق جهانی و الگوهای دینی و فرهنگی کشور **۱۲۷**
سیده گوهرشاد صالحیان
نقش تعاونی‌های روستایی در توسعه پایدار مناطق محروم: یک مطالعه مروری **۱۲۹**
آرزو عبدی
امکان‌سنجی مشارکت مردم در قالب تعاونی در باشگاه‌داری ورزشی در ایران بر اساس آسیب‌شناسی وضع موجود و تجارب موفق جهانی **۱۳۱**
حجت‌الله هاشم بیگی

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تعاونی‌های مصرف در افزایش رضایتمندی مشتریان بر اساس تجارب جهانی **۱۳۳**
علیرضا رضایی
مرجان گرامی
حسین افتخاری
نقش تعاونی‌های مرزنشین در توسعه بازارچه‌های مرزی و تقویت معیشت ساکنان مناطق مرزی **۱۳۵**
طاهر تیلا
ظرفیت تعاونی‌ها در بهبود بهره‌وری منابع و کاهش ضایعات در چارچوب اقتصاد چرخشی **۱۳۷**
مریم آقانصیری
ظرفیت تعاونی‌های مرزنشین در توسعه شبکه توزیع کشور با تأکید بر تأمین نیاز مرزنشینان **۱۳۹**
فرهاد صیدی
ظرفیت تعاونی‌ها در توسعه هوش مصنوعی با رویکردی مشارکتی و عدالت‌محور **۱۴۱**
ماندانا جعفری
ظرفیت شرکت‌های تعاونی کارور گاز در اصلاح الگوی مصرف و کاهش ناترازی انرژی: مطالعه موردی استان مرکزی **۱۴۳**
مجید محمدی
تأثیر هوش مصنوعی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی با تمرکز بر نقش میانجی چابکی مشتری و چابکی سازمانی **۱۴۵**
مریم اله یار
تحلیل رفتار اقتصادی در بخش تعاون **۱۴۷**
غلامرضا حجارزاده
شعله تلیکانی
تعاونی‌های اعتباری، موتور محرکه اقتصاد اجتماعی و تعاونی‌های تولید **۱۴۹**
سینا شیخی
بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ یاری‌گری در پایداری تعاونی‌ها در اقتصاد ایران **۱۵۱**
شهریار احمدبیگی
بررسی عملکرد صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون در کمک به توسعه بخش تعاون و کسب و کارهای خرد و کارآفرین **۱۵۳**
دکتر البرز محمدی
علی حاجی وند
سمیه سروش
از همکاری تا هم‌کاری: الگوی حکمرانی نوین و شکوفایی توانمندی‌های اجتماعیِ اقتصاد تعاونی در عصر حاضر **۱۵۵**
رضا عسکری مقدم
الگوی تعاونی به مثابه اهرمی برای رشد اقتصاد پلتفرمی در ایران(تحلیل پتانسیل و مطالعه موردی) **۱۵۷**
شکوه سادات علیزاده مقدم
محمد شریعتی

list

Foreword ۲
Innovation in Fostering Public Participation in Cooperatives: A Performance Analysis of the Pishgaman Cooperative Group in Large-Scale Economic Projects ٦
Mohammadreza Rezaeinejad
A Public Data-Driven Framework for Agricultural Product Price Forecasting: Inspired by Korean Agricultural Cooperatives in the Rice Sector ۸
Faranaksadat Solat
Data Cooperatives: A Novel Framework for Collective Data Governance in the Digital Economy ۱۰
Arya Zarepoor
The Role of Cooperatives in Sustainable Development and Environmental Protection: A Global Perspective ۱۲
Lotfali Agheli
The Role of the Arbitration Center of the Iranian Chamber of Cooperatives in Resolving Legal Disputes within Cooperatives ۱٤
Majid Ansari
Exploring the Cooperative Sector's Capacity for Judicial Engagement in Iran: Emphasis on Existing Legal Frameworks ۱٦
Ghasem Khaleghi
Identifying the Components of the Innovation and Technology Ecosystem in Iran's Cooperative Sector ۱۸
Mohammad Kazem Keshavarshahi, Rasoul Khaleghi
The Application of Artificial Intelligence in Empowering Cooperative Networks: Opportunities, Challenges, and the Way Forward ۲۰
Atrina Ouraei
Examining the Legal Capacities and Structural Foundations of Iran's Cooperative Sector for the Development of an Entrepreneurial Ecosystem ۲۲
Reza Vafaee Yeganeh, Leila Ghasemi Ghasabeh
The Capacity of Cooperatives in Advancing Modern Social Entrepreneurship: Insights from Iran and Leading International Experiences ۲٤
Behnaz Kavandi
The Role of Development Banks in Empowering the Cooperative Sector: A Case Study of the Cooperative Development Bank of Iran ۲٦
Ali Vafaee
Assessing the Capacities of Iran's Cooperative Development Document for Sectoral Advancement ۲۸
Mojtaba Mahallati
Designing a Localized Model for the Application of Fintech in Credit Cooperatives to Enhance Crowdfunding in Iran ۳۰
Ali Mashhadi
Aligning Human Resource Strategy with Technology Strategies in Cooperative Enterprises: Case Study of Pishgaman Inland Port ۳۲
Mohammad Kazem Keshavarshahi
The Potential of Cooperatives in Advancing the Platform Economy: A Comparative Analysis of Global Experiences and Local Strategies ۳٤
Ali Hossein Shahrivar
The Impact of Intra-Network Cooperative International Trade (Medical Tourism) on Facilitating Foreign Trade in Iran ۳٦
Nader Chehri
The Role of Cooperatives in Networking and Value Chain Integration ۳۸
Mohammad Taghi Fayyazi
The Role of Transparency in Enhancing Accountability and Reducing Corruption in Cooperatives: A Comparative and Empirical Review ٤۰
Ali Moti' Jahani
The Role of Cooperatives in Networking and Value Chain Integration: Analysis of Leading Global Practices ٤۲
Gholamhossein Hosseini-Nia
An Assessment of Economic Resilience in Iran and the Role of the Cooperative Sector in Enhancing It ٤٤
Ali-Mohammad Ahmadi
Enhancing Trade and Innovation through Inter-Cooperative Collaboration: A Path Toward Sustainable Economic Growth ٤٦
Alireza Banaeifar
A Conceptual Model for Aligning Sectoral Innovation Policies with Firm-Level Innovation Strategies in Logistics and Postal Enterprises: Emphasis on the Strategic Transformation of Technology Management in Post Pishgaman (Public Shareholding Cooperative – Knowledge-Based) ٤۸
Mohammad Kazem Keshavarshahi, Amin Baghshahi, Behnam Fouladi Kalehrudi
Exploring the Capacities and Challenges of the Cooperative Sector in Developing Online Medicine and Virtual Hospitals in Iran ٥۰
Khosro Akbari
Financing Strategies for Housing Projects Targeting Income Deciles 1 to 7: An Analytical Review of National Housing Schemes and the Cooperative Participation Model ٥۲
Parsa Gowhari
Rah-e-Roshd Cooperative School: A Participatory Democracy Model in Education and Local Development ٥٤
Anahita Eslahpazir
Capabilities, Challenges, and Functions of Cooperatives in Export Management: A Case Study of Romak Cooperative Company ٥٦
Khalil Gholizadeh
The Importance of Corporate Governance and Internal Control Concepts in Cooperative Enterprises ٥۸

Behzad Mahmoudi
Participatory Budgeting in Cooperative Schools: A Democratic Resource Allocation Mechanism and the Case of Rah-e-Roshd Educational Cooperative ٦٠
Atrina Ouraei
The Institutional and Structural Capacities of Cooperative Unions in Conflict of Interest Management ٦٢
Esfandiar Mohammadi
Examining the Importance of Credit Cooperatives in Financing Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs) ٦٤
Sholeh Bagheri Pormehr
Time Banking as a Mechanism for Social Capital in Resilient Cooperative Economies ٦٦
Atrina Ouraei
The Application of the Joint Liability Cooperative Model in Banking Credit Systems: A Conceptual Analysis and Global Experiences ٦٨
Jamal Soleimani
Feasibility of Industrialization in the Construction Sector in Iran with a Focus on Housing Cooperatives ٧٠
Alireza Jamali
Methods of Non-Governmental Sector Participation in Combating Poverty: ٧٢
Seyed Hadi Mousavi Nik
Cooperatives Through the Lens of the International Labour Organization (ILO): An Analysis of the Role of the Cooperative Economy in Advancing Decent Work and Sustainable Development ٧٤
Gholamhossein Hosseini-Nia
Social Cooperatives as a Strategic Approach to Empowering Marginalized and Vulnerable Groups ٧٦
Mohammad Khezri
Resilience and Sustainability of Cooperative Models in Iran: Challenges, Strategies, and Future Outlook through an Innovative Lens ٧٨
Abdollah Khezri
Prioritization of Factors Influencing the Development of Entrepreneurship through the Capacities of Cooperative Enterprises ٨٠
Maryam Keyvani, Alireza Shafaghi
The Impact of Cooperatives on Human Resource Development in Iran ٨٢
Mohammad Vafaee Yeganeh
The National Roadmap for County Development Cooperatives: A Framework for Participatory Development and Regional Equity ٨٤
Mohyeddin As'adi
The Role of the Cooperative Sector in the Development of Takaful Insurance ٨٦
Masoumeh Ghorbani Senjedari
The Role of Shabahang Cooperative Company in Regional Development with Emphasis on Economic and Social Empowerment in Shahriar County ٨٨
Ghasem Mohammadi
A Legal Analysis of the Implementation Challenges of Article 44 of the Constitution: Obstacles to Leveraging the Cooperative Sector ٩٠
Morteza Abedi
The Role of Watershed Management Cooperatives in Sustainable Water Resource Management ٩٢
Hossein Rezaei
Examining the Role of Unions and Economic Associations in Improving the Business Environment ٩٤
Ali Mostafaei
The Role of Producer Supply Cooperatives in Reducing Production Costs ٩٦
Karou Mohammadi
Article Title: Requirements for the Development of Renewable Energy Cooperatives in Iran; Challenges and Solutions ٩٨
Saeed Fooladi
A Comparative Study of the Capacity of County Development Cooperatives and Real Estate Investment Trusts (REITs) to Increase Public Economic Participation in the Housing Sector ١٠٠
Mehdi Ranjbar
Analyzing the Dimensions of Women's Economic Participation in Rural Cooperatives: From Necessity to Social Impacts ١٠٢
Zahra Ghoreishi
Enhancing Social Trust Through the Supervision of Housing Cooperatives Using Advanced Technologies and Artificial Intelligence ١٠٤
Mojahad Amiri, Roohollah Amin
Assessing Cooperative Satisfaction with the Performance of Cooperative Chambers Across Iran ١٠٦
Zeynab Khoshchehreh
A Hybrid–Participatory Policy Approach within the Cooperative Sector for Financing Government Incomplete Projects ١٠٨
Alborz Mohammadi, Ali Hajivand, Somayeh Soroush
The Role of Border Residents' Cooperatives in Securing Livelihoods and Promoting Sustainable Border Economies: A Case Study of the Border Cooperatives Union of Khorasan Razavi Province ١١٠
Yaser Feyzi
The Capacities of the Cooperative Sector for Building Economic Resilience ١١٢
Bahman Zijah, Mehri Abbaszadeh

The Capacity of the Cooperative Sector to Aggregate Micro-Credit for Economic Investment and Reducing Financial Imbalances: A Strategic Analysis with Emphasis on Legal and Operational Frameworks ۱۱٤
Armin Norouzpour
Assessing the Capacity of Cooperatives in Implementing Innovative Poverty Alleviation Models in Iran: A Case Study of the Linked Banking Microfinance Program ۱۱٦
Mohammadreza Markazi
The Capacity of County Development and Civil Companies in Regional Development ۱۱۸
Ehsan Hejri
Key Barriers to R&D Development in Cooperatives and SMEs and the Role of Cooperative Unions in Overcoming Them ۱۲۰
Mersad Ne'mati Dana
The Role of Cooperatives in Entrepreneurship Development: A Systematic Review of Concepts, Challenges, and Strategies ۱۲۲
Arezou Abdi
A Comparative Analysis of the Strengths of Health-Oriented Cooperatives in Global Health Systems: A Model for Advancing Healthcare Equity in Iran ۱۲٤
Mohammad Amiri
A Critical Analysis of the Justice Shares Plan and Reform Proposals with an Emphasis on Strengthening Justice Shareholding Cooperatives ۱۲٦
Sakineh Alibeigi
The Role of the Cooperative Sector in Women's Empowerment and Economic Participation: Insights from Global Best Practices and National Religious-Cultural Models ۱۲۸
Seyyedeh Goharshad Salehian
The Role of Rural Cooperatives in Sustainable Development of Underserved Areas: A Review Study ۱۳۰
Arezoo Abdi
Feasibility of Public Participation through Cooperatives in Sports Club Management in Iran: A Diagnosis of the Current Situation and Review of Global Best Practices ۱۳۲
Hojatollah Hashembeigi
Capacities and Potentials of Consumer Cooperatives in Enhancing Customer Satisfaction: Insights from Global Experiences ۱۳٤
Alireza Rezaei, Marjan Gerami, Hossein Eftekhari
The Role of Border Residents' Cooperatives in the Development of Border Markets and Strengthening Livelihoods in Border Regions ۱۳٦
Taher Tila
The Role of Cooperatives in Enhancing Resource Efficiency and Reducing Waste within the Framework of the Circular Economy ۱۳۸
Maryam Aghanasiri
The Role of Border Residents' Cooperatives in Expanding the National Distribution Network with Emphasis on Meeting Border Communities' Needs ۱٤۰
Farhad Seyyedi
The Role of Cooperatives in the Development of Artificial Intelligence: A Participatory and Justice-Oriented Approach ۱٤۲
Mandana Jafari
The Role of Gas Operator Cooperatives in Energy Efficiency and Reducing Energy Imbalances: A Case Study of Markazi Province ۱٤٤
Majid Mohammadi
The Impact of Artificial Intelligence on Cooperative Performance: The Mediating Role of Customer Agility and Organizational Agility ۱٤٦
Maryam Allahyar
Analyzing Economic Behavior in the Cooperative Sector ۱٤۸
Gholamreza Hojarzadeh, Sho'leh Talekani
Credit Cooperatives as a Driving Force for the Social Economy and Production Cooperatives ۱۵۰
Sina Sheikhi
Examining the Role of Mutual Aid Culture Components in the Sustainability of Cooperatives in Iran's Economy ۱۵۲
Shahriar Ahmadbeigi
Examining the Performance of the Cooperative Investment Guarantee Fund in Supporting the Development of the Cooperative Sector and Small Entrepreneurial Businesses ۱۵٤
Dr. Alborz Mohammadi, Ali Hajivand, Somayeh Soroush
From Cooperation to Collaboration: The New Organizational Governance Model in the Contemporary Era and the Flourishing of Social Capabilities in the Cooperative Economy ۱۵٦
Reza Askarimoghaddam
The Cooperative Model as a Lever for Platform Economy Growth in Iran: A Potential Analysis and Case Study ۱۵۸
Shokooh Sadat Alizadeh Moghadam
Mohammad Shariati

اعضاء کمیته علمی

نام و نام خانوادگی	عنوان و سمت
دکتر احمد میدری	وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی
دکتر علی طیب نیا	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر محمدرضا پور ابراهیمی	رئیس کمیسیون اقتصاد دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
دکتر پیمان نوری	معاون اقتصادی دادستان کل کشور
دکتر علی ربیعی	دستیار رئیس جمهور در امور اجتماعی
دکتر بابک نگاهداری	رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
دکتر محمد قاسمی	معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه کل کشور و عضو هیات علمی دانشگاه علامه
دکتر سید احسان خاندوزی	عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر حمید آماده	عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر عباس محمدزاده	عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر لطفعلی عاقلی کهنه شهری	عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر کمال سخدری	عضو هیات علمی دانشگاه تهران
دکتر حسین محمودی	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
دکتر محمد اولیاء	رئیس سازمان ملی بهره وری ایران

اعضاء کمیته داوران

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
دکتر غلامحسین حسینی نیا	عضو هیات علمی دانشگاه تهران
دکتر لطفعلی عاقلی کهنه شهری	عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدری
دکتر رضا عسکری مقدم	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
دکتر علینقی حیدری	استاد دانشگاه و رئیس انجمن علمی تعاون
دکتر علی شهریور	دبیرکل خانه تعاون گران
دکتر سیدهادی موسوی نیک	عضو هیات علمی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
دکتر محمد وفائی یگانه	عضو هیات علمی دانشگاه ایلام
دکتر علی امامی میبدی	عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر حسام عزت آبادی	عضو هیات علمی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
دکتر آرایا زارع پور	دکتر مدیریت و آینده پژوهشی و مدرس دانشگاه
دکتر مجید افشاری راد	عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی
دکتر کمال سخدری	عضو هیات علم دانشگاه تهران
دکتر بابک لعل فام	مدرس دانشگاه
دکتر محمد خضری	عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد
دکتر مهدی خادمی گراشی	عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش برنامه ریزی کشور
دکتر علی سایه میری	عضو هیات علمی دانشگاه ایلام
دکتر مهران رضوی	دانشگاه تهران

پیشگفتار

پژوهش، به‌عنوان نیروی محرکه‌ی تحول، نوآوری و سیاست‌گذاری اثربخش، جایگاهی بنیادین در مسیر توسعه‌ی پایدار ایفا می‌کند. در این چارچوب، بخش تعاون به‌مثابه یکی از ارکان سه‌گانه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ـ بر پایه اصل ۴۴ قانون اساسی ـ نیازمند بازنگری و توجهی مضاعف به تولید دانش، بهره‌گیری از تفکر راهبردی، و اتکای علمی به ظرفیت‌های داخلی و تعاملات بین‌المللی است. این مهم، شرط لازم برای پویایی، تاب‌آوری و کارآمدی هرچه بیشتر این بخش در اقتصاد ملی به شمار می‌رود.

توسعه‌ی پژوهش‌های علمی، ثبت و تبیین تجربه‌های زیسته، و انتقال نظام‌مند دانش و سیاست، می‌تواند بستر مناسبی برای ارتقاء جایگاه تعاون به‌عنوان یک الگوی مردمی و مشارکت‌محور در ساختار اقتصادی کشور فراهم آورد. افزون بر آن، تجربه‌ی جهانی نیز مؤید نقش برجسته‌ی تعاونی‌ها در مواجهه با چالش‌های نوظهور اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی است؛ چنان‌که در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به هفتاد و دومین مجمع عمومی، تعاونی‌ها «**ابزاری کلیدی برای تحقق اهداف توسعه پایدار و تضمین اصل "هیچ‌کس نباید نادیده گرفته شود"**» معرفی شده‌اند. سایر نهادهای بین‌المللی مانند سازمان جهانی کار (ILO) و اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA) نیز بارها بر کارکرد مؤثر تعاونی‌ها در کاهش فقر، بهبود عدالت اجتماعی، اشتغال‌زایی پایدار و تقویت انسجام اجتماعی تأکید کرده‌اند.

اهمیت این نگاه جهانی تا آن‌جاست که سازمان ملل متحد برای دومین بار پس از سال ۲۰۱۲، سال ۲۰۲۵ را به‌عنوان «**سال جهانی تعاون**» نام‌گذاری کرده است؛ اقدامی که تأکید مضاعفی بر ظرفیت‌های مردمی، فراگیر و عدالت‌محور تعاونی‌ها در پیشبرد توسعه جهانی دارد. داده‌های آماری روزآمد نیز گواه روشنی بر این واقعیت‌اند: فعالیت بیش از سه میلیون تعاونی و عضویت بیش از **۱.۲ میلیارد نفر** در این تعاونی‌ها، اشتغال‌زایی برای بالغ بر **۲۸۰ میلیون نفر**، و گردش مالی سالانه‌ای بیش از **۲.٤ تریلیون دلار** توسط **۳۰۰ تعاونی بزرگ جهان** در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، بیمه، بانکداری، سلامت، آموزش و انرژی، تنها بخشی از این ظرفیت چشم‌گیر است.

Foreword

Research, as a driving force of transformation, innovation, and effective policymaking, plays a foundational role in the path toward sustainable development. Within this framework, the cooperative sector — as one of the three pillars of the Islamic Republic of Iran's economy, based on Article 44 of the Constitution — requires renewed focus and enhanced commitment to knowledge production, strategic thinking, and scientific reliance on domestic capacities as well as international cooperation. This is a prerequisite for increasing the dynamism, resilience, and efficiency of this sector in the national economy.

The advancement of scientific research, the documentation and analysis of lived experiences, and the systematic transfer of knowledge and policy can provide a suitable foundation for elevating the position of cooperatives as a participatory and people-centered model within the country's economic structure. Furthermore, global experience underscores the critical role of cooperatives in addressing emerging social, economic, and environmental challenges. As highlighted in the report of the United Nations Secretary-General to the 72nd General Assembly, cooperatives are recognized as "key instruments for achieving the Sustainable Development Goals and ensuring that no one is left behind." Other international organizations, such as the International Labour Organization (ILO) and the International Cooperative Alliance (ICA), have repeatedly emphasized the effective functions of cooperatives in poverty reduction, social justice enhancement, sustainable job creation, and strengthening social cohesion.

The significance of this global perspective is such that the United Nations has designated the year 2025 — for the second time since 2012 — as the **International Year of Cooperatives**, reaffirming the inclusive, equitable, and people-powered capacities of cooperatives in advancing global development. Up-to-date statistical data also clearly supports this reality: with over three million cooperatives, more than 1.2 billion members, job creation for over 280 million people, and an annual turnover exceeding 2.4 trillion USD by the world's 300 largest cooperatives in sectors such as agriculture, insurance, banking, health, education, and energy — these figures only begin to reflect the sector's tremendous potential.

در ایران، جایگاه قانونی و راهبردی تعاون در اسناد بالادستی ـ از جمله برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ـ به‌وضوح تبیین شده است. اهدافی چون دستیابی به سهم ۲۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی و ۲۰ درصدی از اشتغال ملی برای این بخش در نظر گرفته شده، **قطعا** تحقق این اهداف در گرو تقویت زیرساخت‌های دانشی، پژوهشی و نهادی است. بی‌تردید، بدون توسعه ظرفیت‌های علمی و تحلیلی در حوزه تعاون، نمی‌توان به مردمی‌سازی و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور به‌طور پایدار دست یافت.

بر همین اساس، «**دومین همایش بین‌المللی اقتصاد تعاونی ایران**» با رویکردی نوآورانه و سیاست‌محور، تحت عنوان «تعاونی ها دنیای بهتری می سازند» برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این رویداد، فراهم‌آوردن بستری علمی برای تبادل اندیشه‌ها، ارائه تجارب جهانی و محلی، و تحلیل‌های سیاستی مبتنی بر شواهد است؛ امری که می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقاء بینش راهبردی و عملیاتی در بخش تعاون تلقی شود.

مجموعه پیش‌رو، شامل چکیده مقالات منتخب دریافتی از میان ده‌ها مقاله ارسالی به دبیرخانه همایش است؛ مقالاتی که با معیارهایی همچون انسجام علمی، نوآوری نظری، قابلیت کاربرد، و هم‌راستایی با محورهای تخصصی همایش گزینش شده‌اند. بی‌گمان، انتشار این مجموعه می‌تواند نقشی مؤثر در گسترش مرزهای دانش، اشتراک تجربه و تقویت هم‌افزایی میان پژوهشگران، تصمیم‌سازان و کنشگران حوزه تعاون ایفا نماید.

در پایان، **اتاق تعاون ایران** به‌عنوان نهاد برگزارکننده رویداد ضمن قدردانی و سپاسگزاری از تمامی صاحب‌نظران، پژوهش گران و فعالان علاقه‌مند به توسعه اقتصاد مردمی که یاریگر ما در اجرای این رویداد علمی بودند تقاضا داریم تا با مشارکت فعال و انتقال تجارب ارزنده خود، ما را در تحقق توسعه بخش تعاون همراهی فرمایند.

بهمن عبداللهی
رئیس اتاق تعاون ایران و
عضو هیات مدیره اتحادیه بین المللی تعاون(ICA)

In Iran, the legal and strategic position of cooperatives is clearly outlined in high-level policy documents, including development plans and the general policies of Article 44 of the Constitution. Targets such as attaining a 25% share of GDP and a 20% share of national employment have been set for this sector. Undoubtedly, achieving these objectives depends on strengthening knowledge, research, and institutional infrastructures. Without the development of scientific and analytical capacities in the cooperative field, sustainable economic empowerment and public participation cannot be fully realized.

Accordingly, the **Second International Conference on the Cooperative Economy in Iran**, titled *"Cooperatives Build a Better World"*, is being held with an innovative and policy-oriented approach. The objective of this event is to provide an academic platform for the exchange of ideas,

presentation of global and local experiences, and evidence-based policy analyses — a move that can be viewed as a meaningful step toward enhancing both strategic and operational insights in the cooperative sector.

This volume includes abstracts of selected papers, chosen from among dozens submitted to the conference secretariat. These papers have been selected based on criteria such as scientific coherence, theoretical innovation, practical applicability, and alignment with the conference's thematic areas. Undeniably, the publication of this collection can play an important role in expanding the frontiers of knowledge, sharing experiences, and fostering synergy among researchers, policymakers, and stakeholders in the cooperative field.

In conclusion, the **Iran Chamber of Cooperatives**, as the organizing institution of this event, expresses its sincere gratitude to all scholars, researchers, and practitioners committed to the advancement of the people-centered economy who have supported us in delivering this academic and cultural event. We warmly invite you to continue contributing your valuable experiences and active participation to help advance the development of the cooperative sector.

Bahman Abdollahi

President of the Iran Chamber of Cooperatives &
Member of the Board of the
International Cooperative Alliance (ICA)

نوآوری در ایجاد مشارکت مردمی در تعاونی‌ها؛ تحلیل عملکرد گروه تعاونی پیشگامان یزد در پروژه‌های کلان اقتصادی

محمدرضا رضائی‌نژاد[1]

مقاله حاضر به تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در تعاونی‌های سهامی سرمایه‌گذار با تمرکز بر عملکرد گروه پیشگامان کویر یزد پرداخته است. نتایج مقاله که با روش ترکیبی (۳۸۰ پرسش‌نامه و ۱۵ مصاحبه با خبرگان) به‌دست‌آمده، نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را در موفقیت مدل مشارکت مردمی این گروه داشته‌اند. این مدل با مزایای منحصربه‌فرد خود، راهکاری کارآمد برای پروژه‌های کلان اقتصادی شناخته شده است. گروه تعاونی پیشگامان با ایجاد سازوکارهای مشارکتی نوآورانه، موفق به جذب گسترده سرمایه‌های مردمی شده است. ساختار حاکمیتی این مدل که ترکیبی از تخصص کارآفرینان و سرمایه‌های مردمی است، ضمن حفظ کارایی اقتصادی، به اهداف اجتماعی نیز توجه داشته و در پروژه‌هایی مانند احداث نیروگاه‌های خورشیدی و توسعه شبکه فیبر نوری به موفقیت‌های چشمگیری دست‌یافته است.

واژگان کلیدی: تعاونی‌ها، مشارکت مردمی، تعاونی پیشگامان یزد، الگوی سهام‌دار غیرعضو

[1] دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره اتحادیه تخصصی امور زیربنایی پیشگامان،یزد؛ rezaeinejad@gmail.com

Innovation in Fostering Public Participation in Cooperatives: A Performance Analysis of the Pishgaman Cooperative Group in Large-Scale Economic Projects

Mohammadreza Rezaeinejad[1]

This paper analyzes the key factors influencing public participation in shareholder-investor cooperatives, with a particular focus on the performance of the Pishgaman Kavir Yazd Cooperative Group. The findings—based on a mixed-methods approach involving 380 questionnaires and 15 expert interviews—indicate that economic and social factors have had the most significant impact on the success of this group's public participation model. Owing to its distinctive advantages, the model is recognized as an effective strategy for implementing large-scale economic projects.

Through the establishment of innovative participatory mechanisms, the Pishgaman Cooperative Group has successfully mobilized widespread public capital. The governance structure of this model—which integrates entrepreneurial expertise with public investment—not only ensures economic efficiency but also addresses social goals. The group has achieved remarkable outcomes in projects such as solar power plant construction and fiber optic network expansion.

Keywords: Cooperatives, Public Participation, Pishgaman Yazd Cooperative, Non-Member Shareholder Model

[1] Ph.D. in Information Technology Management, CEO and Chairman of the Board, Pishgaman Specialized Union for Infrastructure Affairs, Yazd; rezaeinejad@gmail.com

چارچوبی داده‌محور برای پیش‌بینی قیمت محصولات کشاورزی با الهام از تجربه تعاونی‌های کشاورزی کره در محصول برنج

فرانک سادات صولت[1]

پیش‌بینی دقیق قیمت محصولات کشاورزی، نقشی کلیدی در تصمیم‌گیری‌های تولید، توزیع و سیاست‌گذاری ایفا می‌کند. بر این اساس این پژوهش با هدف ارائه یک چارچوب داده‌محور مبتنی بر هوش مصنوعی برای پیش‌بینی قیمت محصولات کشاورزی انجام شده است. در این پژوهش از داده‌های عمومی قیمت محصولات کشاورزی کره جنوبی، با تمرکز ویژه بر قیمت برنج، استفاده شده است. داده‌ها از منابع عمومی و سامانه‌های اطلاعاتی تعاونی‌های کشاورزی کره گردآوری شده و پس از پاک‌سازی و پیش‌پردازش، به کمک الگوریتم‌های پیشرفته یادگیری ماشین تحلیل شده‌اند. چارچوب پیشنهادی، ترکیبی از مدل‌های سری زمانی و شبکه‌های عصبی عمیق را به کار می‌گیرد تا روندهای قیمتی کوتاه‌مدت و بلندمدت را پیش‌بینی کند. برای ارزیابی عملکرد مدل‌ها، داده‌ها به مجموعه‌های آموزش و آزمون تقسیم شدند و شاخص‌های خطا مانند RMSE و MAPE محاسبه گردید. نتایج پیش‌بینی در قالب نمودارهای روند واقعی و پیش‌بینی‌شده ارائه شد تا امکان تحلیل دقت و کاربردپذیری چارچوب برای تعاونی‌های کشاورزی فراهم گردد.این چارچوب بدون نیاز به جمع‌آوری داده‌های شخصی، روند قیمتی را تحلیل و تغییرات احتمالی را پیش‌بینی می‌کند و می‌تواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر در برنامه‌ریزی تولید، عرضه و قیمت‌گذاری کمک کند. نتایج نشان می‌دهد که نتایج نشان می‌دهد که بهره‌گیری از داده‌های عمومی و مدل‌های پیش‌بینی سبک، ضمن کاهش هزینه‌ها، می‌تواند دقت تصمیم‌گیری را در تعاونی‌های کشاورزی به شکل معناداری افزایش دهد. این چارچوب می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای تعاونی‌های کشاورزی، کشاورزان و سیاست‌گذاران جهت مدیریت بهتر زنجیره تأمین و کاهش نوسانات بازار مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پیش‌بینی قیمت، داده‌محور، تعاونی‌های کشاورزی، برنج، کره جنوبی، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین

[1] . استادیار، رشته هوش مصنوعی، دانشکده محاسبات، دانشگاه گاچون، سئونگنام، جمهوری کره جنوبی

A Public Data-Driven Framework for Agricultural Product Price Forecasting: Inspired by Korean Agricultural Cooperatives in the Rice Sector

Faranaksadat Solat[1]

Abstract—Accurate forecasting of agricultural product prices plays a pivotal role in production, distribution, and policymaking decisions. Accordingly, this study aims to present a data-driven artificial intelligence framework for forecasting the prices of agricultural products. Public agricultural price data from South Korea, with a particular focus on rice prices, were utilized. The data were collected from public sources and the information systems of Korean agricultural cooperatives, and, after cleaning and preprocessing, were analyzed using advanced machine learning algorithms. The proposed framework combines time-series models and deep neural networks to predict both short- and long-term price trends. To evaluate the performance of the models, the dataset was divided into training and testing sets, and error metrics such as RMSE and MAPE were calculated. The forecasting results were presented through plots comparing actual and predicted trends, enabling the analysis of the framework's accuracy and applicability for agricultural cooperatives. Operating without the need to collect personal data, this framework analyzes price trends, predicts potential fluctuations, and can support more precise decision-making in production planning, supply management, and pricing. The results indicate that leveraging public datasets and lightweight forecasting models can significantly improve decision-making accuracy in agricultural cooperatives while reducing costs. This framework can serve as an effective tool for agricultural cooperatives, farmers, and policymakers to better manage supply chains and mitigate market volatility.

Keywords: price forecasting, data-driven, agricultural cooperatives, rice, South Korea, artificial intelligence, machine learning

[1]. Assistant ProfessorDepartment of AI, School of Computing, Gachon University, Seongnam, Republic of Korea

تعاونی‌های داده: چارچوبی نوین برای مدیریت جمعی داده در اقتصاد دیجیتال

آریا زارع‌پور[1]

در دهه‌های اخیر، داده‌ها به عنوان نفت خام شناخته شده‌اند و به همین دلیل کنترل و بهره‌برداری از داده‌ها به موضوعی حیاتی در اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. شرکت‌های بزرگ فناوری با جمع‌آوری گسترده داده‌های کاربران، قدرت اقتصادی و سیاسی بی‌سابقه‌ای کسب کرده‌اند. در واقع، مدل‌های رایج که توسط شرکت‌های فناوری و به‌صورت متمرکز هدایت می‌شوند، منجر به انحصار داده و نابرابری در دسترسی و استفاده از آن شده‌اند و کاربران را که تولیدکننده اصلی داده هستند بی‌بهره می‌گذارند. در پاسخ به این چالش‌ها تعاونی داده به‌عنوان مدلی جایگزین، مبتنی بر مالکیت جمعی، شفافیت، مشارکت دموکراتیک و بهره‌مندی منصفانه از داده‌ها، مطرح شده‌اند. تعاونی‌های داده سازمان‌هایی هستند با مجموعه‌ای از افراد که به‌صورت داوطلبانه، داده‌های خود را در آن به اشتراک می‌گذارند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نحوه استفاده، تحلیل، فروش یا تبادل داده‌ها مشارکت می‌کنند. از این رو، این مقاله با هدف بررسی جامع تعاونی‌های داده و کاربرد آنها، به تحلیل مفهومی، چالش‌های اجرایی، بررسی نمونه‌های بین‌المللی و امکان‌سنجی اجرای تعاونی‌های داده در ایران می‌پردازد. با اتکا به رویکردی تطبیقی و طراحی مدل بومی، این مقاله نشان می‌دهد که تعاونی‌های داده می‌توانند بستر مناسبی برای تحقق عدالت دیجیتال و توانمندسازی کاربران ایرانی فراهم کنند.

واژگان کلیدی: تعاونی داده، حکمرانی داده، مالکیت جمعی، اقتصاد دیجیتال، مطالعه تطبیقی

[1] .دکتری آینده پژوهی و کارشناس شرکت ملی نفت ایران

Data Cooperatives: A Novel Framework for Collective Data Governance in the Digital Economy

Arya Zarepoor[1]

In recent decades, data has been referred to as the new oil, underscoring its critical importance in the digital economy. Large technology companies have amassed unprecedented economic and political power by collecting vast amounts of user data. The prevailing centralized data governance models employed by these corporations have resulted in data monopolies and unequal access, depriving users—the primary producers of data—of their rightful share in its benefits.

In response to these challenges, data cooperatives have emerged as an alternative model grounded in collective ownership, transparency, democratic participation, and equitable benefit-sharing. Data cooperatives are organizations composed of individuals who voluntarily share their personal data and actively participate in decision-making regarding how that data is used, analyzed, sold, or exchanged.

This paper aims to provide a comprehensive analysis of data cooperatives, exploring their conceptual foundations, practical challenges, global case studies, and the feasibility of implementing such cooperatives in Iran. Using a comparative approach and a localized model design, the study demonstrates that data cooperatives offer a promising pathway for achieving digital justice and empowering Iranian users in the digital space.

Keywords: Data Cooperative, Data Governance, Collective Ownership, Digital Economy, Comparative Study

۱. Ph.D. in Futures Studies and Expert at the National Iranian Oil Company

نقش تعاونی‌ها در توسعه پایدار و حفظ محیط زیست: تجربه جهانی

لطفعلی عاقلی[1]

تعاونی‌ها یکی از نهادهای مکمل بخش خصوصی و دولت‌ها به شمار می‌روند. موارد شکست بازار و دولت از طریق شکل‌گیری بخش سوم اقتصاد که تعاونی‌ها و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد در آن جای دارند، قابل رفع و اصلاح هستند. هم‌پیوندی و منافع مشترک اعضای تعاونی‌ها در صورتی که حقوق مالکیت به درستی تعریف شده باشد، موجب موفقیت تعاونی خواهد بود. حوزه عمل تعاونی‌ها به گستردگی فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است و بخش‌های سلامت، محیط زیست، کشاورزی، تولید صنعتی، خدمات مالی و بانکی، ورزش و حتی آموزش زیر چتر تعاونی‌ها قادر به فعالیت هستند. هر چند بازارگرایان (هواداران اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری) از یک سو و دولت‌گرایان (طرف‌داران دخالت بیشینه دولت در اقتصاد)، نگاه مثبتی به نقش و اثرگذاری تعاونی‌ها در اقتصاد ندارند، اما نام‌گذاری سال ۲۰۲۵ به نام سال بین‌المللی تعاونی‌ها از طرف سازمان ملل، یک‌بار دیگر کانون توجه محافل دانشگاهی و تخصصی را به بخش تعاون معطوف کرده است. این مقاله، بر جایگاه و نقش تعاونی‌ها در حفاظت از محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار تأکید دارد. به همین منظور، رابطه بین پس‌انداز تعدیل شده (به‌مثابه شاخص پایداری ضعیف) و ارزش افزوده تعاونی‌ها در کشورهای منتخب در دوره ۲۰۲۴-۲۰۱۰ از طریق یک تحلیل رگرسیونی داده‌های ترکیبی برآورد می‌شود و اثر سایر متغیرهای توضیحی شامل رشد جمعیت شهری، رشد اقتصادی، آزادی تجاری و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تعاونی، محیط زیست، توسعه پایدار، پایداری ضعیف، پس‌انداز تعدیل شده

۱ عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس E-mail: aghelik@modares.ac.ir

The Role of Cooperatives in Sustainable Development and Environmental Protection: A Global Perspective

Lotfali Agheli[1]

Cooperatives serve as complementary institutions to the private sector and governments. Market and government failures can be addressed and mitigated through the development of the third sector economy, in which cooperatives and other civil society organizations play a central role. The shared interests and mutual interdependence of cooperative members—when property rights are well-defined—significantly contribute to the success of cooperatives.

The operational scope of cooperatives is vast, encompassing both production and service activities. Sectors such as healthcare, environmental protection, agriculture, industrial production, financial services, banking, sports, and even education can function effectively under cooperative frameworks. Although advocates of free-market capitalism and state-led economies often hold skeptical views toward the effectiveness of cooperatives, the United Nations' designation of 2025 as the International Year of Cooperatives has once again drawn scholarly and policy attention to the cooperative sector.

This paper emphasizes the vital role of cooperatives in environmental conservation and the pursuit of sustainable development. To this end, it investigates the relationship between adjusted net savings (as an indicator of weak sustainability) and the value added by cooperatives across selected countries during the period 2010–2024. The analysis is conducted through a panel regression model and also examines the effects of other explanatory variables, including urban population growth, economic growth, trade openness, and more.

Keywords: Cooperative, Environment, Sustainable Development, Weak Sustainability, Adjusted Net Savings

[1] Faculty Member, Tarbiat Modares University, E-mail: aghelik@modares.ac.ir

نقش مرکز داوری اتاق تعاون ایران در حل‌وفصل اختلافات حقوقی تعاونی‌ها

مجید انصاری[1]

استفاده از سازوکارهای جایگزین حل‌وفصل اختلاف از جمله داوری در دهه‌های اخیر به عنوان ابزاری مؤثر در کاهش اطاله دادرسی و حل تخصصی اختلافات موردتوجه نظام‌های حقوقی جهان قرار گرفته است. در این میان تعاونی‌ها با توجه به ماهیت مردمی دموکراتیک و شبکه‌ای خود ظرفیت مناسبی برای نهادینه‌سازی داوری در سطح بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند. در این مقاله نقش تعاونی‌ها در توسعه نهاد داوری و نقش مرکز داوری اتاق تعاون ایران در حل‌وفصل اختلافات حقوقی تعاونی‌ها و نقاط قوت، چالش‌ها و فرصت‌های آن با رویکرد تطبیقی بررسی و تحلیل شده است. از بررسی تجارب موفق کشورهایی چون آلمان، هند و کانادا بسترهای لازم برای تقویت نقش تعاونی‌ها در این زمینه شناسایی شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ایجاد مرکز داوری اتاق تعاون منجر به کاهش مراجعات اشخاص به محاکم قضایی، ممانعت از اطاله دادرسی و کاهش زمان رسیدگی، کاهش موارد اعتراض به آراء صادره به‌ویژه به دلیل قطعیت آراء داوری و غیر قابل اعتراض بودن و عدم امکان پیگیری از طرق معمول قضایی واخواهی، تجدیدنظرخواهی و... توسعه مشارکت مردمی، بهره‌مندی از تجربه و تخصص صاحب‌نظران مرتبط با موضوعات مطروحه و نهایتاً ترویج فرهنگ داوری و حل‌وفصل اختلافات از این طریق گردیده است. اما مشکلاتی همچون عدم آگاهی و شناخت کامل مقوله و جایگاه داوری در میان آحاد مختلف مردم، عدم تسریع در اجرای آرای داوری، عدم استقلال ساختاری نیاز به افزایش کمی و کیفی داوران کارآزموده و روزآمد به‌عنوان جهات منع و ردع بهره‌برداری کامل از ظرفیت این نهاد ارزشمند گردیده است. در بخش پایانی راهکارهایی چون تقویت آموزش‌های داوری در تعاونی‌ها، بازنگری در مقررات داخلی مرکز، ایجاد ضمانت‌های مؤثر برای آراء و بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق ارائه شده است.

واژگان کلیدی: داوری، داوری حرفه‌ای، تعاونی، مرکز داوری اتاق تعاون ایران، حل‌وفصل اختلافات، حکمرانی مشارکتی

۱. دبیرکل مرکز داوری اتاق تعاون ایران، مدرس دانشگاه، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، دکتری در حقوق عمومی و حکمرانی

The Role of the Arbitration Center of the Iranian Chamber of Cooperatives in Resolving Legal Disputes within Cooperatives

Majid Ansari[1]

In recent decades, alternative dispute resolution (ADR) mechanisms such as arbitration have gained increasing recognition in legal systems worldwide as effective tools for reducing court caseloads and resolving disputes with specialized attention. Cooperatives—due to their democratic, grassroots, and networked nature—offer a conducive environment for institutionalizing arbitration at the level of small and medium-sized enterprises.

This paper examines the contribution of cooperatives to the development of arbitration institutions, with a focus on the role of the Arbitration Center of the Iranian Chamber of Cooperatives in resolving legal disputes among cooperatives. Through a comparative analysis, the paper explores the strengths, challenges, and opportunities of this arbitration body, drawing on successful experiences from countries such as Germany, India, and Canada to identify foundational prerequisites for strengthening the cooperative arbitration framework.

Findings indicate that the establishment of the Arbitration Center has led to a decrease in referrals to judicial courts, mitigation of prolonged litigation, and faster dispute resolution processes. The finality and non-appealability of arbitral awards have significantly limited objections and appeals, contributing to efficiency. Moreover, the center has fostered broader public participation, leveraged expert knowledge in specialized disputes, and helped promote a culture of arbitration-based resolution within the cooperative sector.

Nonetheless, challenges remain, including limited public awareness of arbitration and its legal standing, delays in enforcing arbitral awards, lack of structural independence, and a need to increase both the quantity and quality of well-trained, up-to-date arbitrators. The paper concludes with practical recommendations, such as strengthening arbitration training programs within cooperatives, revising internal regulations of the center, establishing enforceable guarantees for arbitral awards, and leveraging best practices from successful international models.

Keywords: Arbitration, Professional Arbitration, Cooperative, Arbitration Center of the Iranian Chamber of Cooperatives, Dispute Resolution, Participatory Governance

[1] Secretary General of the Arbitration Center of Iran Chamber of Cooperatives, University Lecturer, Former Member of the Islamic Consultative Assembly, Ph.D. in Public Law and Governance

بررسی ظرفیت بخش تعاون جهت تصدی‌گری در نظام قضایی کشور با تأکید بر ظرفیت‌های قانونی موجود

قاسم بازیار[1]

نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتقاء بهره‌وری و کاهش بار ساختاری خود، امکان بهره‌گیری از نهادهای مردمی و تخصصی را در قالب سازوکارهای قانونی پیش‌بینی کرده است. یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها در این زمینه، بخش تعاون است که طبق اصول ۴۴ و ۴۳ قانون اساسی و قوانین مرتبط از جمله قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌های مربوط به داوری، می‌تواند در قالب نهادهایی چون مرکز داوری اتاق تعاون ایران به تصدی‌گری در امور شبه‌قضایی و خدمات حقوقی بپردازد. این مقاله با هدف تبیین ظرفیت‌های قانونی و نهادی بخش تعاون در ایفای نقش در حوزه‌هایی نظیر داوری، میانجی‌گری، مشاوره حقوقی و اجرای آرای غیرقضایی تدوین شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های اسنادی و بررسی میدانی عملکرد مرکز داوری اتاق تعاون ایران است. یافته‌ها حاکی از آن است که بسترهای قانونی موجود، زمینه‌ساز ایفای نقش فعال تعاونی‌ها در تسهیل حل اختلافات، ارتقای عدالت ترمیمی، و کاهش هزینه‌های دادرسی است؛ اما تحقق کامل این ظرفیت نیازمند اصلاحات تقنینی، ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای داوران و افزایش آگاهی عمومی از نهادهای داوری و میانجی‌گری تعاونی است. مقاله در پایان، راهکارهایی برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های قانونی موجود ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: بخش تعاون، نظام قضایی، تصدی‌گری، ظرفیت قانونی، مرکز داوری، میانجی‌گری، داوری تعاونی، اصول قانون اساسی.

[1] .دکتر حقوق جزا و جرم شناسی، قاضی دادگستری استان تهران

Exploring the Cooperative Sector's Capacity for Judicial Engagement in Iran: Emphasis on Existing Legal Frameworks

Ghasem Khaleghi[1]

The judiciary of the Islamic Republic of Iran, in pursuit of enhancing efficiency and reducing structural burden, has provided for the utilization of community-based and specialized institutions through legal mechanisms. One of the most promising avenues in this context is the cooperative sector, which—based on Articles 43 and 44 of the Constitution, the Law on the Cooperative Sector of the Islamic Republic of Iran, and relevant arbitration regulations—can assume responsibilities in quasi-judicial and legal service domains. These include institutions such as the Arbitration Center of the Iran Chamber of Cooperatives.

This article aims to examine the legal and institutional capacities of the cooperative sector in fulfilling roles such as arbitration, mediation, legal counseling, and enforcement of non-judicial decisions. Using a descriptive-analytical methodology, the study draws on documentary analysis and field evaluation of the Arbitration Center's performance. Findings indicate that the current legal infrastructure enables cooperatives to play an active role in dispute resolution, restorative justice, and reduction of litigation costs. However, the full realization of this potential requires legislative reforms, professional development of arbitrators, and increased public awareness of cooperative-based arbitration and mediation mechanisms.

The article concludes by offering policy recommendations to maximize the cooperative sector's legal and institutional capabilities in supporting the judiciary system.

Keywords: Cooperative Sector, Judiciary, Legal Engagement, Legal Capacity, Arbitration Center, Mediation, Cooperative Arbitration, Constitutional Principles

[1] Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Judge at the Judiciary of Tehran Province

شناسایی اجزای زیست‌بوم نوآوری و فناوری بخش تعاون ایران

محمدکاظم کشورشاهی[۱]
رسول خالقی[۲]

در عصر حاضر، شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان به‌عنوان موتور نوآوری و توسعه اقتصادی، نقش کلیدی در افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها و بخش تعاون ایفا می‌کنند. اهمیت این شرکت‌ها در اقتصادهای در حال توسعه از طریق ایجاد اشتغال، رشد تولید ناخالص داخلی و بهبود تراز تجاری نمایان است. برای به دست آمدن سهم اقتصادی مطلوب نیاز به همکاری نوآورانه و اکوسیستم نوآوری اثربخش است. شناخت اجزای اکوسیستم و همکاری مؤثر آن در بخش تعاون می‌تواند چرخ نوآوری تعاون را به سرعت بیشتری تبدیل کند. هدف این مقاله شناسایی و تحلیل اجزای کلیدی اکوسیستم نوآوری در بخش تعاون و ارائه الگوی مفهومی برای تقویت آن است. روش گردآوری داده‌ها شامل بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهشی داخلی و بین‌المللی، مطالعه و تحلیل مدل‌های موجود اکوسیستم نوآوری، بررسی متون تخصصی در حوزه نوآوری و تعاون، مطالعه قوانین بالادستی و سیاست‌نامه‌های مرتبط، مصاحبه با خبرگان بخش نوآوری و تعاون، و تحلیل محتوایی اسناد و گزارش‌های سازمانی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که تقویت اکوسیستم نوآوری بخش تعاون مستلزم همکاری مشترک سیاست‌گذاران، محققان و ذی‌نفعان در شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود است. این همکاری می‌تواند به ایجاد محیطی مساعد برای نوآوری و توسعه پایدار منجر شود و به بهبود کیفیت فرایندها در حوزه‌های مختلف کمک کند. با توجه به اهمیت روزافزون نوآوری، توجه به این اکوسیستم‌ها و داشتن تفکر سیستمی در بخش تعاون و تقویت آن‌ها می‌تواند به‌عنوان اولویت اساسی در فرایندهای توسعه‌ای مطرح شود.

واژگان کلیدی: نوآوری تعاونی، سیاست نوآوری، اکوسیستم نوآوری، همکاری نوآورانه

۱. گروه مدیریت تکنولوژی، دانشجوی مدیریت تکنولوژی دانشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات – مدیر عامل پست پیشگامان - رییس کمیسیون دانش بنیان اتاق تعاون ایران
۲. کارشناس ارشد کسب و کار - نایب رییس کمیسیون دانش بنیان اتاق تعاون ایران

Identifying the Components of the Innovation and Technology Ecosystem in Iran's Cooperative Sector

Mohammad Kazem Keshavarshahi[۱], Rasoul Khaleghi[۲]

In the contemporary era, technology-driven and knowledge-based enterprises serve as engines of innovation and economic development, playing a critical role in enhancing the competitiveness of national economies and the cooperative sector. In developing countries, the significance of such firms is evident through their contributions to employment generation, GDP growth, and improved trade balances. Achieving desirable economic outcomes requires innovative collaboration and a robust innovation ecosystem. Understanding the components of this ecosystem and fostering effective cooperation within the cooperative sector can accelerate the pace of innovation in cooperatives.

This study aims to identify and analyze the key components of the innovation ecosystem in the cooperative sector and to propose a conceptual model for its reinforcement. Data collection methods include a systematic review of domestic and international research literature, analysis of existing innovation ecosystem models, examination of specialized texts on innovation and cooperatives, review of policy documents and legislation, expert interviews in the fields of innovation and cooperatives, and content analysis of organizational reports and documents.

Findings suggest that strengthening the cooperative innovation ecosystem requires the joint efforts of policymakers, researchers, and stakeholders to identify existing challenges and opportunities. Such collaboration can lead to the creation of a favorable environment for innovation and sustainable development, while also improving the quality of processes across various domains. Given the increasing importance of innovation, prioritizing a systems-thinking approach to ecosystem development in the cooperative sector is essential for its future progress.

Keywords: Cooperative Innovation, Innovation Policy, Innovation Ecosystem, Collaborative Innovation

[۱] Department of Technology Management, M.A. Student in Technology Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch – CEO of Pishgaman Post – Chairman of the Knowledge-Based Commission, Iran Chamber of Cooperatives
[۲] M.A. in Business – Vice Chairman of the Knowledge-Based Commission, Iran Chamber of Cooperatives

کاربرد هوش مصنوعی در توانمندسازی شبکه‌های تعاونی: فرصت‌ها، چالش‌ها و مسیر پیش رو

آترینا اورعی[1]

ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی (AI) تحولی بنیادین در شیوه‌های مدیریت، تصمیم‌گیری و ارائه خدمات ایجاد کرده است. این تحولات می‌تواند برای بخش تعاون که متکی بر اعتماد، شفافیت و مشارکت جمعی است، هم فرصت‌های نوین و هم چالش‌های جدیدی به همراه داشته باشد. این مقاله به بررسی نقش هوش مصنوعی در بهبود بهره‌وری، ارتقای شفافیت و تقویت سرمایه اجتماعی در شبکه‌های تعاونی می‌پردازد. در ابتدا، کاربردهای اصلی هوش مصنوعی در تعاونی‌ها شامل تحلیل داده‌های بزرگ، بهینه‌سازی زنجیره تأمین، پیش‌بینی تقاضا، ارتقای سیستم‌های مدیریت اعضا و تسهیل فرایندهای دموکراتیک معرفی می‌شود. سپس، با استناد به تجربیات موفق در برخی کشورهای پیشرو، چارچوبی بومی برای به‌کارگیری AI در تعاونی‌های ایران ارائه می‌گردد. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که استفاده هدفمند از هوش مصنوعی می‌تواند به تعاونی‌ها کمک کند تا ضمن کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، فرایند تصمیم‌گیری را مبتنی بر داده‌های واقعی شفاف‌تر کنند. با این حال، چالش‌هایی چون کمبود زیرساخت‌های فنی، نیاز به ارتقای سواد دیجیتال اعضا و ضرورت رعایت اصول اخلاقی و حریم خصوصی نیز بررسی می‌شود. در پایان، راهبردهایی برای توانمندسازی تعاونی‌ها در مواجهه با این فناوری نوین ارائه می‌شود؛ از جمله آموزش تخصصی، طراحی سیاست‌های حمایتی و توسعه همکاری‌های فناورانه با دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان. این مقاله تلاش دارد راهی پایدار و اخلاق‌مدار برای هم‌زیستی بخش تعاون با موج چهارم انقلاب صنعتی ترسیم کند و همسویی فناوری‌های پیشرفته با ارزش‌های بنیادین تعاون را امکان‌پذیر سازد.

واژگان کلیدی: تعاونی، هوش مصنوعی، شفافیت، تحلیل داده، توانمندسازی

۱ . دکترا علوم روانشناختی و رفتاری و مدیر دپارتمان پژوهش و مشاور مدیرعامل مجتمع آموزشی راه رشد

The Application of Artificial Intelligence in Empowering Cooperative Networks: Opportunities, Challenges, and the Way Forward

Atrina Ouraei[1]

The emergence of artificial intelligence (AI) technologies has brought about a fundamental transformation in management practices, decision-making processes, and service delivery methods. These changes present both novel opportunities and new challenges for the cooperative sector, which is inherently based on trust, transparency, and collective participation. This paper explores the role of AI in enhancing efficiency, improving transparency, and strengthening social capital within cooperative networks.

The study begins by outlining key applications of AI in cooperatives, including big data analytics, supply chain optimization, demand forecasting, member management systems enhancement, and facilitation of democratic processes. Drawing upon successful international experiences, the paper proposes a localized framework for implementing AI in Iranian cooperatives.

The analysis reveals that the targeted application of AI can enable cooperatives to reduce costs, boost efficiency, and make data-driven decision-making processes more transparent. However, several challenges are also identified, such as inadequate technical infrastructure, the need to improve digital literacy among cooperative members, and the importance of adhering to ethical standards and privacy protections.

In conclusion, the paper offers strategic recommendations to empower cooperatives in adopting this emerging technology. These include specialized training, the formulation of supportive policies, and the development of technological partnerships with universities and knowledge-based enterprises. The study aims to chart a sustainable and ethically responsible path for the cooperative sector to coexist with the fourth industrial revolution and to align advanced technologies with the core values of cooperation.

Keywords: Cooperative, Artificial Intelligence, Transparency, Data Analysis, Empowerment

[1] Ph.D. in Psychological and Behavioral Sciences, Head of the Research Department, and Advisor to the CEO of Rah Roshd Educational Complex

بررسی ظرفیت های قانونی و ساختار بخش تعاون ایران جهت توسعه اکوسیستم کارآفرینی

رضا وفائی یگانه[1]
لیلا قاسمی قصابه[2]

اکوسیستم‌های کارآفرینی بخش تعاون شامل مجموعه‌ای از بازیگران، سازمان‌ها، نهادها و فرایندهای متصل هستند که برای ارتباط، میانجی‌گری و مدیریت عملکرد شرکت‌ها در محیط محلی گرد هم می‌آیند. چهار جنبه از اکوسیستم کارآفرینی بخش تعاون شامل؛ الف) بازیگران کارآفرین در اکوسیستم‌ها، ب) تأمین‌کنندگان منابع کارآفرین (دولت، تأمین‌کنندگان مالی)، ج) رابط کارآفرینان در اکوسیستم‌ها و (د) جهت‌گیری کارآفرینی در اکوسیستم‌ها. با توجه به ضرورت توسعه این اکوسیستم جهت نقش‌آفرینی بخش تعاون در توسعه اقتصادی کشور، این پژوهش با بررسی مولفه ای اکوسیستم کارآفرینی تعاونی در ایران و مقایسه آن با کشورهای پیشرو بوده است روش پژوهش تحلیلی -توصیفی بوده و و روش گردآوری آمار و اطلاعات کتابخانه‌ای، اسنادی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در مقایسه با کشورهای پیشرو در حوزه تعاون، نظام برنامه ریزی ج.ا. ایران یکی از بهترین بسترهای جهت توسعه اکوسیستم کارآفرینی دارد. هدف گذاری سهم ۲۵ درصد جهت نقش آفرینی در اقتصاد ملی، تصویب قوانین خاص تعاون در نظام تقنینی کشور، ایجاد وزارتخانه تخصصی تعاونی، جایگاه قانونی اتاق‌ها و اتحادیه‌های تخصصی در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور، تدوین سند توسعه بخش تعاون به عنوان برنامه عملیاتی دولت جهت توسعه بخش تعاون، ایجاد بانک توسعه‌ای بخش تعاون، ایجاد صندوق ضمانت تعاون، وجود ظرفیت‌های تعاونی اعتبار، امکان استفاده تعاون گران از تأمین مالی جمعی و اوراق مشارکت، نام‌گذاری هفته تعاون در تقویم رسمی کشور، وجود ظرفیت قانونی جذب سهام‌دار غیرعضو در تعاونی‌ها... از مهم‌ترین مزیت‌های نظام برنامه ریزی کشور جهت توسعه کارآفرینی تعاونی است و از طرفی بر اساس نتایج این مطالعه اطلاع رسانی عمومی نسبت به مزیت های کشور جهت توسعه بخش تعاون، ایجاد هماهنگی در بین دستگاههای مسئول جهت اجرای سند توسعه، تقویت پیوند میان تعاونی‌ها و نهادهای دانش‌بنیان، تقویت و دادن نقش به اتحادیه های تخصصی توسط دستگاههای اجرایی، توسعه آموزش های تخصصی به اعضای تعاونی ها و مدیران محلی و منطقه ای و جذب کارآفرینان کشور به بخش تعاون از مهم‌ترین اقدامات جهت توسعه اکوسیستم کارآفرینی تعاونی در کشور هستند.

واژگان کلیدی: اکوسیستم کارآفرینی، تعاونی، شبکه‌های نهادی، اقتصاد اجتماعی

---

[1] دکتری اقتصاد و معاون اقتصادی اتاق تعاون ایران و مدرس دانشگاه

[2] .کارشناس ارشد اقتصاد و کارشناس اتاق تعاون ایران

Examining the Legal Capacities and Structural Foundations of Iran's Cooperative Sector for the Development of an Entrepreneurial Ecosystem

Reza Vafaee Yeganeh[۱], Leila Ghasemi Ghasabeh[۲]

The entrepreneurial ecosystems of the cooperative sector comprise an interconnected network of actors, organizations, institutions, and processes that come together to connect, mediate, and manage the performance of enterprises within the local environment. Four dimensions of these ecosystems are explored: (a) entrepreneurial actors within the ecosystem, (b) resource providers such as governments and financial institutions, (c) intermediaries linking entrepreneurs, and (d) the orientation and strategic direction of entrepreneurship within the ecosystem.

Given the pressing need to develop such ecosystems to enhance the cooperative sector's contribution to national economic development, this study examines the components of Iran's cooperative entrepreneurship ecosystem and compares them with those in leading cooperative economies. The research follows a descriptive-analytical methodology, with data collected through library and document-based sources.

The findings indicate that, relative to leading cooperative nations, the Islamic Republic of Iran possesses one of the most supportive planning frameworks for developing cooperative entrepreneurial ecosystems. Key advantages include: a national goal to achieve a 25% share in the economy; the enactment of specialized cooperative laws; the establishment of a dedicated Ministry of Cooperatives; the legal recognition of cooperative chambers and unions in policy formulation; the adoption of the Cooperative Development Document as a government action plan; the creation of a cooperative development bank and a cooperative guarantee fund; the existence of credit cooperative mechanisms; opportunities for using crowdfunding and participation bonds; the official designation of Cooperative Week in the national calendar; and the legal allowance for non-member shareholders in cooperatives.

Nevertheless, the study identifies critical action areas for ecosystem enhancement, such as raising public awareness about these national advantages, fostering inter-agency coordination for the implementation of the development document, strengthening linkages between cooperatives and knowledge-based institutions, empowering specialized unions through executive support, expanding specialized training for cooperative members and regional managers, and attracting national entrepreneurs to the cooperative sector.

Keywords: Entrepreneurial Ecosystem, Cooperative, Institutional Networks, Social Economy

۱ Ph.D. in Economics, Deputy for Economic Affairs at the Iran Chamber of Cooperatives, and University Lecturer

۲ M.A. in Economics, Expert at the Iran Chamber of Cooperatives

ظرفیت تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی اجتماعی نوین: چشم‌اندازی از ایران و تجربیات کشورهای پیشرو

بهناز کاوندی[1]

این مقاله با هدف بررسی و شناسایی ظرفیت تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی اجتماعی نوین و مقایسه تجربه ایران با الگوهای موفق در کشورهای پیشرو جمع‌آوری و تحلیل شده است. هدف اصلی مقاله، شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت نقش تعاونی‌ها در این حوزه و ارائه یک چارچوب روشمند و عملی برای توسعه و بهره‌برداری بهتر و بیشتر این ظرفیت در ایران است. این مطالعه با رویکردی تطبیقی و تحلیلی صورت‌گرفته و با استفاده از روش تحلیل محتوا و تلفیق چارچوب تحلیلی تعاونی اجتماعی، به مقایسه تجربه ایران با الگوهای موفق جهانی پرداخته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که در حالی که کشورهای پیشرو با ایجاد زیرساخت‌های قانونی، مالی و آموزشی موفق به توسعه گسترده کارآفرینی اجتماعی از طریق تعاونی‌ها شده‌اند، ایران هنوز با چالش‌های متعددی مانند ضعف مدیریت، کمبود منابع و عدم آگاهی از مفاهیم درست کارآفرینی اجتماعی مواجه است. در پایان، پیشنهاداتی در جهت تقویت تعاونی‌ها به عنوان ابزاری مؤثر در توسعه کارآفرینی اجتماعی در ایران ارائه شده است. توسعه کارآفرینی اجتماعی نوین در ایران نیازمند تقویت نقش تعاونی‌ها، ایجاد فضاهای مشترک با الهام‌گیری از الگوهای موفق بین‌المللی است. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار و معنابخشی دقیق و اصولی از کارآفرینی اجتماعی در ایران باشد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی اجتماعی، تعاونی، توسعه پایدار، کارآفرینی نوین

۱. دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه تهران، bkavandi@ut.ac.ir

The Capacity of Cooperatives in Advancing Modern Social Entrepreneurship: Insights from Iran and Leading International Experiences

Behnaz Kavandi[1]

This paper aims to examine and identify the potential of cooperatives in fostering modern social entrepreneurship, comparing Iran's experience with successful models from leading countries. The primary objective is to identify the key factors that enhance the role of cooperatives in this domain and to propose a systematic and practical framework to better utilize and expand this capacity within the Iranian context.

The study adopts a comparative and analytical approach, employing content analysis and an integrated framework of social cooperatives to contrast Iran's status with global best practices. The findings indicate that while leading countries have succeeded in significantly expanding social entrepreneurship through cooperatives—by establishing legal, financial, and educational infrastructures—Iran continues to face various challenges. These include managerial inefficiencies, limited resources, and a lack of awareness regarding the correct conceptualization of social entrepreneurship.

The paper concludes with a set of recommendations for strengthening cooperatives as effective tools for advancing social entrepreneurship in Iran. Achieving this goal requires reinforcing the role of cooperatives and establishing collaborative spaces inspired by successful international models. Such a strategy can lay the foundation for sustainable development and promote a well-defined, principled understanding of social entrepreneurship in the country.

Keywords: Social Entrepreneurship, Cooperative, Sustainable Development, Modern Entrepreneurship

[1] Ph.D. Student in Entrepreneurship, University of Tehran, E-mail: bkavandi@ut.ac.ir

بررسی نقش بانک‌های توسعه‌ای در توانمندسازی بخش تعاون : مطالعه موردی بانک توسعه تعاون ایران

علی وفائی[1]

بانک‌های توسعه‌ای بخش تعاون، به‌عنوان نهادهای مالی تخصصی، نقشی کلیدی در تقویت بنگاه‌های تعاونی، گسترش شمول مالی، کاهش فقر و ایجاد اشتغال پایدار ایفا می‌کنند. با توجه به سهم قابل‌توجه بخش تعاون در توسعه اجتماعی و اقتصادی، این مقاله با هدف بررسی عملکرد بانک‌های توسعه‌ای تعاونی جهت توانمندسازی بخش تعاون است. روش پژوهش تحلیل - توصیفی و روش گردآوری آمار و اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. مطالعه عملکرد بانک‌هایی توسعه‌ای نشان می‌دهد که موفقیت بانک‌های توسعه‌ای تعاونی متکی بر سه محور کلیدی بوده است: ۱) حکمرانی مشارکتی و شفاف، ۲) تأمین مالی هدفمند با نرخ‌های ترجیحی و ریسک‌پذیری محدود، ۳) هم‌افزایی با نهادهای محلی و منطقه ای. بانک‌های توسعه‌ای تعاون توانسته‌اند با ایجاد بیش از ۴۴۸ شعبه و بیش از پنج هزار نفر نیروی کار توانسته ضمن تأمین مالی پروژه‌های تعاونی ها، به ارتقاء سرمایه اجتماعی، تسهیل زنجیره‌های ارزش محلی و تقویت اقتصاد منطقه‌ای کمک کنند. این بانک با تمرکز بر ارائه تسهیلات به تعاون گران، تمرکز بر نقاط محروم، همکاری با نهادهای حمایتی و توسعه خدمات بانکداری دیجیتال توانسته نقش اساسی در توسعه و توانمند سازی بخش تعاون ایران داشته باشد. متناسب با سطح انتظارات محدودیت منابع، سرمایه پایه ناکافی و پایین بودن کفایت سرمایه و تحمیل تسهیلات تکلیفی مهم ترین محدودیت های بانک بوده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، راهکارهایی از جمله افزایش سرمایه بانک از محل منابع بودجه عمومی، افزایش استقلال عملیاتی بانک، همکاری با تعاونی‌های اعتبار جهت جذب منابع خرد در حوزه‌های تخصصی و کاهش تسهیلات تکلیفی غیر مرتبط جهت افزایش اثربخش بانک ضروری است.

واژگان کلیدی: بانک توسعه‌ای، بانک توسعه تعاون، حکمرانی تعاونی، تأمین مالی مشارکتی.

۱ . دکتری اقتصاد و مدیر شعب بانک توسعه تعاون

The Role of Development Banks in Empowering the Cooperative Sector: A Case Study of the Cooperative Development Bank of Iran

Ali Vafaee[1]

Development banks serving the cooperative sector are specialized financial institutions that play a critical role in strengthening cooperative enterprises, expanding financial inclusion, reducing poverty, and fostering sustainable employment. Given the cooperative sector's significant contribution to socio-economic development, this paper aims to evaluate the performance of cooperative development banks in empowering the sector.

Employing a descriptive-analytical methodology and drawing on library and documentary sources, the study identifies three key pillars underlying the success of cooperative development banks: (1) participatory and transparent governance, (2) targeted financing with preferential interest rates and limited risk exposure, and (3) synergy with local and regional institutions.

The Cooperative Development Bank of Iran, with over 448 branches and more than 5,000 employees, has successfully financed cooperative projects while enhancing social capital, facilitating local value chains, and strengthening regional economies. By focusing on providing credit to cooperators, prioritizing underserved areas, collaborating with support institutions, and developing digital banking services, the bank has played a vital role in the development and empowerment of Iran's cooperative sector.

Nevertheless, the bank faces several constraints, including limited financial resources, insufficient core capital, low capital adequacy, and the burden of mandated, non-strategic lending. Based on the study's findings, key policy recommendations include increasing the bank's capital through public budget allocations, enhancing operational autonomy, collaborating with credit cooperatives to attract small-scale deposits in specialized fields, and reducing unrelated mandatory lending to improve institutional effectiveness.

Keywords: Development Bank, Cooperative Development Bank, Cooperative Governance, Participatory Finance

[1] Ph.D. in Economics, Branch Manager at the Cooperative Development Bank

بررسی ظرفیت های سند توسعه بخش تعاون در ایران جهت توسعه بخش تعاون

مجتبی محلاتی[1]

سند توسعه بخش تعاون به عنوان یکی از اسناد بالادستی نظام اقتصادی کشور، به استناد قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تهیه و در هیئت دولت به تصویب رسیده است. این سند مجموعه راهکارهای نیل به سهم بیست و پنج درصد (۲۵٪) بخش تعاون و تعیین‌کننده مسئولیت هر یک از دستگاه‌ها اجرایی مرتبط با این بخش است. با این حال، تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در این سند با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو بوده است. این پژوهش با رویکرد آسیب‌شناسانه و بر پایه روش تحلیل کیفی و اسنادی، به بررسی مهم‌ترین عوامل بازدارنده در اجرای سند توسعه تعاون در ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد سازوکاری جهت هماهنگی و انسجام بین نهادها و دستگاه‌های مرتبط با ایجاد از طریق شورای توسعه بخش تعاون، تعیین اهداف کلان و قابل اندازه گیری، تمرکز بر تقویت تعاونی‌ها به عنوان موتور اشتغال و عدالت اجتماعی، تعیین نقش و مسئولیت هر یک از دستگاه‌های اجرایی مرتبط، تسهیل سیاست‌گذاری‌های مالی، حقوقی و فرهنگی از مهم‌ترین مزیت‌های این سند است. از طرفی عدم برگزاری جلسات شورای توسعه بخش تعاون جهت هماهنگی بین دستگاهی، کمبود منابع مالی و اعتباری، ضعف در نظارت و پیگیری اجرای سند و مشارکت پایین تشکل‌های تعاونی همانند اتاق تعاون در فرایند اجرای سند از مهم‌ترین دلایل عدم اجرا هستند. بر اساس نتایج این مطالعه تشکیل منظم جلسات شورای‌عالی توسعه تعاون، انتقال دبیرخانه‌ای این شورا به اتاق تعاون ایران و معیار قرار گرفتن این سند در تدوین بودجه‌های سنواتی دولت از پیشنهادها این مطالعه است.

واژگان کلیدی: سند توسعه تعاون، آسیب‌شناسی، سیاست‌گذاری عمومی، تعاونی‌ها، توسعه اقتصادی، مشارکت مردمی.

۱. عضو هیات رئیسه و معاون برنامه ریزی اتاق تعاون ایران

Assessing the Capacities of Iran's Cooperative Development Document for Sectoral Advancement

Mojtaba Mahallati[1]

The Cooperative Development Document, as one of the strategic economic planning instruments of Iran, was prepared pursuant to the implementation of Article 44 of the Constitution and approved by the Cabinet. This document outlines comprehensive strategies for achieving a 25% share of the cooperative sector in the national economy and delineates the responsibilities of all relevant executive bodies.

Despite its policy significance, the realization of the document's stated objectives has encountered various challenges and obstacles. This study adopts a diagnostic approach, employing qualitative and documentary analysis to examine the key impediments to the effective implementation of the Cooperative Development Document in Iran.

The findings reveal several strengths of the document, including the establishment of coordination mechanisms through the Cooperative Development Council, the articulation of measurable macro-objectives, emphasis on cooperatives as drivers of employment and social justice, clear assignment of responsibilities to relevant institutions, and facilitation of supportive fiscal, legal, and cultural policies.

However, the study also highlights major shortcomings hindering implementation: the lack of regular meetings of the Cooperative Development Council for inter-agency coordination, insufficient financial and budgetary resources, weak oversight and monitoring of the document's execution, and the limited participation of cooperative organizations—such as the Chamber of Cooperatives—in the implementation process.

Based on these findings, the study recommends the regular convening of the High Council for Cooperative Development, the transfer of the council's secretariat to the Iranian Chamber of Cooperatives, and the institutionalization of this document as a reference point in the government's annual budgeting process.

Keywords: Cooperative Development Document, Policy Analysis, Public Policy, Cooperatives, Economic Development, Public Participation

[1] Member of the Board and Deputy for Planning, Iran Chamber of Cooperatives

طراحی الگوی بومی استفاده از فناوری مالی (فین تک) در تعاونی‌های اعتبار برای ارتقاء تأمین مالی جمعی ایران

علی مشهدی[1]

در دهه اخیر، فناوری‌های مالی به عنوان ابزاری نوین برای ارتقاء شفافیت، کارآمدی و دسترسی به خدمات مالی گسترش یافته‌اند. تعاونی‌های اعتبار در ایران، به دلیل ماهیت مردم نهاد و مشارکتی خود، ظرفیت بالایی برای بهرهگیری از این فناوری‌ها به ویژه در حوزه تأمین مالی جمعی دارند. تصویب قانون تامین مالی تولید و ابلاغ آن به دولت که متعاقباً منجر به تشکیل مرکز تامین مالی تولید گردید، ضرورت تقویت نهادهای مالی که از ظرفیت سرمایه اجتماعی و اقتصادی برخوردارند را ایجاب می‌نماید. هدف این مقاله، طراحی یک الگوی بومی برای استفاده از فین‌تک ها در تعاونی‌های اعتبار به منظور ارتقاء کارایی تأمین مالی جمعی است. روش مقاله ترکیبی (کیفی–کمی) بوده و از طریق مصاحبه با خبرگان و پرسشنامه از مدیران تعاونی‌ها و فعالان فین‌تک، داده‌ها جمع آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که عوامل کلیدی موفقیت در این حوزه شامل زیرساخت فناوری اطلاعات، اعتماد اجتماعی، محیط قانونی حمایتی و قابلیت بومی‌سازی پلتفرم‌ها است. در نهایت، الگویی مفهومی با چهار بعد اصلی برای پیاده سازی فین‌تک در تعاونی‌های اعتبار پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: فین‌تک، تأمین مالی جمعی، تعاونی اعتبار، الگوی بومی ایرانی

۱ . دانشجوی دکترای مهندسی مالی دانشگاه آزاد واحد رودهن،کارشناس تعاون وزارت امور اقتصادی و دارایی

Designing a Localized Model for the Application of Fintech in Credit Cooperatives to Enhance Crowdfunding in Iran

Ali Mashhadi[1]

Over the past decade, financial technologies (Fintech) have emerged as innovative tools for enhancing transparency, efficiency, and accessibility in financial services. Given their participatory and community-based nature, credit cooperatives in Iran hold significant potential for adopting these technologies—particularly in the realm of crowdfunding.

The ratification of the Law on Production Financing and its subsequent implementation by the government, including the establishment of the Center for Production Financing, has underscored the necessity of empowering financial institutions that leverage both social and economic capital. This study aims to design a localized model for the integration of Fintech into credit cooperatives, with the goal of improving the effectiveness and reach of crowdfunding mechanisms.

Using a mixed-methods approach, the study collected data through expert interviews and questionnaires administered to cooperative managers and Fintech practitioners. The findings highlight several key success factors: robust IT infrastructure, social trust, a supportive legal environment, and the adaptability of platforms to local contexts. Ultimately, the paper proposes a conceptual model with four main dimensions for implementing Fintech in Iran's credit cooperatives.

Keywords: Fintech, Crowdfunding, Credit Cooperative, Iranian Localized Model

۱. PhD student in Financial Engineering, Roudehen Azad University, Cooperative Expert, Ministry of Economic Affairs and Finance

هماهنگی استراتژی منابع انسانی با استراتژی‌های تکنولوژی شرکت‌های تعاونی
موردمطالعه: بندر خشک پیشگامان

محمدکاظم کشورشاهی[1]

مطرح شدن موضوع مدیریت استراتژیک منابع انسانی موجب بهبود فهم پژوهشگران رشته مدیریت منابع انسانی از روابط میان استراتژی سازمان، سرمایه انسانی، استراتژی منابع انسانی و عملکرد شرکت‌های تعاونی گردیده است. در این زمینه یکی از مباحث کلیدی که همچنان مبهم باقی‌مانده، عبارت است از درک فرایندها و مکانیزم‌هایی که از طریق آنها، اقدامات مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت استراتژی‌های سازمان و اثر مستقیم آنها بر عملکرد، یکی از مسائلی که می‌تواند اثر قابل‌توجهی بر نحوه اثرگذاری اقدامات مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان داشته باشد، هماهنگی میان استراتژی‌ها است. براساس منابع مدیریت و به‌ویژه منابع مدیریت تکنولوژی، موفقیت بنگاه‌ها به هماهنگی (یکپارچگی) استراتژی تکنولوژی با استراتژی‌های بنگاه و کسب‌وکار بستگی دارد. هدف این مقاله بررسی و تحلیل موضوع استراتژی تکنولوژی و منابع انسانی در سطح سازمان و ملی، و تدوین استراتژی‌های یکپارچه تکنولوژی و منابع انسانی برای شرکت تعاونی بندر خشک "پیشگامان" است. روش گردآوری داده‌ها شامل بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهشی داخلی و بین‌المللی در حوزه مدیریت استراتژیک منابع انسانی و تکنولوژی، مطالعه و تحلیل مدل‌های موجود هماهنگی استراتژی‌ها، بررسی متون تخصصی مدیریت تکنولوژی و منابع انسانی، مطالعه قوانین بالادستی و سیاست‌نامه‌های مرتبط با بخش لجستیک و تعاونی، مصاحبه با خبرگان بخش لجستیک و تعاونی و شرکت بندر خشک، و تحلیل محتوایی اسناد و گزارش‌های سازمانی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که با بررسی مطالعات پیشین و سیر تغییرات تکنولوژی، دیدگاه بهتری نسبت به موضوع حاصل شده است. با شناسایی ابعاد مجموعه بندر خشک و نظرات خبرگان، استراتژی‌های تکنولوژی و منابع انسانی تدوین شده است. نتایج نشان می‌دهد که هماهنگی میان استراتژی‌های تکنولوژی و منابع انسانی نقش کلیدی در بهبود عملکرد سازمان دارد. در نهایت پیشنهادهایی در راستای استراتژی‌های شرکت تعاونی بندر خشک "پیشگامان" ارائه شده که می‌تواند به بهبود عملکرد و یکپارچگی استراتژی‌های این شرکت کمک کند.

واژگان کلیدی: تعاونی پیشگامان، بندر خشک، استراتژی منابع انسانی، استراتژی تکنولوژی

۱ . دانشجوی مدیریت تکنولوژی دانشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، مدیر عامل پست پیشگامان، رییس کمیسیون دانش بنیان اتاق تعاون ایران

Aligning Human Resource Strategy with Technology Strategies in Cooperative Enterprises: Case Study of Pishgaman Inland Port

Mohammad Kazem Keshavarshahi[1]

The emergence of strategic human resource management has enhanced researchers' understanding of the relationships between organizational strategy, human capital, HR strategy, and the performance of cooperative enterprises. One of the key areas that remains underexplored is understanding the processes and mechanisms through which HR practices influence organizational performance.

Given the pivotal role of organizational strategies and their direct impact on outcomes, alignment between strategies appears to significantly influence the effectiveness of HR interventions. According to the literature—particularly within the field of technology management—organizational success depends heavily on the alignment of technology strategy with corporate and business strategies.

This study aims to examine and analyze the integration of technology and HR strategies at both organizational and national levels, and to develop a unified strategic framework for the Pishgaman Inland Port Cooperative. Data were collected through a systematic review of domestic and international literature in the fields of strategic HR and technology management, analysis of existing strategy alignment models, review of policy and regulatory documents related to logistics and cooperatives, expert interviews with stakeholders in the logistics and cooperative sectors, and content analysis of organizational reports and documentation.

Findings suggest that reviewing previous studies and the evolution of technology strategies has led to a more informed perspective. Based on the identified dimensions of the Inland Port and expert insights, tailored technology and HR strategies have been formulated. The study concludes that the alignment between technology and HR strategies plays a critical role in enhancing organizational performance. Several recommendations are presented to support strategic coherence and improve performance within the Pishgaman Inland Port Cooperative.

Keywords: Pishgaman Cooperative, Inland Port, Human Resource Strategy, Technology Strategy

[1] Ph.D. Student in Technology Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch; CEO of Pishgaman Post; Chairman of the Knowledge-Based Commission, Iran Chamber of Cooperatives

ظرفیت‌های تعاونی‌ها برای توسعه اقتصاد پلتفرمی: تحلیل تطبیقی تجارب جهانی و راهکارهای بومی

علی حسین شهریور[1]

این مقاله به بررسی ظرفیت‌های بالقوه تعاونی‌ها در توسعه اقتصاد پلتفرمی با رویکردی تطبیقی می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه درکی عمیق از پتانسیل‌های تعاونی گرایی برای ایجاد پلتفرم‌هایی است که ارزش‌آفرینی اقتصادی را با عدالت اجتماعی و مشارکت دموکراتیک ترکیب می‌کنند. با استفاده از روش مقاله کیفی و مطالعه موردی چندگانه، تجارب ۱۲ تعاونی پلتفرمی موفق در ۸ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه (شامل کانادا، بریتانیا، اسپانیا، فرانسه، هند، آمریکا، ایتالیا، و آلمان) تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌های پلتفرمی در سه حوزه حمل‌ونقل، کشاورزی و خدمات حرفه‌ای بیشترین موفقیت را تجربه کرده‌اند. مدل‌های حکمرانی مشارکتی و دموکراتیک، مکانیسم‌های شفاف توزیع عادلانه درآمد و سود، سیستم‌های رتبه‌بندی و اعتمادسازی شفاف توزیع عادلانه درآمد و سود، سیستم‌های رتبه‌بندی و اعتمادسازی شفاف، مهم‌ترین عوامل موفقیت این تعاونی‌ها بوده‌اند. این عوامل نه تنها به افزایش کارایی و رضایت اعضا منجر شده‌اند، بلکه به حل چالش‌های ساختاری مدل‌های سنتی اقتصاد پلتفرمی نیز کمک کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد پلتفرمی، تعاونی‌های پلتفرمی، حکمرانی مشارکتی، کسب‌وکارهای تعاونی، اقتصاد دیجیتال، نوآوری اجتماعی.

۱ دکترای حقوق، دبیرکل خانه تعاونگران ایرانی Ashahrivar٤٤@gmail.com

The Potential of Cooperatives in Advancing the Platform Economy: A Comparative Analysis of Global Experiences and Local Strategies

Ali Hossein Shahrivar[١]

This paper explores the potential of cooperatives in shaping and advancing the platform economy through a comparative approach. The main objective is to develop a nuanced understanding of how cooperative principles can support the creation of platforms that integrate economic value creation with social justice and democratic participation.

Employing a qualitative methodology and a multiple case study design, the study analyzes the experiences of ١٢ successful platform cooperatives across ٨ developed and developing countries, including Canada, the United Kingdom, Spain, France, India, the United States, Italy, and Germany. The findings indicate that platform cooperatives have achieved the greatest success in the sectors of transportation, agriculture, and professional services.

Key factors contributing to their success include participatory and democratic governance models, transparent mechanisms for equitable income and profit distribution, and robust systems for rating and building trust. These elements have not only improved operational efficiency and member satisfaction but also addressed the structural limitations inherent in traditional platform economy models.

Keywords: Platform Economy, Platform Cooperatives, Participatory Governance, Cooperative Enterprises, Digital Economy, Social Innovation

١ Ph.D. in Law, Secretary General of the Iranian Cooperators' House, E-mail: Ashahrivar٤٤@gmail.com

بررسی تأثیر تجارت بین‌الملل (توریسم‌درمانی) درون‌شبکه‌ای تعاونی‌ها در تسهیل تجارت خارجی کشور

نادر چهری[1]

تجارت بین‌الملل در حوزه سلامت، به‌ویژه در قالب توریسم‌درمانی، به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم و روبه‌رشد صنعت گردشگری جهانی، نقش پررنگی در توسعه اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی کشورها ایفا می‌کند. توریسم‌درمانی سومین زیرشاخه بزرگ صنعت گردشگری در جهان است که ظرفیت بالایی برای ارزآوری، اشتغال‌زایی و توسعه صادرات خدمات سلامت دارد. در این میان، شبکه‌های تعاونی درمانی و بهداشتی به دلیل ساختار مردمی، انعطاف‌پذیری بالا، و گستردگی جغرافیایی، می‌توانند به‌عنوان بستر مناسبی برای ارائه منسجم خدمات درمانی، اقامتی، آموزشی و پشتیبانی به بیماران بین‌المللی عمل کنند. ادغام توریسم‌درمانی با ظرفیت‌های درون‌شبکه‌ای تعاونی‌ها، امکان ارائه پکیج‌های کامل خدمات سلامت را فراهم کرده و موجب ارتقای تجربه درمانی بیماران خارجی، افزایش رضایت‌مندی، و جذب بیشتر گردشگران درمانی می‌گردد. این مدل، علاوه بر درآمدزایی مستقیم از درمان و آموزش پزشکی، با توسعه خدمات جانبی همچون اقامت، حمل‌ونقل و تغذیه، نقش مؤثری در افزایش ارزآوری، تقویت صادرات غیرنفتی و ارتقای جایگاه کشور در دیپلماسی سلامت خواهد داشت. در نهایت، حمایت هدفمند از زیرساخت‌های تعاونی، آموزش نیروی انسانی، و سیاست‌گذاری کارآمد می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک الگوی موفق از تجارت بین‌الملل سلامت‌محور در چارچوب اقتصاد تعاونی گردد.

واژگان کلیدی: بخش تعاون، توریسم‌درمانی، تجارت بین‌الملل، ارزآوری، صادرات خدمات سلامت، دیپلماسی سلامت

[1] . دکتری حرفه ای پزشکی، رئیس بیمارستان بیستون کرمانشاه، نایب رئیس کمیسیون تخصصی بداشت، درمان و آموزش پزشکی اتاق تعاون ایران

The Impact of Intra-Network Cooperative International Trade (Medical Tourism) on Facilitating Foreign Trade in Iran

Nader Chehri[1]

International trade in the health sector—particularly in the form of medical tourism—has emerged as one of the fastest-growing and economically impactful branches of the global tourism industry. As the third-largest sub-sector of tourism worldwide, medical tourism possesses significant potential for generating foreign exchange, creating employment, and boosting the export of health services.

Healthcare and medical cooperatives, due to their community-based structure, high adaptability, and wide geographic distribution, are well-positioned to serve as an effective platform for delivering integrated medical, accommodation, educational, and support services to international patients. Integrating medical tourism with the internal capacities of cooperative networks enables the provision of comprehensive healthcare service packages. This integration enhances patient experience, satisfaction, and the overall attractiveness of the country for health tourists.

In addition to direct revenue from medical treatment and training services, this model can stimulate ancillary sectors such as lodging, transportation, and food services—leading to increased foreign currency inflows, strengthened non-oil exports, and the advancement of the country's standing in health diplomacy. Ultimately, targeted support for cooperative infrastructure, workforce development, and efficient policymaking can foster a successful health-focused international trade model within the cooperative economy framework.

Keywords: Cooperative Sector, Medical Tourism, International Trade, Foreign Exchange Generation, Health Service Exports, Health Diplomacy

[1] .Professional Doctorate in Medicine, Director of Bayiston Hospital, Kermanshah; Vice Chairman of the Specialized Commission on Health, Treatment, and Medical Education, Iran Chamber of Cooperatives

نقش تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش

محمدتقی فیاضی[1]

نقش تعاونی‌ها در اقتصاد کشورها به عنوان بازیگران کلیدی در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، تعاونی‌ها با چالش‌هایی نظیر ضعف مدیریتی، محدودیت‌های مالی و ناکافی بودن زیرساخت‌های فناوری مواجه‌اند که مانع تحقق ظرفیت‌های بالقوه آنها در توسعه پایدار اقتصادی می‌شود. این مسئله ضرورت بررسی دقیق نقش تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش را ایجاب می‌کند. هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین نقش تعاونی‌ها به عنوان گره‌های شبکه‌ای در تکمیل زنجیره ارزش، شناسایی موانع و ظرفیت‌های پیش‌روی آنها، و ارائه راهکارهای عملیاتی برای توانمندسازی و ارتقاء عملکرد تعاونی‌ها در این زمینه است. پژوهش حاضر از نوع کیفی - توصیفی است که با روش‌های اسنادی و موردی، داده‌ها از منابع داخلی و خارجی گردآوری و تحلیل شده‌اند. تحلیل محتوا و بررسی نمونه‌های موفق و ناموفق تعاونی‌ها، مبنای اصلی تحلیل و استنتاج یافته‌ها است. یافته‌ها نشان می‌دهد تعاونی‌ها با ساختار دموکراتیک و سرمایه اجتماعی قوی، نقش مهمی در تسهیل ارتباطات و همکاری‌های اقتصادی دارند و در مراحل مختلف زنجیره ارزش، به‌ویژه در بازاریابی و توزیع فعال هستند. اما ضعف‌های مدیریتی، محدودیت منابع مالی، و نبود حمایت‌های نهادی، از مهم‌ترین موانع توسعه شبکه‌سازی تعاونی‌ها است. نمونه‌های موفق داخلی و خارجی، اهمیت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مدیریت حرفه‌ای و حمایت‌های قانونی را برجسته می‌کنند. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، مدیران و فعالان حوزه تعاون در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی، بهبود ساختارها و افزایش توانمندی تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش کمک کند.

واژگان کلیدی: تعاونی، شبکه‌سازی، زنجیره ارزش

۱عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس؛ FAYYAZI2002@YAHOO.COM

The Role of Cooperatives in Networking and Value Chain Integration

Mohammad Taghi Fayyazi[۱]

Cooperatives play a vital role in national economies as key actors in facilitating networking and completing value chains. However, in many countries—including Iran—cooperatives face numerous challenges such as weak management, financial constraints, and underdeveloped technological infrastructure, which hinder their full potential in contributing to sustainable economic development. These challenges highlight the necessity of a detailed investigation into the role of cooperatives in networking and value chain integration.

This study aims to analyze and clarify the role of cooperatives as network nodes in completing the value chain, identify the obstacles and capacities they face, and propose practical strategies for empowering and enhancing their performance in this domain. The research adopts a qualitative-descriptive approach, using documentary and case study methods to collect and analyze data from domestic and international sources. Content analysis and the examination of both successful and unsuccessful cooperative models serve as the basis for the findings.

The results indicate that cooperatives, due to their democratic structures and strong social capital, play a significant role in facilitating communication and economic collaboration. They are particularly active in the marketing and distribution phases of the value chain. However, managerial weaknesses, limited financial resources, and insufficient institutional support are among the primary barriers to cooperative networking. Successful case studies, both domestic and international, underscore the importance of adopting modern technologies, professional management, and robust legal support.

This research offers valuable insights for policymakers, cooperative managers, and sector stakeholders in designing supportive policies and programs, improving structural frameworks, and enhancing the capacity of cooperatives to effectively engage in networking and value chain development.

Keywords: Cooperative, Networking, Value Chain

۱ Faculty Member, Research Center of the Iranian Parliament, E-mail: FAYYAZI۲۰۰۲@YAHOO.COM

نقش شفافیت در ارتقای پاسخ‌گویی و کاهش فساد در تعاونی‌ها: مروری تطبیقی و تجربی

علی مطیع جهانی[1]

شفافیت یکی از ارکان حکمرانی پایدار در تعاونی‌ها است که تأثیر مستقیمی افزایش اعتماد و سرمایه های اجتماعی، ارتقای سطح پاسخگویی و کاهش فساد، بهبود کارایی و تصمیم گیری ارکان تصمیم گیر، افزایش مشارکت مالی و سرمایه گذاری اعضاء، تقویت اعتبار تعاونی نزد نهادهای مالی و نظارتی،و افزایش تاب آوری و پایداری بلندمدت تعاونی می شود. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا و تلفیق یافته‌های مطالعات تجربی و تطبیقی، به بررسی مدل‌های حکمرانی در تعاونی‌های کشور می‌پردازد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد وجود سیستم‌های مؤثر حسابرسی داخلی، استانداردهای روشن گزارش‌دهی مالی و ارتباط فعال با اعضا، نقش مهمی در ارتقای سطح شفافیت و پاسخ‌گویی ایفا می‌کند. همچنین، اجرای چارچوب‌های افشای اطلاعات ظرفیت بالایی برای نهادینه‌سازی شفافیت دارد. در مقابل، نبود نظارت منسجم و جریان اطلاعاتی ناکارآمد با افزایش فساد ادراک‌شده و کاهش سرمایه اجتماعی درون‌سازمانی همراه است. یافته‌های این مطالعه بر ضرورت بهره‌گیری تعاونی‌ها از ابزارهای دیجیتال، فرایندهای تصمیم‌گیری شفاف و استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی تأکید دارد تا اعتماد ذی‌نفعان و پایداری سازمانی تقویت شود. یافته‌های مقاله، مبنایی عملی برای مدیران تعاونی و سیاست‌گذاران در جهت توسعه فرهنگ سازمانی شفاف و پاسخ‌گو فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: شفافیت، پاسخ‌گویی، تعاونی، فساد، سرمایه اجتماعی، حکمرانی، حسابرسی داخلی

۱. دکتری مدیریت و عضو هیات رئیسه اتاق تعاون ایران

The Role of Transparency in Enhancing Accountability and Reducing Corruption in Cooperatives: A Comparative and Empirical Review

Ali Moti' Jahani[1]

Transparency is a cornerstone of sustainable governance in cooperatives. It directly contributes to building trust and social capital, enhancing accountability, reducing corruption, improving decision-making efficiency, encouraging financial participation and investment from members, strengthening cooperatives' credibility with financial and regulatory institutions, and ultimately increasing organizational resilience and long-term sustainability.

This paper employs content analysis and synthesizes empirical and comparative studies to examine governance models in Iranian cooperatives. The findings reveal that effective internal auditing systems, clear financial reporting standards, and active communication with members play a significant role in improving transparency and accountability. Furthermore, the implementation of structured information disclosure frameworks has considerable potential for institutionalizing transparency practices.

Conversely, the absence of cohesive oversight and inefficient information flows correlates with higher perceived corruption and diminished internal social capital. The study underscores the need for cooperatives to adopt digital tools, transparent decision-making processes, and international reporting standards to strengthen stakeholder trust and ensure sustainable organizational development.

These insights provide a practical foundation for cooperative managers and policymakers to foster a culture of transparency and accountability within the sector.

Keywords: Transparency, Accountability, Cooperative, Corruption, Social Capital, Governance, Internal Audit

[1] Ph.D. in Management and Member of the Board, Iran Chamber of Cooperatives

نقش تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و تکمیل زنجیره ارزش: تحلیل تجارب برتر جهانی

غلامحسین حسینی‌نیا[1]

تعاونی‌ها به‌عنوان مدل‌های اقتصادی مشارکتی، با تقویت شبکه‌سازی و یکپارچه‌سازی زنجیره‌های ارزش، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. این مقاله با هدف بررسی نقش تعاونی‌ها در بهبود هماهنگی و کارایی زنجیره‌های ارزش و شناسایی موانع پیش رو، به تحلیل تجارب جهانی و کاربرد آن‌ها در ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که تعاونی‌ها با تجمیع منابع، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تقویت اعتماد متقابل ارزش افزوده محصولات را افزایش داده و دسترسی به بازارهای جهانی را تسهیل کردند. مطالعات موردی، مانند تعاونی آمول در هند و کنسرسیوم Parmigiano Reggiano در ایتالیا، موفقیت این نهادها در تکمیل زنجیره ارزش را تأیید کرد. با این حال، در ایران، موانعی مانند کمبود سرمایه، مدیریت ضعیف، و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، عملکرد تعاونی‌ها در شبکه‌سازی و یکپارچه‌سازی زنجیره‌های ارزش را محدود کرده است. مقاله با ارائه راهکارهایی نظیر حمایت مالی، آموزش و توسعه زیرساخت‌ها به تقویت نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مشارکتی و توسعه پایدار ایران کمک می‌کند. نتایج این مقاله برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی در راستای بهبود بخش تعاون در ایران کاربردی است.

واژگان کلیدی: تعاونی‌ها، شبکه‌سازی، زنجیره ارزش، توسعه پایدار، اقتصاد مشارکتی.

۱ دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران HOSSEININIA@UT.AC.IR

The Role of Cooperatives in Networking and Value Chain Integration: Analysis of Leading Global Practices

Gholamhossein Hosseini-Nia[1]

As participatory economic models, cooperatives play a significant role in socio-economic development by enhancing networking and integrating value chains. This study aims to examine the contribution of cooperatives to improving coordination and efficiency in value chains while identifying the barriers they face. It draws on global experiences to offer applicable insights for Iran.

The findings indicate that cooperatives, through the pooling of resources, reduction of transaction costs, and reinforcement of mutual trust, can increase product value and facilitate access to international markets. Case studies, including the Amul cooperative in India and the Parmigiano Reggiano consortium in Italy, confirm the success of these entities in completing value chains. However, in Iran, obstacles such as insufficient capital, weak management, and ineffective policymaking have constrained cooperatives' performance in networking and value chain integration.

The article proposes several strategies—such as financial support, training, and infrastructure development—to strengthen the role of cooperatives in Iran's participatory economy and sustainable development. The results offer actionable recommendations for policymakers and economic stakeholders aiming to enhance the cooperative sector.

Keywords: Cooperatives, Networking, Value Chain, Sustainable Development, Participatory Economy

[1] Associate Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, E-mail: HOSSEININIA@UT.AC.IR

بررسی وضعیت تاب‌آوری اقتصادی در ایران و ظرفیت‌های بخش تعاون جهت ارتقاء آن

علی‌محمد احمدی[1]

تاب‌آوری اقتصادی به معنای توان یک نظام اقتصادی برای مقاومت، انطباق و بازیابی در برابر شوک‌های داخلی و خارجی، از شاخص‌های کلیدی پایداری توسعه در کشورها محسوب می‌شود و همواره مورد تأکید نظام برنامه‌ریزی کشور بوده است که نمود آن ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است. در این سیاست ها جهت افزایش تاب آوری اقتصاد کشور به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط، توسعه کارآفرینی، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف، تامین امنیت غذا و درمان و... تاکید شده است. این مقاله با هدف بررسی وضعیت کنونی تاب‌آوری اقتصادی در ایران و تحلیل ظرفیت‌های بخش تعاون برای ارتقای آن انجام شده است. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی بوده و روش گرداوری آمار و اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش تعاون با ویژگی‌هایی همچون مردمی‌بودن، پراکندگی جغرافیایی، توان بسیج منابع خرد، و ظرفیت درون‌زا برای خلق شغل، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد محلی، تنوع‌بخشی به ساختار تولید، و تقویت پیوندهای اجتماعی ایفا کند.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری اقتصادی، اقتصاد ایران، بخش تعاون، توسعه پایدار، سیاست‌گذاری اقتصادی

۱ . دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

An Assessment of Economic Resilience in Iran and the Role of the Cooperative Sector in Enhancing It

Ali-Mohammad Ahmadi[1]

Economic resilience—the ability of an economic system to withstand, adapt to, and recover from internal and external shocks—is considered a key indicator of sustainable development in countries and has consistently been emphasized in Iran's national planning. This emphasis is evident in the General Policies of the Resistance Economy, which seek to enhance economic resilience by maximizing public participation in economic activities, promoting collective cooperation, empowering low- and middle-income groups, fostering entrepreneurship, advancing a knowledge-based economy, organizing the national innovation system, prioritizing productivity-driven growth, ensuring fair value distribution across the production-consumption chain, and securing food and healthcare systems.

These policies also stress the importance of cultivating a value-creating and entrepreneurial culture, boosting productive investments, and improving transparency and efficiency in market regulation and pricing systems.

This paper aims to assess the current state of economic resilience in Iran and analyze the potential of the cooperative sector in strengthening it. Using a descriptive-analytical methodology and relying on documentary and library-based data, the findings highlight that the cooperative sector—characterized by its grassroots nature, geographic dispersion, ability to mobilize micro-resources, and endogenous job creation capacity—can play a pivotal role in enhancing local economic flexibility, diversifying production structures, and reinforcing social cohesion.

Keywords: Economic Resilience, Iranian Economy, Cooperative Sector, Sustainable Development, Economic Policy

[1] Ph.D. in Economics, Faculty Member, Tarbiat Modares University

تقویت تجارت و نوآوری از طریق همکاری میان تعاونی‌ها؛ مسیری به سوی رشد اقتصاد پایدار

علیرضا بنائی فر[۱]

این مقاله نقش همکاری میان تعاونی‌ها به‌عنوان سازوکاری تحول‌آفرین برای تقویت نوآوری و بهره‌گیری از فناوری با هدف گسترش فرصت‌های تجاری را بررسی می‌کند. مقاله استدلال می‌کند چارچوب‌های مشارکتی به تعاونی‌ها در غلبه بر محدودیت‌های منابع، گسترش دسترسی به بازار و ایجاد رشد اقتصادی پایدار یاری می‌رسانند. تحلیل‌های مقاله بر مطالعات موردی ابتکارات موفق تجارت میان تعاونی، از جمله شرکت موندراگون اسپانیا و گروه تعاونی بریتانیا تکیه دارد. این نمونه‌ها نتایج قابل توجهی را آشکار می‌سازند: افزایش ۳۰ درصدی در حجم تجارت از طریق سامانه‌های لجستیکی مشترک و ایجاد ۱۰،۰۰۰ شغل جدید با تجمیع منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک. یافته‌ها با نظریه مزیت همکاری (که بر منافع راهبردی مشارکت‌ها تأکید دارد) و نظریه انتشار نوآوری (که چگونگی توانمندسازی تعاونی‌ها از طریق فناوری‌هایی همچون پلتفرم‌های دیجیتال، بلاک‌چین و تحلیل داده برای بهینه‌سازی زنجیره تأمین، ارتقای شفافیت و ایجاد اعتماد میان ذی‌نفعان گوناگون را تبیین می‌کند) هم‌راستا هستند. همچنین، زیست‌بوم‌های نوآوری مشترک امکان تجمیع تخصص‌ها، توسعه مشترک راه‌حل‌ها و دستیابی به نتایج ملموسی نظیر کاهش هزینه، افزایش بهره‌وری تجاری و دسترسی گسترده‌تر به بازار را فراهم می‌آورند و در نهایت به تحقق صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس منتهی می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که همکاری میان تعاونی‌ها، نه‌تنها مزیت رقابتی ایجاد می‌کند؛ بلکه با ادغام تعاونی‌های کوچک‌مقیاس در شبکه‌های تجارت جهانی، فراگیری را نیز ترویج می‌کند. این مقاله بر اهمیت نوآوری مشارکتی در رفع موانع تجاری نظیر ناکارآمدی‌های لجستیکی و عدم تقارن اطلاعات بازار، در عین تقویت تاب‌آوری در برابر چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی تأکید می‌ورزد. ایجاد اتحادهای دیجیتال میان تعاونی‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه مشترک و توسعه برنامه‌های توانمندسازی از جمله توصیه‌های اجرایی مقاله برای ترویج نوآوری میان تعاونی‌ها است.

واژگان کلیدی: همکاری میان تعاونی، تعاونی‌ها، نوآوری، مزیت همکاری، انتشار نوآوری، فناوری، تجارت، توسعه پایدار، شرکت موندراگون، گروه تعاونی

---

[۱] MBA از دانشگاه استانبول (۲۰۱۴-۲۰۱۲)، معاون امور بین الملل اتاق تعاون ایران (۱۳۹۴ تاکنون)

Enhancing Trade and Innovation through Inter-Cooperative Collaboration: A Path Toward Sustainable Economic Growth

Alireza Banaeifar[1]

This article examines the role of collaboration among cooperatives as a transformative mechanism for enhancing innovation and harnessing technology to expand commercial opportunities. It argues that cooperative frameworks enable cooperatives to overcome resource limitations, broaden market access, and foster sustainable economic growth.

The analysis draws on case studies of successful inter-cooperative trade initiatives, notably the Mondragón Corporation in Spain and the Co-operative Group in the United Kingdom. These examples reveal remarkable outcomes, including a 30% increase in trade volume through shared logistics systems and the creation of 10,000 new jobs through pooled investment in joint ventures.

The findings align with the theory of collaborative advantage—which emphasizes the strategic benefits of partnerships—and innovation diffusion theory, which explains how cooperatives are empowered through technologies such as digital platforms, blockchain, and data analytics to optimize supply chains, enhance transparency, and build trust among diverse stakeholders.

Shared innovation ecosystems facilitate the consolidation of expertise, co-development of solutions, and tangible results such as cost reduction, increased commercial productivity, and broader market access—ultimately leading to economies of scale. The study shows that collaboration among cooperatives not only creates competitive advantage but also promotes inclusivity by integrating small-scale cooperatives into global trade networks.

The article highlights the importance of collaborative innovation in addressing trade barriers such as logistical inefficiencies and market information asymmetries while strengthening resilience against economic and environmental challenges. Key policy recommendations include fostering digital alliances among cooperatives, investing in shared technological infrastructure, and developing capacity-building programs to advance innovation across the cooperative sector.

Keywords: Inter-Cooperative Collaboration, Cooperatives, Innovation, Collaborative Advantage, Innovation Diffusion, Technology, Trade, Sustainable Development, Mondragón Corporation, Co-operative Group

[1] MBA from Istanbul University (2012–2014), Deputy of International Affairs, Iran Chamber of Cooperatives (2015–present)

ارائه مدل مفهومی هم‌راستایی سیاست‌های نوآوری بخشی با راهبردهای نوآوری بنگاه در شرکت‌های لجستیکی و پستی با تأکید بر تحول استراتژی مدیریت تکنولوژی پست پیشگامان (تعاونی سهامی عام – دانش‌بنیان)

محمدکاظم کشورشاهی[۱]
امین باغشاهی[۲]
بهنام فولادی کلهرودی[۳]

هماهنگی تا آنجاست که می‌توان مدیریت را معادل هماهنگی دانست. هماهنگی استراتژیک که به آن همخوانی، همسویی یا هم‌راستایی نیز گفته می‌شود، جایگاه کلیدی در مطالعات سازمانی و مدیریت استراتژیک دارد. از دیدگاه اندیشمندان حوزه مدیریت هماهنگی عامل و منبع ارزش اقتصادی برای شرکت‌ها بوده و باید در این راستا حرکت نمایند. به مانند سایر حوزه‌های مدیریت، حوزه نوآوری نیز متأثر از موضوع هماهنگی بوده است. تحقیقات نشان داده است که استراتژی‌های خاص نوآوری وقتی با انتخاب‌های خاص استراتژی رقابتی پیوند یابند اثربخش‌تر خواهند بود. هدف این پژوهش ارائه مدل مفهومی هم‌راستایی سیاست‌های نوآوری بخشی با راهبردهای نوآوری بنگاه در شرکت‌های لجستیکی و پستی است تا به درک بهتر چگونگی تعامل و انطباق این دو سطح کمک کند و زمینه بهبود طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی از نوآوری در این صنعت را فراهم نماید. روش گردآوری داده‌ها شامل بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهشی داخلی و بین‌المللی در حوزه هم‌راستایی سیاست‌های نوآوری و راهبردهای بنگاه، مطالعه و تحلیل مدل‌های موجود هم‌راستایی استراتژیک، بررسی متون تخصصی مدیریت نوآوری و استراتژی، مطالعه قوانین بالادستی و سیاست‌نامه‌های مرتبط با بخش پست و لجستیک، مصاحبه با خبرگان بخش پست و لجستیک و شرکت پست پیشگامان (تعاونی سهامی عام – دانش‌بنیان)، و تحلیل محتوایی اسناد و گزارش‌های سازمانی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که هم‌راستایی سیاست‌های نوآوری بخشی و راهبردهای نوآوری بنگاه می‌تواند به افزایش کارآمدی سیاست‌گذاری‌های نوآوری و بهبود عملکرد نوآوری در بنگاه‌ها منجر شود. این هم‌راستایی به سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های نوآوری کارآمدتر و به شرکت‌های فعال در صنعت لجستیک در برنامه‌ریزی استراتژیک نوآوری و تخصیص بهینه منابع کمک می‌کند که نهایتاً به بهبود رقابت‌پذیری و موفقیت شرکت‌های لجستیکی و پستی منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: استراتژی نوآوری، سیاست نوآوری بخشی، پست پیشگامان.

۱. گروه مدیریت تکنولوژی، دانشجوی مدیریت تکنولوژی دانشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات – مدیر عامل پست پیشگامان – رییس کمیسیون دانش بنیان اتاق تعاون ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت مدیر لجستیک پست پیشگامان (تعاونی سهامی عام – دانش بنیان)
۳. کارشناس ارشد مهندسی صنایع کارشناس مسئول لجستیک پست پیشگامان (تعاونی سهامی عام – دانش بنیان)، پست الکترونیکی : shahi٤٤٢٤@gmail.com

A Conceptual Model for Aligning Sectoral Innovation Policies with Firm-Level Innovation Strategies in Logistics and Postal Enterprises: Emphasis on the Strategic Transformation of Technology Management in Post Pishgaman (Public Shareholding Cooperative – Knowledge-Based)

Mohammad Kazem Keshavarshahi[۱], Amin Baghshahi[۲], Behnam Fouladi Kalehrudi[۳]

Coordination lies at the heart of management—to the extent that management can be defined as the art of alignment. Strategic alignment, also referred to as congruence, coherence, or fit, holds a central position in organizational and strategic management studies. According to Kaplan and Norton, alignment is both a driver and a source of economic value for firms, necessitating deliberate strategic movement in this direction. Like other managerial domains, innovation management is also profoundly influenced by alignment. Research has shown that specific innovation strategies become more effective when coupled with corresponding competitive strategic choices.

This study aims to develop a conceptual model aligning sectoral innovation policies with firm-level innovation strategies in logistics and postal companies, with the goal of enhancing understanding of the interaction and adaptation between these two levels. It also seeks to improve the design and implementation of supportive innovation policies in this industry.

The methodology involved a systematic review of national and international research literature in the fields of innovation policy alignment and corporate strategy, analysis of existing models of strategic alignment, examination of specialized texts in innovation and strategy management, study of upstream regulations and policy documents related to the logistics and postal sectors, interviews with experts in the postal and logistics fields, particularly those from Post Pishgaman (a knowledge-based, public shareholding cooperative), and content analysis of institutional documents and reports.

Findings suggest that alignment between sectoral innovation policies and firm-level innovation strategies enhances the efficiency of innovation policy implementation and improves innovation performance at the firm level. This alignment aids policymakers in designing more effective innovation policies and supports logistics enterprises in strategic innovation planning and optimal resource allocation—ultimately contributing to improved competitiveness and the success of logistics and postal companies.

Keywords: Innovation Strategy, Sectoral Innovation Policy, Post Pishgaman

[۱] Department of Technology Management, M.A. Student in Technology Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch – CEO of Pishgaman Post – Chairman of the Knowledge-Based Commission, Iran Chamber of Cooperatives
[۲] M.A. in Management, Logistics Manager at Pishgaman Post (Public Joint Stock Cooperative – Knowledge-Based)
[۳] M.A. in Industrial Engineering, Senior Logistics Expert at Pishgaman Post (Public Joint Stock Cooperative – Knowledge-Based)
E-mail: shahi4424@gmail.com

بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های بخش تعاون در ایجاد و توسعه پزشکی آنلاین و بیمارستان‌های مجازی در ایران

خسرو اکبری[1]

تحول دیجیتال در حوزه سلامت، افق‌های نوینی را در نظام سلامت کشورها گشوده است. پزشکی آنلاین و بیمارستان‌های مجازی به‌عنوان نمودهای این تحول، امکان دسترسی فراگیر، کاهش هزینه‌ها و ارتقاء کیفیت خدمات را فراهم می‌آورند. در این میان، بخش تعاون به‌واسطهٔ ماهیت مردمی و ساختار مشارکتی خود، ظرفیت‌هایی بی‌بدیل برای ایفای نقش در توسعه سلامت دیجیتال دارد. این مقاله با هدف تحلیل ظرفیت‌ها و شناسایی چالش‌های پیش‌روی بخش تعاون در ورود به عرصه پزشکی آنلاین، پیشنهادهایی عملیاتی برای تقویت نقش تعاونی‌ها در این حوزه ارائه می‌دهد. روش تحقیق مبتنی بر مطالعه توصیفی – تحلیلی، استفاده از منابع آماری و بررسی تطبیقی بین‌المللی است. یافته‌ها مطالعه نشان می‌دهد که با وجود چالش‌های زیرساختی، قانونی و فرهنگی، تعاونی ها ظرفیت بالایی جهت تحقق عدالت سلامت، ایجاد اشتغال فناورانه و افزایش دسترسی به خدمات درمانی دارند. جمعیت زیاد و پراکندگی جغرافیایی، پیشرفت کشور در حوزه زیرساخت‌های دیجیتال، وجود نیروهای انسانی متخصص ایرانی در داخل و خارج از کشور از مزیت‌های کشور جهت توسعه بیمارستان‌های مجازی هستند از طرفی وجود تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تخصصی کثیرالعضو همانند اتحادیه‌های حوزه مرزنشینان (با تمرکز بر مناطق مرزی)، حوزه مصرف، حوزه حمل‌ونقل، حوزه کشاورزی... برنامه‌ریزی برای عضوگیری را برای توسعه بیمارستان‌های مجازی را تسهیل نموده است.

واژگان کلیدی: تعاون، سلامت دیجیتال، پزشکی آنلاین، بیمارستان مجازی، فناوری سلامت، توسعه مشارکتی

---

۱ . متخصص بیماری‌های داخلی و فوق تخصص بیماری‌های روماتیسمی، فعال در حوزه سلامت الکترونیک

Exploring the Capacities and Challenges of the Cooperative Sector in Developing Online Medicine and Virtual Hospitals in Iran

Khosro Akbari[1]

The digital transformation of the healthcare sector has opened new horizons for national health systems. Online medicine and virtual hospitals, as key manifestations of this transformation, offer expanded access, cost reduction, and improved quality of services. Within this context, the cooperative sector—owing to its community-based nature and participatory structure—possesses unique capacities to play a pivotal role in advancing digital health.

This study aims to analyze the capacities and identify the challenges faced by the cooperative sector in entering the realm of online healthcare, while offering practical recommendations to strengthen cooperatives' roles in this domain. Adopting a descriptive-analytical methodology, the study draws on statistical data and international comparative analyses.

Findings reveal that despite infrastructural, legal, and cultural challenges, cooperatives possess significant potential to contribute to health equity, generate technology-driven employment, and enhance access to healthcare services. Factors such as Iran's large population and geographic dispersion, advancements in digital infrastructure, and the availability of specialized human resources both domestically and abroad position the country favorably for the development of virtual hospitals.

Moreover, the presence of numerous specialized cooperatives and large-scale unions—such as those in border regions, consumer goods, transportation, and agriculture—facilitates member recruitment strategies necessary for expanding virtual healthcare networks.

Keywords: Cooperative, Digital Health, Telemedicine, Virtual Hospital, Health Technology, Participatory Development

[1] Specialist in Internal Medicine and Rheumatology Subspecialist, active in the field of e-Health

راهکارهای تأمین ملی پروژه‌های مسکن برای دهک‌های درآمدی ۱ تا ۷ با تأکید بر تحلیل طرح‌های ملی و مدل مشارکت تعاونی

پارسا گوهری[۱]

تأمین مسکن برای دهک‌های پایین درآمدی، یکی از مسائل کلیدی در عدالت اجتماعی و توسعه پایدار شهری است. رشد شتابان قیمت زمین و مسکن، نارسایی ابزارهای مالی موجود و فشار بر بودجه‌های عمومی باعث شده توان خرید مسکن برای دهک‌های ۱ تا ۷ به شدت کاهش یابد. این مقاله با بررسی علمی ابزارها و تجربه‌های موجود در ایران، از جمله طرح مسکن مهر و نهضت ملی مسکن، به تحلیل دقیق ظرفیت‌ها و چالش‌های آن‌ها می‌پردازد. سپس با تحلیل تطبیقی و بهره‌گیری از تجارب جهانی و بومی، مدل مالی ترکیبی جدیدی پیشنهاد می‌دهد که مبتنی بر تنوع منابع تأمین مالی، بهره‌گیری از ابزارهای مالی اسالمی، مشارکت تعاونی‌ها، مکان‌یابی هوشمند و اجاره به شرط تملیک است. هدف این مدل، کاهش فشار بر بودجه عمومی، افزایش دسترسی اقشار کم درآمد به مسکن پایدار، و بهبود کیفیت سکونت شهری است. در این راستا، مقاله با روش تحلیلی-تطبیقی، ضمن بررسی ظرفیت بانک‌های توسعه‌ای، صندوق‌های زمین و مسکن، بازار سرمایه، اوراق مشارکت و نهادهای غیردولتی، سازوکارهایی برای تجمیع منابع و هدایت اثربخش آن‌ها به سمت ساخت و بهره‌برداری از واحدهای مسکونی مقرون به صرفه ارائه می‌دهد. همچنین، نقش دولت در تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و ایجاد مشوق‌های مالی مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی جهت اصلاح سیاست‌های جاری و طراحی برنامه‌های میان مدت و بلند مدت ارائه شده است. یافته‌های مقاله می‌تواند به عنوان مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های تأمین مسکن و تدوین چارچوب‌های اجرایی مؤثر در برنامه‌ریزی شهری و رفاه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های مسکن، تأمین مالی، مشارکت عمومی ـ خصوصی، صندوق‌های زمین و مسکن

[۱] دکتری آمایش سرزمین ، مدیر طرح مسکن اتاق تعاون ایران

Financing Strategies for Housing Projects Targeting Income Deciles 1 to 7: An Analytical Review of National Housing Schemes and the Cooperative Participation Model

Parsa Gowhari[1]

Providing adequate housing for low- and middle-income populations is a critical component of social justice and sustainable urban development. Rapid increases in land and housing prices, inefficiencies in existing financial tools, and growing pressure on public budgets have significantly reduced housing affordability for income deciles 1 to 7. This paper conducts an in-depth analysis of current tools and initiatives in Iran—such as the Mehr Housing Project and the National Housing Movement—assessing their capacities and limitations.

Drawing on comparative analyses and both international and local experiences, the study proposes a novel hybrid financial model. This model integrates diversified funding sources, Islamic financial instruments, cooperative participation, smart location strategies, and lease-to-own mechanisms. Its main objectives are to reduce the burden on public budgets, increase access to sustainable housing for low-income groups, and enhance the quality of urban living.

Using an analytical-comparative method, the paper examines the potential of development banks, land and housing funds, capital markets, participatory bonds, and non-governmental entities to mobilize and channel resources effectively into the construction and operation of affordable housing units. It also discusses the regulatory, facilitative, and incentivizing roles of the government and offers policy recommendations for reforming current practices and designing effective mid- and long-term housing strategies. The findings of this research offer a practical foundation for rethinking housing policies and developing robust frameworks for urban planning and social welfare.

Keywords: Housing Cooperatives, Housing Finance, Public-Private Partnership, Land and Housing Funds

[1] Ph.D. in Regional Planning, Housing Project Manager, Iran Chamber of Cooperatives

مدرسه تعاونی راه رشد: الگوی مشارکتی در آموزش و توسعه محلی

آناهیتا اصلاح‌پذیر[1]

مدرسه تعاونی «راه رشد» طی چهار دهه به الگویی کم‌نظیر از تلفیق آموزش، دموکراسی تعاونی و توسعه جامعه محلی بدل شده است. این مقاله با رهیافت مطالعه موردی اکتشافی، دگردیسی ساختاری و فلسفی راه رشد را واکاوی می‌کند تا نشان دهد چگونه مشارکت آگاهانه اولیا، معلمان و کارکنان می‌تواند بستری برای تحقق عدالت آموزشی و ارتقای سرمایه اجتماعی فراهم آورد. داده‌ها از اسناد تاریخی مدرسه، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ کنشگر کلیدی، و مشاهده مشارکتی در جلسات شورای مدرسه گردآوری شده است. تحلیل مضمون نشان می‌دهد که سه مؤلفه «مالکیت مشارکتی سهام»، «تصمیم‌گیری جمعی چندسطحی» و «پاسخگویی شفاف مالی و آموزشی» ستون‌های اصلی موفقیت این مدل‌اند. نتایج حاکی است که راه رشد با حذف دیوار میان نهاد آموزشی و نهاد اجتماعی، فضای مدرسه را به میدان تمرین کنشگری مدنی، یادگیری تجربی و کارآفرینی خرد تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان نه تنها گیرندگان دانش، بلکه بازیگران توسعه محلی شده‌اند. افزون بر این، درهم تنیدگی نقش‌ها سبب شده است نقش معلم از «کارگزار آموزشی» به «مالک/تصمیم‌ساز» ارتقا یابد و بدین ترتیب منزلت حرف‌های او تثبیت گردد. در پایان، استدلال می‌شود که مدل مدرسه تعاونی می‌تواند به عنوان جایگزینی ریشه‌دار برای نظام آموزشی تمرکزگرا و بازارمحور فعلی به کار رود؛ به شرط آنکه سیاست‌گذاران با فراهم‌سازی بستر حقوقی برای مالکیت جمعی، معافیت‌های مالیاتی هدفمند و سازوکارهای تضمین شفافیت، مسیر مقیاس‌پذیری چنین مدارسی را هموار کنند. یافته‌های پژوهش برای دانشگاهیان، فعالان تعاونی و تصمیم‌گیران آموزشی الهام‌بخش است و می‌تواند در پاسخ به بحران‌های عدالت آموزشی، افت سرمایه اجتماعی و ضرورت مشارکت دموکراتیک در ایران معاصر راه‌گشا باشد.

واژگان کلیدی: مدرسه تعاونی، عدالت آموزشی، حکمرانی مشارکتی، سرمایه اجتماعی، راه رشد، مشارکت اولیا و معلمان

۱. مدیر عامل مجتمع تعاونی آموزشی راه رشد

Rah-e-Roshd Cooperative School: A Participatory Democracy Model in Education and Local Development

Anahita Eslahpazir[1]

Over the past four decades, the Rah-e-Roshd Cooperative School has evolved into a unique model integrating education, cooperative democracy, and local community development. This article adopts an exploratory case study approach to examine the structural and philosophical transformation of Rah-e-Roshd and to demonstrate how conscious participation by parents, teachers, and staff can foster educational justice and enhance social capital.

Data were collected through archival documents of the school, semi-structured interviews with 20 key stakeholders, and participatory observation in school council meetings. Thematic analysis reveals three foundational pillars of this model's success: *shared equity ownership*, *multi-level collective decision-making*, and *transparent financial and educational accountability*. Findings show that Rah-e-Roshd, by dissolving the boundaries between educational and social institutions, has transformed the school into a space for civic engagement, experiential learning, and micro-entrepreneurship—empowering students as not just knowledge recipients but also as active agents of local development.

Moreover, the interwoven roles within the institution have elevated the teacher's role from a mere "educational agent" to a "co-owner/decision-maker," thereby strengthening their professional standing. The article argues that the cooperative school model could serve as a grassroots alternative to the current centralized, market-driven educational system—provided that policymakers facilitate legal frameworks for collective ownership, implement targeted tax exemptions, and establish mechanisms ensuring transparency and accountability. The study's insights offer inspiration to academics, cooperative practitioners, and educational policymakers in addressing the crises of educational justice, eroding social capital, and the imperative of democratic participation in contemporary Iran.

Keywords: Cooperative School, Educational Justice, Participatory Governance, Social Capital, Rah-e-Roshd, Parent-Teacher Participation

[1] CEO of Rah Roshd Educational Cooperative Complex

ظرفیت‌ها، چالش‌ها و کارکردهای تعاونی‌ها در مدیریت صادرات؛ مطالعه موردی شرکت تعاونی روماک

خلیل قلی‌زاده[1]

در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند تقویت صادرات غیرنفتی و افزایش بهره‌وری در زنجیره تأمین کالا است، تعاونی‌ها می‌توانند نقشی محوری در مدیریت صادرات ایفا کنند. این پژوهش با هدف بررسی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و کارکردهای تعاونی‌ها در حوزه صادرات، تجربه شرکت تعاونی روماک را به‌عنوان یک نمونه موفق در صادرات محصولات کشاورزی و باغی مورد تحلیل قرار داده است. رویکرد پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعه موردی است و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران شرکت، بررسی گزارش‌های صادراتی و تحلیل اسناد مرتبط گردآوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد شرکت روماک با تکیه بر زنجیره تأمین یکپارچه، شبکه‌سازی مؤثر با تولیدکنندگان محلی، سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های بسته‌بندی و لجستیک سردخانه‌ای، و انطباق با استانداردهای بین‌المللی، ردیابی محصول از مبدأ تولید تا مقاصد صادراتی موفق به دستیابی به بازارهای صادراتی در کشورهای اوراسیا و حاشیه خلیج‌فارس، کشور هند و کشور چین شده است. افزون بر این، توان روماک در ایجاد یک زنجیره جمع‌آوری و توزیع گسترده، این ظرفیت را فراهم کرده است که نه‌تنها در صادرات مؤثر باشد، بلکه در تنظیم بازار داخلی و کاهش نوسانات عرضه نیز نقش ایفا کند. این ویژگی، موقعیت راهبردی تعاونی را در تأمین و توزیع کالا در سطح ملی برجسته می‌سازد. با این حال، چالش‌هایی مانند بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی، موانع حمل‌ونقل، و فقدان حمایت‌های دولتی مؤثر، همچنان از موانع پیش‌روی این تعاونی صادرات‌محور محسوب می‌شوند. پژوهش بر ضرورت طراحی سیاست‌های حمایتی هوشمند، تقویت نظام اطلاعات بازار، و توانمندسازی ساختاری تعاونی‌ها در عرصه تجارت بین‌الملل تأکید دارد.

واژگان کلیدی: تعاونی‌ها، مدیریت صادرات، شرکت تعاونی روماک

۱. عضو و رئیس هیئت مدیره شرکت روماک

Capabilities, Challenges, and Functions of Cooperatives in Export Management: A Case Study of Romak Cooperative Company

Khalil Gholizadeh[1]

At a time when Iran's economy requires enhanced non-oil exports and increased efficiency in the supply chain, cooperatives can play a pivotal role in export management. This study aims to examine the capacities, challenges, and functions of cooperatives in the field of export, analyzing the experience of Romak Cooperative Company as a successful case in exporting agricultural and horticultural products.

Adopting a qualitative case study approach, data were collected through semi-structured interviews with company executives, analysis of export reports, and review of relevant documents. Findings indicate that Romak, by leveraging an integrated supply chain, effective networking with local producers, targeted investment in packaging and cold logistics infrastructure, and compliance with international standards, has succeeded in traceability from the point of production to export destinations. This has enabled Romak to access export markets in Eurasian countries, the Persian Gulf region, India, and China.

Additionally, Romak's capacity in creating a comprehensive collection and distribution network has allowed it not only to contribute to exports but also to stabilize domestic markets and reduce supply volatility. These features highlight the strategic role of cooperatives in national-level supply and distribution systems.

However, challenges such as exchange rate policy instability, transportation barriers, and the lack of effective government support persist as obstacles for export-oriented cooperatives. The study underscores the need for intelligent supportive policies, robust market information systems, and structural empowerment of cooperatives in international trade.

Keywords: Cooperatives, Export Management, Romak Cooperative Company

[1] Member and Chairman of the Board of Romak Company

اهمیت مفاهیم حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی در شرکت‌های تعاونی

بهزاد محمودی[1]

بر اساس تعاریف کلاسیک، حاکمیت شرکتی، سیستمی است که به وسیله آن شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند. این مفهوم به نحوی در برگیرنده مدیریت ریسک و تطبیق با قوانین و مقررات و کنترل‌های داخلی در شرکت‌های تعاونی است. کنترل‌های داخلی مجموعه‌ای از روش‌ها و فرایندهایی است که با هدف اطمینان از تحقق اهداف شرکت، افزایش کارایی و اثربخشی عملیات، حفاظت از دارایی‌ها و رعایت قوانین و مقررات اجرا می‌شود. این کنترل‌ها شامل محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت هستند. مهم‌ترین اجزای کنترل داخلی در شرکت‌های تعاونی عبارتند از: ۱- محیط کنترلی که شامل ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های حاکم بر شرکت است و بستر مناسبی برای اجرای کنترل‌های داخلی فراهم می‌کند. ۲-ارزیابی ریسک که شناسایی و ارزیابی ریسک‌های احتمالی در شرکت و اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش آن‌هاست. ۳- فعالیت‌های کنترلی که شامل مجموعه‌ای از اقدامات و رویه‌هایی است که برای کاهش ریسک‌های شناسایی شده و حصول اطمینان از اجرای صحیح فرایندها به کار گرفته می‌شوند. ٤- اطلاعات و ارتباطات که ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی مناسب و برقراری ارتباطات مؤثر درون و برون‌سازمانی برای تبادل اطلاعات مورد نیاز در فرایند کنترل داخلی را در برمی‌گیرد. ۵-نظارت و پایش که ارزیابی مداوم و مستمر سیستم کنترل داخلی برای اطمینان از عملکرد صحیح آن و شناسایی نقاط ضعف و بهبود. کنترل داخلی در شرکت‌های تعاونی برای حفاظت از دارایی‌ها، جلوگیری از اتلاف، سوءاستفاده و تقلب در دارایی‌های شرکت، افزایش کارایی و اثربخشی به مفهوم بهبود فرایندهای عملیاتی و افزایش بهره‌وری، ارتقای دقت و قابلیت اتکای مدارک حسابداری و گزارش‌های مالی، رعایت قوانین و مقررات و افزایش اعتماد ذی‌نفعان ضروری است. در این مقاله با توجه به ماهیت شرکت‌های تعاونی و ماهیت و اهداف آن‌ها به تفاوت‌های کنترل داخلی در شرکت‌های تعاونی با سایر شرکت‌ها و همچنین رویکرد مبانی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های تعاونی و نقش حسابرسی داخلی در کنترل داخلی شرکت‌های تعاونی و ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی و ارائه توصیه‌هایی برای بهبود می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: تعاونی، حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی

[1]

The Importance of Corporate Governance and Internal Control Concepts in Cooperative Enterprises

Behzad Mahmoudi[1]

According to classical definitions, corporate governance refers to the system by which companies are directed and controlled. This concept inherently encompasses risk management, regulatory compliance, and internal controls within cooperative enterprises. Internal controls consist of a set of methods and procedures aimed at ensuring the achievement of organizational objectives, enhancing operational efficiency and effectiveness, safeguarding assets, and ensuring compliance with laws and regulations.

Key components of internal control in cooperatives include:

١. **Control Environment** – the values, beliefs, and attitudes prevailing in the organization that provide a foundation for internal control implementation.
٢. **Risk Assessment** – identifying and evaluating potential risks and adopting appropriate measures to mitigate them.
٣. **Control Activities** – procedures and actions designed to reduce identified risks and ensure the correct execution of processes.
٤. **Information and Communication** – establishing effective information systems and communication channels within and outside the organization to support internal control operations.
٥. **Monitoring** – continuous assessment and review of the internal control system to ensure its proper functioning and identify areas for improvement.

Internal controls in cooperatives are essential for asset protection, prevention of loss, misuse, and fraud, enhancing operational efficiency and productivity, improving the reliability of accounting records and financial reports, ensuring legal compliance, and building stakeholder trust.

Given the unique nature and objectives of cooperatives, this paper explores how internal control practices in these entities differ from those in other types of companies. It also discusses the application of corporate governance principles, the role of internal auditing in cooperative organizations, and the evaluation of control system effectiveness, while offering recommendations for enhancement.

Keywords: Cooperative, Corporate Governance, Internal Control

---

١

بودجه‌ریزی مشارکتی در مدارس تعاونی: سازوکار تخصیص دموکراتیک منابع و مطالعه‌ی موردی مجتمع تعاونی آموزشی راه رشد

آترینا اورعی[1]

بودجه‌ریزی مشارکتی (PB) می‌تواند سازوکار شفاف و دموکراتیکی برای تخصیص منابع فراهم کند؛ سازوکاری که هنوز در اغلب مدارس تعاونی ایران غایب است. در بستر تمرکزگرایی اداری و فشارهای تأمین مالی مبتنی بر بازار، این مقاله می‌پرسد بودجه‌ریزی مشارکتی چگونه می‌تواند تعهد دوگانه‌ی مدارس تعاونی به مالکیت جمعی و عدالت اجتماعی را تقویت کند. با اتکا به ادبیات بین‌المللی PB و یادداشت تفاهم های میان وزارتخانه‌های تعاون و آموزش‌وپرورش، چارچوبی پنج مرحله‌ای ارائه می‌شود که اصول بودجه‌ریزی مشارکتی را با قواعد قانونی بودجه‌نویسی مدارس در ایران هم راستا می‌کند. بخش تجربی پژوهش به بررسی مجتمع تعاونی آموزشی فرهنگی «راه رشد» در تهران می‌پردازد؛ نهادی معلم‌محور که در ۱۳۷۴ با ۱۴۰۰ سهم اولیه ــ عمدتاً به همت زنان معلم ــ تأسیس شد. داده‌ها شامل دفاتر مالی مدرسه، صورت‌جلسات شش مجمع PB از شهریور ۱۴۰۳ تا اردیبهشت ۱۴۰۴، نظرسنجی آنلاین والدین و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۸ معلم است. تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی سه پیامد همگرا به همراه داشته است: ۱. شفافیت مالی بیشتر و درک عمیق‌تر ذی‌نفعان از ساختار هزینه‌ها؛ ۲. جهت‌گیری نظام‌مند منابع انعطاف‌پذیر به سوی پروژه‌های یادگیری تجربی که توسط دانش‌آموزان و والدین پیشنهاد شد؛ ۳. تقویت حس کارآمدی جمعی در میان معلمان که اکنون هم‌زمان نقش طراح برنامه درسی و شریک مالکیتی را ایفا می‌کنند. اگرچه اجرای آزمایشی در یک مدرسه تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند، شواهد حاکی از آن است که گنجاندن PB در حکمرانی تعاونی می‌تواند اهرمی برای پاسخگویی مالی و فرهنگ یادگیری دموکراتیک باشد. مقاله با پیشنهادهای سیاستی از جمله تفویض رسمی اختیار بودجه‌های خُرد مدرسه‌ای، ایجاد فهرست ملی تسهیل‌گران PB و شاخص‌های عملکردی مبتنی بر منافع اجتماعی آموزشی به جای نمره‌های آزمون خاتمه می‌یابد و پژوهش‌های مقایسه‌ای ترکیبی در سطح استان‌ها را برای آزمون قابلیت تکرار و سنجش پیامدهای دانش‌آموزی مانند خودکارآمدی مدنی و برابری دسترسی توصیه می‌کند.

واژگان کلیدی: بودجه‌ریزی مشارکتی؛ تعاونی آموزشی؛ حکمرانی دموکراتیک مدرسه؛ راه رشد؛ مشارکت والدین و دانش‌آموز

---

[1] . دکترا علوم روانشناختی و رفتاری و مدیر دپارتمان پژوهش و مشاور مدیرعامل مجتمع آموزشی راه رشد

Participatory Budgeting in Cooperative Schools: A Democratic Resource Allocation Mechanism and the Case of Rah-e-Roshd Educational Cooperative

Atrina Ouraei[1]

Participatory budgeting (PB) offers a transparent and democratic mechanism for resource allocation—one still largely absent from most cooperative schools in Iran. Against the backdrop of centralized administrative governance and market-driven financial pressures, this article asks how PB can reinforce the dual commitment of cooperative schools to collective ownership and social equity. Drawing on international literature on PB and the 2015 Memorandum of Understanding between the Ministries of Cooperatives and Education, the article proposes a five-stage framework that aligns the principles of participatory budgeting with the legal budgeting protocols for Iranian schools.

The empirical section of the study focuses on the Rah-e-Roshd Educational and Cultural Cooperative in Tehran, a teacher-led institution founded in 1995 with 1,400 initial shares—primarily by female educators. Data sources include the school's financial records, minutes from six PB assemblies held between August 2024 and May 2025, an online parent survey, and semi-structured interviews with 18 teachers.

Qualitative content analysis reveals three converging outcomes of the PB process:

١. Greater financial transparency and stakeholder understanding of cost structures;
٢. Systematic redirection of flexible resources toward experiential learning projects proposed by students and parents;
٣. Strengthened collective efficacy among teachers, who now serve simultaneously as curriculum designers and co-owners.

Although the single-school pilot limits generalizability, findings suggest that embedding PB in cooperative governance can serve as a powerful lever for fiscal accountability and democratic learning cultures. The article concludes with policy recommendations, including formal delegation of micro-budget authority to schools, establishment of a national roster of PB facilitators, and performance indicators based on educational social benefits rather than test scores. It also calls for mixed-method comparative research across provinces to test replicability and assess student outcomes such as civic self-efficacy and equity of access.

Keywords: Participatory Budgeting, Educational Cooperative, Democratic School Governance, Rah-e-Roshd, Parental and Student Participation

[1] Ph.D. in Psychological and Behavioral Sciences, Head of the Research Department, and Advisor to the CEO of Rah Roshd Educational Complex

ظرفیت اتحادیه‌های تعاونی در مدیریت تعارض منافع؛ رویکردی نهادی و ساختاری

اسفندیار محمدی[1]

در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردمی، تعارض منافع به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی در فرایند تصمیم‌گیری و توزیع منابع مطرح است. اتحادیه‌های تعاونی، به‌عنوان نهادهای میانی و نماینده‌ی تعاونی‌های عضو، می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری، شناسایی و حل تعارض منافع ایفا کنند. این مقاله با هدف بررسی ظرفیت نهادی، ساختاری و کارکردی اتحادیه‌های تعاونی در مدیریت تعارض منافع، با بهره‌گیری از روش تحلیلی – توصیفی و مطالعه موردی برخی اتحادیه‌های فعال در حوزه‌های کشاورزی، مصرف و مسکن، نگاشته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود ساختار دموکراتیک، شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری، نظارت داخلی مؤثر و مکانیسم‌های حل اختلاف، از جمله ظرفیت‌های کلیدی اتحادیه‌ها برای مدیریت تعارض منافع هستند. با این حال، ضعف در چارچوب‌های قانونی، فقدان آموزش تخصصی مدیران، و نفوذ منافع گروهی می‌تواند این ظرفیت‌ها را محدود کند. در پایان، راهکارهایی همچون تقویت نظام‌های نظارت مشارکتی، تدوین دستورالعمل‌های رفتاری، و بازنگری در مقررات حاکم بر تعاونی‌ها، برای ارتقای نقش اتحادیه‌ها در مدیریت تعارض منافع پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعارض منافع، اتحادیه‌های تعاونی، حکمرانی مشارکتی، شفافیت، نظارت مردمی، ساختار دموکراتیک.

۱ . دانشیار دانشگاه ایلام دکتری مدیریت استراتژیک

The Institutional and Structural Capacities of Cooperative Unions in Conflict of Interest Management

Esfandiar Mohammadi[1]

In socio-economic systems grounded in public participation, conflict of interest constitutes a major challenge in decision-making processes and resource allocation. Cooperative unions—intermediary institutions representing member cooperatives—can play a vital role in preventing, identifying, and resolving such conflicts. This article examines the institutional, structural, and functional capacities of cooperative unions in managing conflicts of interest. Utilizing a descriptive-analytical approach and case studies of selected unions in agriculture, consumer, and housing sectors, the study identifies key enabling factors: democratic organizational structures, transparency in decision-making, effective internal oversight, and structured dispute-resolution mechanisms.

However, the findings also reveal limiting factors, including deficiencies in legal frameworks, lack of specialized managerial training, and the infiltration of group interests. The article concludes with strategic recommendations to enhance the role of cooperative unions in conflict management. These include strengthening participatory oversight systems, developing ethical conduct guidelines, and reforming cooperative regulations to better equip unions for institutional conflict governance.

Keywords: Conflict of Interest, Cooperative Unions, Participatory Governance, Transparency, Civic Oversight, Democratic Structures

[1] Associate Professor, Ilam University, Ph.D. in Strategic Management

بررسی اهمیت تعاونی‌های اعتبار در تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط(SMEs)

شعله باقری پرمهر[1]

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از ارکان مهم رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای هستند، اما محدودیت در دسترسی به منابع مالی یکی از موانع اصلی پایداری و رشد آن‌هاست. در این زمینه، تعاونی‌های اعتبار به‌عنوان نهادهای مالی غیردولتی، محلی و عضو محور، می‌توانند نقش کلیدی در پرکردن این خلأ ایفا کنند. این مقاله با هدف بررسی اهمیت این تعاونی‌ها در تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تجربیات بین‌المللی و وضعیت ایران را تحلیل می‌کند. در بخش اول، مفاهیم کلیدی نظیر نهادهای مالی جایگزین، اقتصاد مشارکتی و ویژگی‌های واسطه‌گری مالی تعاونی‌ها بررسی شده‌اند. تعاونی‌های اعتبار با ارائه خدمات مالی خرد، وام‌های گروهی، نرخ بهره مناسب و ارزیابی‌های اعتباری مبتنی بر شناخت اجتماعی، توانسته‌اند جایگاه بانک‌های تجاری را در تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌ویژه در مناطق کمتر خدمات رسیده پر کنند. علاوه بر این، تعاونی‌ها با تقویت "اعتماد اجتماعی"، کاهش هزینه مبادله و بازگرداندن سود به اعضا، زمینه توسعه پایدار کسب وکارهای کوچک را فراهم می‌آورند. تجربه کشورها در اروپا و کانادا نیز نشان می‌دهد که این نهادها با ایجاد رابطه مالی نزدیک با کسب وکارهای کوچک و متوسط و تسهیل دسترسی به وام‌ها، کارآفرینی محلی را تقویت می‌کنند. در بخش دوم، وضعیت ایران تحلیل شده است. هرچند تعاونی‌های اعتباری به‌ویژه در قالب صندوق‌های قرض‌الحسنه فعالیت داشته‌اند، اما نبود چارچوب قانونی منسجم، نظارت ناکافی و عدم پیوند ساختاری با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط موجب شده است که نقش آن‌ها محدود و غیر نظام‌مند باقی بماند. ضعف شفافیت مالی، ناپایداری نهادی و فقدان حمایت سیاست‌گذاران نیز از چالش‌های اصلی به شمار می‌روند. در پایان، مقاله با الهام از تجارب جهانی، پیشنهادهایی برای احیای نقش تعاونی‌های اعتبار در نظام مالی ایران ارائه می‌دهد: تدوین قوانین حمایتی و نظارتی روشن، ایجاد نهاد ناظر مستقل، تقویت شبکه‌سازی بین تعاونی‌ها و آموزش مالی به اعضا و مدیران. یافته‌ها نشان می‌دهد که این تعاونی‌ها قابلیت افزایش دسترسی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به منابع مالی، ارتقای توسعه اقتصادی محلی و کاهش شکاف مالی را دارند.

واژگان کلیدی: کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تعاونی‌های اعتباری، تأمین مالی

[1] . دکتری اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه خاتم

Examining the Importance of Credit Cooperatives in Financing Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs)

Sholeh Bagheri Pormehr[1]

Small and medium-sized enterprises (SMEs) are fundamental pillars of economic growth, job creation, and regional development. However, limited access to financial resources remains one of the main obstacles to their sustainability and expansion. In this context, credit cooperatives—as non-governmental, community-based, and member-oriented financial institutions—can play a critical role in bridging this financing gap. This article aims to explore the importance of credit cooperatives in SME financing by analyzing both international experiences and the current situation in Iran.

The first section addresses key concepts such as alternative financial institutions, the participatory economy, and the distinctive features of financial intermediation in cooperatives. Credit cooperatives, by providing microfinance services, group loans, favorable interest rates, and socially-informed credit evaluations, have increasingly filled the void left by commercial banks in servicing SMEs, particularly in underserved regions. Furthermore, these cooperatives foster "social trust," reduce transaction costs, and reinvest profits back into their member base, thereby contributing to the sustainable development of small businesses.

International experiences, especially in Europe and Canada, demonstrate that credit cooperatives strengthen local entrepreneurship by maintaining close financial relationships with SMEs and facilitating access to credit. The second section focuses on Iran's situation. Although credit cooperatives—primarily in the form of Qard al-Hasan funds—have been active, the absence of a coherent legal framework, weak regulatory oversight, and lack of structural integration with SMEs have hindered their effectiveness and left them largely unorganized. Major challenges also include poor financial transparency, institutional instability, and insufficient support from policymakers.

Drawing on global lessons, the article concludes with several recommendations to revitalize the role of credit cooperatives in Iran's financial system: enacting clear regulatory and supportive legislation, establishing an independent supervisory body, strengthening cooperative networks, and providing financial education to members and managers. The findings suggest that credit cooperatives have the potential to expand SMEs' access to financial resources, promote local economic development, and reduce financial disparities.

Keywords: Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs), Credit Cooperatives, Financial Inclusion

[1] PhD in Economics and faculty member at Khatam University

بانک زمان به‌عنوان مکانیزمی برای سرمایه اجتماعی در اقتصادهای تعاونی تاب‌آور

آترینا اورعی[1]

در دورانی که بی‌ثباتی اقتصادی و نابرابری‌های روبه‌رشد از چالش‌های اصلی جوامع هستند، تعاونی‌ها در سراسر جهان در پی راهکارهای نوآورانه برای تقویت پیوندهای اجتماعی و بهینه‌سازی تخصیص منابع هستند. یکی از این راهکارهای نوین، بانک زمان است؛ سیستمی که در آن افراد به‌جای پول، ساعات کار خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند و بدین‌وسیله ارزشی موازی بر پایه اعتماد و همیاری شکل می‌گیرد. این مقاله به بررسی هم‌راستایی مفهومی و هم‌افزایی عملی بانک زمان با الگوی اقتصاد تعاونی می‌پردازد. با مرور مطالعات موردی بین‌المللی و پروژه‌های آزمایشی نوظهور، نشان می‌دهیم چگونه بانک‌های زمان می‌توانند در ساختارهای تعاونی نهادینه شوند تا: (۱) سرمایه اجتماعی اعضا را افزایش دهند، (۲) اقتصادهای محلی را در برابر بحران‌های نقدینگی مقاوم کنند، (۳) دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به خدمات را گسترش دهند و (۴) فرهنگی از کمک متقابل را نهادینه سازند که در راستای اصول بنیادین تعاون باشد. همچنین چارچوب‌های عملیاتی، مدل‌های حکمرانی و راهبردهای هم پیوندسازی بانک زمان با نظام‌های قانونی و مالی موجود در تعاونی‌های ایران را مورد بحث قرار می‌دهیم. بر اساس داده‌های میدانی و مصاحبه با ذی‌نفعان، مدل مقیاس‌پذیری برای اجرای بانک زمان در تعاونی‌های ایرانی ارائه می‌شود که ابزاری مکمل برای تاب‌آوری اقتصادی و توسعه اجتماعی فراهم می‌آورد. از منافع پیش‌بینی‌شده می‌توان به افزایش مشارکت اعضا، کاهش بیکاری پنهان و تقویت حس همبستگی و اعتماد در شبکه‌های تعاونی اشاره کرد. این مطالعه، رویکردی عملی و مردم‌محور برای ساخت اقتصادهای تعاونی توانمند و مبتنی بر دارایی‌های نامشهود مانند «زمان» و «اعتماد» ارائه می‌دهد که منجر به خلق ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی ملموس خواهد شد.

واژگان کلیدی: بانک زمان، سرمایه اجتماعی، تعاونی، تاب‌آوری، همیاری

۱ . دکترا علوم روانشناختی و رفتاری و مدیر دپارتمان پژوهش و مشاور مدیرعامل مجتمع آموزشی راه رشد

Time Banking as a Mechanism for Social Capital in Resilient Cooperative Economies

Atrina Ouraei[1]

In an era marked by economic instability and growing inequalities, cooperatives around the world are seeking innovative strategies to strengthen social ties and optimize resource allocation. One such emerging strategy is *time banking*—a system in which individuals exchange hours of labor instead of money, thereby creating a parallel value system grounded in trust and mutual aid. This article explores the conceptual alignment and practical synergies between time banking and the cooperative economic model.

By reviewing international case studies and emerging pilot projects, we demonstrate how time banks can be institutionalized within cooperative structures to: (1) increase members' social capital, (2) enhance the resilience of local economies to liquidity crises, (3) expand service access for vulnerable populations, and (4) embed a culture of mutual support aligned with the core principles of cooperation. The article also examines operational frameworks, governance models, and integration strategies for time banks within existing legal and financial systems in Iranian cooperatives.

Based on field data and interviews with stakeholders, we propose a scalable model for implementing time banking in Iranian cooperatives. This model serves as a complementary tool for fostering economic resilience and promoting social development. Anticipated benefits include increased member participation, reduced hidden unemployment, and strengthened solidarity and trust within cooperative networks. This study offers a practical, community-centered approach to building empowered cooperative economies based on intangible assets such as "time" and "trust," ultimately generating tangible social and economic value.

Keywords: Time Banking, Social Capital, Cooperatives, Resilience, Mutual Aid

[1] Ph.D. in Psychological and Behavioral Sciences, Head of the Research Department, and Advisor to the CEO of Rah Roshd Educational Complex

کاربرد مدل تضامن جمعی تعاونی در نظام اعتبارات بانکی: تحلیل مفهومی و تجارب جهانی

جمال سلیمانی[1]

دسترسی به تسهیلات بانکی، به‌ویژه برای اقشار فاقد وثیقه یا اعتبار رسمی، همواره یکی از چالش‌های نظام مالی در کشورهای در حال توسعه بوده است. در این زمینه، مدل تضامن جمعی تعاونی (Joint Liability Cooperative Model) به عنوان رویکردی نوین، امکان بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی و مسئولیت متقابل را برای کاهش ریسک نکول و گسترش اعتباردهی فراهم می‌سازد. این مقاله با هدف تبیین ساختار و ظرفیت‌های این مدل، به بررسی تجارب موفق آن در کشورهایی موفق می‌پردازد. در این مدل، اعضای یک گروه یا تعاونی، به صورت جمعی ضامن بازپرداخت وام یکدیگر بوده و از سازوکارهای خودکنترلی، فشار اجتماعی و اعتبار گروهی برای تضمین ایفای تعهدات استفاده می‌شود. روش تحقیق در این مطالعه تحلیلی - توصیفی بوده و روش گردآوری آمار و اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل تضامن جمعی، نه‌تنها نرخ بازپرداخت را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد، بلکه به توانمندسازی مالی، افزایش اعتماد نهادی، و تقویت سرمایه اجتماعی نیز منجر می‌گردد. در پایان، پیشنهادهایی برای پیاده‌سازی این مدل در نظام اعتباری ایران، با تأکید بر حمایت حقوقی، آموزش مالی و توسعه نهادهای واسط ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تضامن جمعی، تعاونی اعتبار، وام خرد، ضمانت گروهی، سرمایه اجتماعی، نکول، اعتباردهی فراگیر

۱ .دکتری اقتصاد

The Application of the Joint Liability Cooperative Model in Banking Credit Systems: A Conceptual Analysis and Global Experiences

Jamal Soleimani[1]

Access to bank financing—particularly for individuals lacking collateral or formal credit history—remains a persistent challenge in the financial systems of developing countries. In this context, the *Joint Liability Cooperative Model* emerges as an innovative approach that leverages social capital and mutual responsibility to mitigate default risk and expand credit access. This article aims to conceptualize the structure and potential of this model by examining successful experiences across various countries.

In this model, members of a group or cooperative collectively guarantee each other's loan repayments, employing mechanisms such as self-monitoring, social pressure, and group-based creditworthiness to ensure fulfillment of obligations. The research methodology is descriptive-analytical, and data collection is based on library and documentary sources.

Findings reveal that the joint liability model not only significantly improves repayment rates but also contributes to financial empowerment, institutional trust-building, and the strengthening of social capital. The article concludes with policy recommendations for implementing this model within Iran's credit system, emphasizing the need for legal support, financial education, and the development of intermediary institutions.

Keywords: Joint Liability, Credit Cooperatives, Microfinance, Group Guarantee, Social Capital, Default Risk, Inclusive Lending

[1] Ph.D. in Economics

امکان سنجی صنعتی‌سازی در صنعت ساخت‌وساز در کشور با تمرکز بر تعاونی های مسکن

علیرضا جمالی[1]

صنعتی‌سازی در صنعت ساخت‌وساز به عنوان رویکردی مدرن و تحول‌آفرین نقش بی‌بدیلی در ارتقاء کیفیت، افزایش سرعت اجرا، کاهش هزینه‌های نهایی و جبران کمبود نیروی انسانی ایفا می‌کند. در شرایط کنونی کشور که با کاهش حضور کارگران ماهر خارجی و خروج تدریجی نیروی کار فنی روبرو هستیم، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ساخت، به‌ویژه روش‌های صنعتی‌سازی، نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک الزام راهبردی تلقی می‌شود. این مقاله با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، به بررسی اثرات صنعتی‌سازی بر قیمت تمام‌شده پروژه‌ها، زمان اجرا، کیفیت سازه و بهره‌وری منابع انسانی می‌پردازد. همچنین مدل‌های مختلف صنعتی‌سازی از جمله پیش‌ساخته سازی، استفاده از فناوری BIM، چاپ سه‌بعدی، ماژول‌سازی و روباتیک ساخت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، نقش نهادهای تعاونی در بومی‌سازی و توسعه پایدار صنعتی‌سازی تحلیل شده و مزایای آن نسبت به شرکت‌های صرفاً خصوصی از منظر اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تشریح شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی، علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان، موجب ارتقای ایمنی کارگاه‌ها، کاهش وابستگی به نیروی کار سنتی، و افزایش قابلیت کنترل پروژه می‌گردد. همچنین تعاونی‌ها، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و سرمایه‌ای جمعی، می‌توانند به بستری مؤثر برای توسعه صنعتی‌سازی و اجرای پروژه‌های ملی و محلی تبدیل شوند. این مقاله بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های ساخت‌وساز و حرکت به‌سوی فناوری‌محور شدن صنعت ساختمان تأکید دارد و پیشنهادهایی راهبردی برای نهادهای دولتی، بخش خصوصی و تعاونی‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: صنعتی‌سازی، صنعت ساختمان، تعاونی‌های مسکن

۱ دانشجوی دکترای بازاریابی DBA و رئیس کمیسیون تخصصی مسکن و خدمات فنی مهندسی

Feasibility of Industrialization in the Construction Sector in Iran with a Focus on Housing Cooperatives

Alireza Jamali[1]

Industrialization in the construction sector represents a modern and transformative approach with unparalleled potential to improve quality, accelerate project execution, reduce final costs, and compensate for labor shortages. Given the current national context—marked by the decreasing presence of skilled foreign workers and the gradual exit of domestic technical labor—the adoption of advanced construction technologies, particularly industrialized methods, is not only an economic necessity but also a strategic imperative.

This article employs an analytical and comparative approach to examine the impacts of industrialization on project cost, execution time, structural quality, and human resource productivity. Various industrial construction models are reviewed, including prefabrication, Building Information Modeling (BIM), 3D printing, modularization, and construction robotics.

The study further analyzes the role of cooperative institutions in localizing and sustainably advancing industrialization, outlining their advantages over purely private companies from economic, social, and managerial perspectives. The findings indicate that industrialization leads to cost and time savings, improved worksite safety, reduced reliance on traditional labor, and enhanced project control capabilities. Moreover, housing cooperatives—by leveraging collective human and financial resources—can become effective platforms for promoting industrialization and implementing national and local projects.

The article underscores the urgent need to revise construction policies and move toward a technology-driven building sector, offering strategic recommendations for government agencies, the private sector, and cooperatives alike.

Keywords: Industrialization, Construction Industry, Housing Cooperatives

[1] DBA Student in Marketing and Chair of the Specialized Commission on Housing and Technical Engineering Services

روش‌های نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در مقابله با فقر: مطالعه تطبیقی با تمرکز بر بخش تعاون

سید هادی موسوی نیک[1]

با وجود تلاش‌های گسترده دولت‌ها در کاهش فقر، تجربه جهانی نشان داده است که اتکای صرف به سیاست‌های دولتی اغلب ناکافی است و مشارکت فعال بخش غیردولتی – از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها، تعاونی‌ها، کسب‌وکارهای اجتماعی، و شرکت‌ها در قالب مسئولیت اجتماعی – نقشی مکمل و گاه پیش‌برنده در این مسیر ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی روش‌های نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در مقابله با فقر، با تمرکز تطبیقی بر تجربیات جهانی و تحلیل وضعیت ایران، می‌پردازد. مطالعه حاضر ابتدا به تبیین چارچوب مفهومی فقر، بخش غیردولتی، و الگوهای مشارکت چند بازیگری می‌پردازد. سپس با بهره‌گیری از تجربیات تطبیقی در کشورهایی چون هند، بنگلادش، برزیل و آفریقای جنوبی، به تحلیل مهم‌ترین روش‌های ایفای نقش بخش غیردولتی پرداخته می‌شود. این روش‌ها شامل: ارائه خدمات اجتماعی پایه مانند آموزش و سلامت؛ توسعه کسب‌وکارهای خرد و اشتغال‌زایی محلی؛ تأمین مالی خرد و تسهیل دسترسی به منابع؛ توانمندسازی زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر؛ آموزش مهارت‌های زندگی و شغلی؛ مشارکت در سیاست‌گذاری اجتماعی؛ و ایجاد و توسعه بازارهای خاص فقرا است. در این نوع بازارها، بخش غیردولتی با شناخت نیازها و ظرفیت‌های گروه‌های کم‌درآمد، کالاها و خدمات مقرون‌به‌صرفه طراحی می‌کند و به زنجیره‌های ارزش محلی رونق می‌بخشد. کسب‌وکارهای اجتماعی نیز با تمرکز هم‌زمان بر اهداف اقتصادی و اجتماعی، در این حوزه نقشی راهبردی دارند. بخش تعاون به‌عنوان یکی از ساختارهای دیرپا و مشارکت‌محور در اقتصاد، ظرفیت بالایی برای کاهش فقر دارد. تعاونی‌ها از طریق مالکیت جمعی، توزیع منافع درون‌گروهی، و تمرکز بر عدالت اجتماعی، می‌توانند به ارتقاء معیشت خانوارهای کم‌درآمد کمک کنند. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که تعاونی‌های موفق اغلب با شبکه‌سازی، آموزش اعضا و دسترسی به بازارهای هدف، به بهبود پایدار درآمد و رفاه اعضا دست یافته‌اند. در بخش دوم مقاله، وضعیت ایران بررسی می‌شود. با وجود اقدامات گسترده برخی نهادهای خیریه و بنیادهای بزرگ نظیر بنیاد برکت، کمیته امداد و برخی تعاونی‌های موفق محلی، نقش ساختاریافته و پایدار بخش غیردولتی در سیاست‌های فقرزدایی همچنان محدود است. چالش‌هایی همچون ضعف نهادسازی، نبود مشوق‌های قانونی و مالیاتی، بی اعتمادی عمومی و محدودیت مشارکت سمن‌ها از موانع اصلی به شمار می‌رود. در پایان، مقاله ضمن تحلیل تطبیقی فرصت‌ها و موانع، مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی برای ارتقای نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در ایران ارائه می‌دهد. یافته‌های مقاله تأکید می‌کنند که کاهش پایدار فقر نیازمند حکمرانی مشارکتی و هم‌افزایی میان بازیگران متنوع غیردولتی است.

واژگان کلیدی: تعاونی، فقرزدایی، عدالت اجتماعی

۱ دکتری اقتصاد و عضو هیات علمی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

Methods of Non-Governmental Sector Participation in Combating Poverty: A Comparative Study with a Focus on the Cooperative Sector

Seyed Hadi Mousavi Nik[1]

Despite extensive efforts by governments to reduce poverty, global experience has shown that reliance solely on state policies is often insufficient. Active involvement of the non-governmental sector—including NGOs, charities, cooperatives, social enterprises, and companies through corporate social responsibility—plays a complementary and at times leading role in this domain. This article investigates methods of non-governmental engagement in poverty alleviation, focusing comparatively on global experiences and an analysis of the Iranian context.

The study first outlines the conceptual framework of poverty, the non-governmental sector, and multi-stakeholder participation models. Drawing on comparative experiences from countries such as India, Bangladesh, Brazil, and South Africa, the paper analyzes key approaches employed by non-governmental actors. These include the provision of basic social services (such as education and healthcare); promotion of microenterprises and local employment; microfinance and improved access to resources; empowerment of women and vulnerable groups; life skills and vocational training; participation in social policymaking; and the creation of pro-poor markets. In such markets, the non-governmental sector designs affordable goods and services tailored to the needs and capacities of low-income populations, thereby revitalizing local value chains. Social enterprises also play a strategic role by simultaneously targeting economic and social goals.

As a long-standing participatory structure, the cooperative model possesses significant potential for poverty alleviation. Through collective ownership, intra-group benefit sharing, and a strong emphasis on social justice, cooperatives can help improve the livelihoods of low-income households. Experiences from developing countries show that successful cooperatives frequently combine networking, member training, and market access to achieve sustainable income growth and welfare improvements.

In the second part of the article, the Iranian context is examined. Although major philanthropic foundations such as the Barakat Foundation and the Imam Khomeini Relief Foundation, along with some successful local cooperatives, have made notable contributions, the structural and sustainable role of the non-governmental sector in poverty reduction policies remains limited. Key challenges include weak institutionalization, lack of legal and fiscal incentives, public distrust, and restrictions on NGO participation.

The article concludes with a comparative analysis of opportunities and constraints, offering a set of policy recommendations to enhance non-governmental engagement in Iran. The findings underscore the necessity of participatory governance and synergy among diverse non-governmental actors to achieve sustainable poverty alleviation.

Keywords: Cooperative, Poverty Alleviation, Social Justice

[1] Ph.D. in Economics and Faculty Member, Research Center of the Islamic Consultative Assembly (Parliament)

تعاونی‌ها از دریچه نگاه سازمان بین‌المللی کار: تحلیل نقش اقتصاد تعاونی در تحقق کار شایسته و توسعه پایدار

غلامحسین حسینی‌نیا[1]

اقتصاد تعاونی به عنوان یکی از بخش‌های حیاتی اقتصاد جهانی، نقش مهمی در توسعه پایدار، کاهش فقر و ارتقای عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. سازمان بین‌المللی کار (ILO) از همان ابتدای تأسیس خود در سال ۱۹۱۹، توجه ویژه‌ای به تعاونی‌ها به عنوان ابزاری برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران داشته است. این مقاله با هدف تحلیل جامع رویکرد سازمان بین‌المللی کار به تعاونی‌ها و بررسی تکامل دیدگاه‌های این سازمان نسبت به اقتصاد تعاونی از زمان تأسیس تا به امروز انجام شده است. مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد تحلیلی – توصیفی و بررسی جامع اسناد، گزارش‌ها و انتشارات ILO ، اسناد و سیاست‌های کلیدی این سازمان در حوزه اقتصاد تعاونی را مورد تحلیل قرار داده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ILO طی بیش از یک قرن فعالیت خود، رویکردی جامع و تکاملی نسبت به اقتصاد تعاونی اتخاذ کرده و از طریق وضع اسناد، سیاست‌ها و برنامه‌های متنوع، از توسعه این بخش حمایت کرده است. مهم‌ترین دستاورد ILO در این زمینه، تصویب توصیه شماره ۱۹۳ در سال ۲۰۰۲ با عنوان "ارتقای تعاونی‌ها" است که چارچوب جامعی برای حمایت از تعاونی‌ها در قرن بیست و یکم ارائه می‌دهد. مقاله همچنین نشان می‌دهد که رویکرد ILO به تعاونی‌ها تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌گذاری‌های ملی کشورها داشته و به توسعه اقتصاد تعاونی در سطح جهانی کمک شایانی کرده است. با این حال، چالش‌هایی همچون شکاف اطلاعاتی و نیاز به بهبود آمار و اطلاعات مربوط به تعاونی‌ها همچنان وجود دارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد تعاونی، سازمان بین‌المللی کار، توسعه پایدار، کار شایسته، توصیه شماره ۱۹۳

۱ دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران و نماینده وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در سازمان بین المللی کار HOSSEININIA@UT.AC.IR

Cooperatives Through the Lens of the International Labour Organization (ILO): An Analysis of the Role of the Cooperative Economy in Advancing Decent Work and Sustainable Development

Gholamhossein Hosseini-Nia[1]

The cooperative economy, as a vital component of the global economy, plays a significant role in sustainable development, poverty reduction, and the promotion of social justice. Since its establishment in 1919, the International Labour Organization (ILO) has paid particular attention to cooperatives as instruments for improving workers' living and working conditions. This article aims to provide a comprehensive analysis of the ILO's approach to cooperatives and to examine the evolution of its perspective on the cooperative economy from inception to the present.

Employing a descriptive-analytical method and a thorough review of ILO documents, reports, and publications, this study analyzes key policies and instruments issued by the organization in the cooperative domain. The findings indicate that over more than a century, the ILO has adopted a comprehensive and evolving approach toward the cooperative economy. Through the formulation of various instruments, policies, and programs, it has actively supported the growth of the sector. The most prominent achievement in this regard is the adoption of Recommendation No. 193 in 2002, titled "Promotion of Cooperatives," which provides a robust framework for supporting cooperatives in the 21st century.

Furthermore, the article highlights the considerable influence of ILO policies on national-level policymaking, which has significantly contributed to the global development of cooperative economies. Nonetheless, challenges such as data gaps and the need for improved statistics and information on cooperatives remain areas requiring further attention.

Keywords: Cooperative Economy, International Labour Organization, Sustainable Development, Decent Work, Recommendation No. 193

[1] Associate Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, and Representative of the Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare at the International Labour Organization, E-mail:HOSSEININIA@UT.AC.IR

تعاونی‌های اجتماعی راهبردی برای توانمندسازی گروه‌های محروم و آسیب دیده

محمد خضری[۱]

تعاونی‌های اجتماعی از یک طرف در واکنش به تبعات سلطه جهانی نئولیبرالیسم و به همراه آن، افول دولت رفاه پدیدار شدند. از طرف دیگر، تعاونی‌های اجتماعی بخشی از واکنش جامعه مدنی در زمانی هستند که شرایط اقتصادی برای بسیاری از افراد و گروه‌های اجتماعی مساعد نباشد. این شکل از تعاونی‌ها که اغلب از شکست‌های دولت و بازار در تدارک خدمات اجتماعی مناسب ناشی می‌شوند، خدمات اجتماعی (رفاهی، بهداشتی، آموزشی و اینها) را برای افراد و گروه‌های محروم و آسیب‌دیده به‌ویژه کودکان، سالمندان، معلولان، معتادان و زندانیان ارائه می‌دهند. تعاونی‌های اجتماعی بعضاً با توانمندسازی این افراد و گروه‌ها بستر لازم برای ورود دوباره آنها به بازار کار را نیز فراهم می‌آورند. در تعاونی‌های اجتماعی یک اصل اخلاقی نهفته است و آن اینکه مردم از سودها مهم‌ترند و در جامعه اولویت بر مردم است تا سود. در واقع، در حالی که همه تعاونی‌ها برای منفعت رساندن به اعضا وجود دارند، تعاونی‌های اجتماعی بنا به تعریف، به‌شدت بر اهداف *اجتماعی* تعاونی نیز تأکید دارند که فراتر از هدف منفعت رساندن به اعضا است. مشکلات گسترده اجتماعی و اقتصادی و چالش‌های پیش روی ایران از یک طرف و روحیه کنش جمعی برای کمک به محرومان و آسیب‌دیدگان از طرف دیگر بستر اجتماعی مناسبی برای شکل‌گیری و موفقیت تعاونی‌های اجتماعی در کشور است. واقعیت آن است که دولت نمی‌تواند به تنهایی از عهده مشکلات اجتماعی که اکنون در کشور وجود دارند و چالش‌هایی که در آینده در نتیجه تحولات مختلف فناوری و جز اینها به وجود می‌آیند، برآید. در این مقاله استدلال شده که تعاونی‌های اجتماعی راهبردی اثربخش و مسیری کم‌هزینه برای توانمندسازی گروه‌های محروم و آسیب‌دیده و تعدیل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در ایران هستند. در بخش نخست مقاله ابتدا به توصیف چیستی تعاونی‌های اجتماعی پرداخته شده است. همچنین، کارکردهای اقتصاد اجتماعی این شکل از تعاونی‌ها به‌ویژه برای توانمندسازی افراد و گروه‌های محروم و آسیب‌دیده تبیین می‌شود. سپس نسبت تعاونی‌های اجتماعی و کسب وکارهای اجتماعی و تجربه آن‌ها در چند کشور پیشرو مرور شده است. در بخش دوم مقاله به سپهر اقتصاد اجتماعی و ضرورت تشکیل تعاونی‌های اجتماعی در ایران پرداخته شده است. در پایان نیز بیم‌ها و امیدها و بعضاً موانع بر سر ایجاد و عملکرد تعاونی‌های اجتماعی در ایران تبیین و تحلیل شده است. یافته مقاله آن است که گفتمان‌سازی تعاونی‌های اجتماعی و اقدامات قانونی و سیاستی از سوی دولت برای شکل‌گیری و توسعه تعاونی‌های اجتماعی، یک راهبرد مؤثر برای کاهش بار هزینه تدارک رفاه اجتماعی، رویاروی با مشکلات و چالش‌های بالفعل و بالقوه ناشی از کمبود خدمات رفاه اجتماعی و توانمندسازی افراد و گروه‌های محروم و آسیب دیده در کشور است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اجتماعی، تعاونی، تعاونی‌های اجتماعی، کسب وکارهای اجتماعی، گروه‌های محروم و آسیب دیده

۱ دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب: khezri۳۸۰@gmail.com

Social Cooperatives as a Strategic Approach to Empowering Marginalized and Vulnerable Groups

Mohammad Khezri[1]

Social cooperatives emerged, on one hand, as a reaction to the global dominance of neoliberalism and the consequent decline of the welfare state. On the other hand, they represent a civil society response in times of economic hardship for many individuals and social groups. These cooperatives typically arise where the state and market have failed to adequately provide social services and aim to deliver essential services (such as welfare, healthcare, and education) to marginalized and vulnerable groups, including children, the elderly, people with disabilities, individuals with addiction, and former prisoners. In many cases, social cooperatives also contribute to the empowerment of these groups by facilitating their reintegration into the labor market.

A moral principle lies at the heart of social cooperatives: people matter more than profit, and society prioritizes human needs over capital gains. While all cooperatives aim to benefit their members, social cooperatives are inherently committed to broader social goals that go beyond member-centric benefit. The extensive socio-economic challenges in Iran, coupled with a strong culture of collective action and solidarity with the underprivileged, provide a fertile ground for the development and success of social cooperatives in the country.

This article argues that social cooperatives are an effective and low-cost strategy for empowering disadvantaged populations and addressing a range of social problems in Iran. The first section defines social cooperatives and explores their role within the broader social economy, particularly in empowering vulnerable groups. It also examines the relationship between social cooperatives and social enterprises, drawing on international best practices. The second section focuses on the state of the social economy in Iran and the need to establish social cooperatives. Finally, the article analyzes the opportunities, challenges, and obstacles to the formation and operation of such cooperatives in Iran. The findings suggest that promoting the discourse around social cooperatives and enacting supportive legal and policy measures can help reduce the financial burden of welfare provision, respond to existing and emerging social service gaps, and empower marginalized populations.

Keywords: Social Economy, Cooperatives, Social Cooperatives, Social Enterprises, Marginalized and Vulnerable Groups

[1] Ph.D. in Economics, Faculty Member, Islamic Azad University, Tehran South Branch, E-mail: khezri۳۸۰@gmail.com

تاب‌آوری و پایداری الگوهای تعاونی در ایران: تحلیل چالش‌ها، راهکارها و چشم‌انداز آینده با رویکردی نوآورانه

عبدالله بهرامی [1]

این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل ظرفیت‌های چندبعدی تعاونی‌ها در پشتیبانی و توسعه پایدار کسب‌وکارهای خرد انجام شده‌است. در جهانی که کسب‌وکارهای خرد به‌عنوان موتور محرک اشتغال و نوآوری شناخته می‌شوند، بقا و رشد آن‌ها با چالش‌های ساختاری نظیر کمبود سرمایه، دسترسی محدود به بازار و ضعف در دانش فنی مواجه است. این مقاله استدلال می‌کند که مدل تعاونی، فراتر از یک ابزار تأمین مالی، یک اکوسیستم حمایتی جامع برای این کسب‌وکارها فراهم می‌آورد. روش تحقیق این پژوهش، ترکیبی (کمی و کیفی) با رویکردی کاربردی است که از طریق تحلیل اسنادی، مطالعات موردی تعاونی‌های موفق در ایران و جهان و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از مدیران تعاونی‌ها و صاحبان کسب‌وکارهای خرد عضو، به گردآوری داده پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌ها از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی، تسهیل دسترسی به اعتبارات خرد، اشتراک‌گذاری منابع و ریسک، تقویت قدرت چانه‌زنی در زنجیره ارزش و ایجاد کانال‌های بازاریابی جمعی، نقشی حیاتی در توانمندسازی این کسب‌وکارها ایفا می‌کنند. تحلیل SWOT نیز نقاط قوت کلیدی مانند انعطاف‌پذیری و اعتماد متقابل و ضعف‌هایی چون چالش‌های مدیریتی و دیجیتالی‌سازی را آشکار ساخت. نتیجه‌گیری نهایی مؤید آن است که تعاونی‌ها به‌عنوان یک "نهاد سوم" در کنار دولت و بخش خصوصی، ابزاری استراتژیک برای نیل به توسعه اقتصادی فراگیر و ایجاد اقتصاد تاب‌آور بومی، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، محسوب می‌شوند.

تعاونی، کسب‌وکار خرد، توسعه محلی، سرمایه اجتماعی، زنجیره ارزش، اقتصاد مشارکتی، تأمین مالی خرد، تاب‌آوری اقتصادی، اکوسیستم کارآفرینی

۱ . مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی های تولیدکنندگان فرش دستباف ایران

Resilience and Sustainability of Cooperative Models in Iran: Challenges, Strategies, and Future Outlook through an Innovative Lens

Abdollah Khezri[1]

This study aims to explore and analyze the multidimensional capacities of cooperatives in supporting and fostering the sustainable development of micro-enterprises. In a global context where micro-businesses are considered engines of employment and innovation, their survival and growth are often hindered by structural challenges such as limited access to capital, markets, and technical expertise. The article argues that the cooperative model offers more than just a financial mechanism; it constitutes a comprehensive support ecosystem for these enterprises.

Using a mixed-methods approach (quantitative and qualitative), this applied research draws on document analysis, case studies of successful cooperatives in Iran and internationally, and semi-structured interviews with 30 cooperative managers and micro-business owners. The findings reveal that cooperatives play a vital role in empowering micro-enterprises by fostering social capital, facilitating access to microcredit, sharing resources and risk, strengthening bargaining power within value chains, and creating collective marketing channels.

A SWOT analysis further highlights key strengths such as flexibility and mutual trust, alongside weaknesses including managerial challenges and a lack of digital transformation. The study concludes that cooperatives, as a "third sector" alongside government and private actors, serve as a strategic vehicle for inclusive economic development and building a resilient local economy—especially in underdeveloped regions.

Keywords: Cooperatives, Micro-enterprises, Local Development, Social Capital, Value Chain, Participatory Economy, Microfinance, Economic Resilience, Entrepreneurial Ecosystem

[1] CEO of the National Union of Handmade Carpet Producers' Cooperatives of Iran

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در استفاده از ظرفیت شرکت‌های تعاونی

مریم کیوانی[۱]

علیرضا شفقی[۲]

توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در تعاونی‌ها و استفاده مناسب از ظرفیت آنها، نیازمند شناخت کافی از عوامل تأثیرگذار بر ابعاد کارآفرینی در تعاونی‌ها است. هدف این پژوهش شناخت عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی شرکت‌های تعاونی، سنجش میزان تأثیر هر کدام از عوامل شناسایی شده و اولویت‌بندی آنهاست. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی است و جامعه آماری موردنظر، مدیران بخش تعاون و کارآفرینی شاغل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تعداد ۸۴ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۶۹ نفر تعیین گردید که به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی ساده، انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها برای سنجش توسعه کارآفرینی و ارزیابی عوامل مؤثر بر آن، از دو پرسش‌نامه مجزا جمعاً با ۵۵ سؤال استفاده گردید. روایی پرسش‌نامه مذکور با استفاده از نظرات متخصصان، اساتید و خبرگان تأیید شد و برای تعیین پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده به عمل آمد که مقدار به دست آمده برای هر خرده مقیاس بزرگ‌تر از ۰/۸ بود که نشان داد پرسش‌نامه از پایایی بالایی برخوردار است. روش مورد استفاده تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی و استنباطی بود و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Smart pls انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی جهت آزمون فرضیه‌ها و بررسی صحت مدل استفاده شده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش pls استفاده شد.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد که شش عامل در توسعه کارآفرینی شرکت‌های تعاونی مؤثر هستند. اولویت‌بندی بر اساس حداکثر بار عاملی یا اثر مستقیم انجام شد و به ترتیب عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، سازمانی، آموزشی و روان‌شناختی در اولویت اول تا ششم قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: توسعه کارآفرینی، عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی، شرکت تعاونی.

۱ کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی Email:Keivani1347@yahoo.com

۲ علیرضا شفقی دکتری آگرواکولوژی Email:Shafaghi20@gmail.com

Prioritization of Factors Influencing the Development of Entrepreneurship through the Capacities of Cooperative Enterprises

Maryam Keyvani[۱], Alireza Shafaghi[۲]

The development of entrepreneurial activities within cooperatives and the effective utilization of their capacities require a thorough understanding of the factors influencing various dimensions of entrepreneurship. This study aims to identify the key factors affecting entrepreneurial development in cooperative enterprises, assess their impact levels, and prioritize them accordingly. The research adopts a descriptive-survey method. The statistical population includes 84 managers working in the cooperative and entrepreneurship departments of the Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare. Based on Morgan's table, a sample size of 69 participants was determined and selected through stratified random sampling.

Data collection was conducted using two separate questionnaires—comprising a total of 55 items—to assess entrepreneurial development and evaluate its influencing factors. The validity of the questionnaires was confirmed through expert review, and their reliability was verified using Cronbach's alpha, with all subscales scoring above 0.80, indicating high reliability. Data were analyzed using both descriptive and inferential statistics via SPSS and SmartPLS software. Descriptive statistics included frequency, percentage, mean, variance, and standard deviation; inferential analysis was conducted through structural equation modeling (SEM) using the PLS approach.

The results of hypothesis testing revealed six main factors influencing entrepreneurship development in cooperatives. Prioritization based on the highest factor loading (direct effect) ranked the factors as follows: economic, political, social, organizational, educational, and psychological.

Keywords: Entrepreneurship Development, Influencing Factors, Cooperative Enterprises

[۱] Master's Degree in Entrepreneurship Management, Email: Keivani1347@yahoo.com
[۲] Alireza Shafaghi, PhD in Agroecology, Email: Shafaghi20@gmail.com

تأثیر تعاون بر توسعه منابع انسانی کشور

محمد وفایی یگانه[1]

در دنیای امروز که سازمان‌ها با چالش‌های پیچیده‌ای؛ مانند جهانی‌سازی و تغییرات سریع فناوری مواجه هستند، تعاونی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد هماهنگی، توسعه منابع انسانی(HRD) و تقویت عملکرد سازمانی شناخته می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر به بررسی آثار کسب وکارهای تعاونی بر توسعه منابع انسانی می‌پردازد. روش بررسی موضوع کیفی و تحلیل مضمون است. جامعه آماری متخصصان و خبرگان حوزه تعاون و مدیران بخش تعاون کشور هستند. در مقاله تأثیر تعاون بر مؤلفه‌هایی همچون ۱- آموزش و بهبود مهارت‌ها، ۲- تعهد و انگیزه کارکنان، ۳-شایستگی و تخصص، ۴- سازگاری و انعطاف‌پذیری، ۵- مدیریت عملکرد، ۶- پشتیبانی زیرساختی، ۷- مشارکت ذی‌نفعان، ۸- نوآوری و خلاقیت، ۹- بهره‌وری کارکنان، ۱۰- فرهنگ سازمانی و ۱۱- رهبری، بررسی و راستی‌آزمایی می‌شود. در خاتمه، راهکارهای عملی و علمی برای توسعه بخش تعاون کشور ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: تعاونی، توسعه منابع انسانی. مهارت‌آموزی. بهره‌وری کارکنان.

[1] عضو هیات علمی دانشگاه ایلام. دانشکده علوم انسانی. گروه مدیریت. Mv.yegane@ilam.ac.ir

The Impact of Cooperatives on Human Resource Development in Iran

Mohammad Vafaee Yeganeh[1]

In today's world, where organizations face complex challenges such as globalization and rapid technological change, cooperatives are increasingly recognized as mechanisms for fostering coordination, advancing human resource development (HRD), and enhancing organizational performance. This article explores the impact of cooperative enterprises on various dimensions of HRD in Iran. The study employs a qualitative thematic analysis approach, with participants comprising experts in the cooperative sector and managers from Iran's cooperative institutions.

The article examines and validates the influence of cooperatives on eleven key HRD components: (1) training and skill enhancement, (2) employee commitment and motivation, (3) competency and expertise, (4) adaptability and flexibility, (5) performance management, (6) infrastructural support, (7) stakeholder participation, (8) innovation and creativity, (9) employee productivity, (10) organizational culture, and (11) leadership. Finally, the article presents practical and scholarly recommendations for advancing the cooperative sector as a driver of national human capital development.

Keywords: Cooperative, Human Resource Development, Skills Training, Employee Productivity

[1] Faculty Member, Ilam UniversityFaculty of Humanities, Department of Management, Email: Mv.yegane@ilam.ac.ir

نقشه راه ملی تعاونی‌های توسعه و عمران شهرستانی؛ چارچوبی برای مردمی‌سازی توسعه و تحقق عدالت منطقه‌ای

محی‌الدین اسعدی[1]

در پاسخ به ضرورت مردمی‌سازی توسعه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی در اقتصاد ملی، شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران شهرستان‌ها به‌عنوان نهادهای واسط میان دولت و مردم، قابلیت ایفای نقش مؤثری در تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اجرای برنامه هفتم توسعه را دارا هستند. این مقاله با هدف تبیین نقشه راه ملی برای توانمندسازی این تعاونی‌ها، به ارائه‌ی چارچوبی جامع شامل تحلیل محیطی، اهداف کلان، راهبردها، فازهای اجرایی و الزامات حقوقی و نهادی می‌پردازد. نقشه راه ارائه‌شده با بهره‌گیری از مدل هدف‌گذاری سه سطحی، مسیرهای پنج‌گانه‌ی تحول‌آفرین، اصلاح قوانین، تشکیل اتحادیه‌های تخصصی و طراحی نظام‌های رتبه‌بندی، تلاش دارد تا بستر تحقق عدالت منطقه‌ای، خلق فرصت‌های شغلی پایدار و مشارکت مؤثر مردم در توسعه محلی را فراهم سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اجرای این چارچوب نیازمند هم‌افزایی نهادهای دولتی، تدوین مقررات تکمیلی، حمایت مالی هدفمند و ظرفیت‌سازی گسترده در سطح مدیران و سهام‌داران تعاونی‌هاست. این نقشه راه می‌تواند به‌عنوان الگوی ملی توسعه مشارکتی با قابلیت بومی‌سازی در سایر کشورها نیز مطرح شود.

واژگان کلیدی: تعاونی توسعه و عمران، برنامه هفتم توسعه، عدالت منطقه‌ای، مشارکت مردمی، مدل سه سطحی هدف‌گذاری، کنسرسیوم تعاونی

[1] مدیرعامل تعاونی توسعه و عمران شهرستان قم

The National Roadmap for County Development Cooperatives: A Framework for Participatory Development and Regional Equity

Mohyeddin As'adi[1]

In response to the growing need for participatory development and leveraging local capacities in the national economy, County Development Cooperatives in Iran have emerged as intermediary institutions between the government and the people. These cooperatives are positioned to play a pivotal role in the implementation of Article 44 of the Iranian Constitution and the Seventh National Development Plan. This article aims to present a comprehensive national roadmap for empowering these cooperatives by outlining an integrated framework that includes environmental analysis, strategic objectives, policy directions, implementation phases, and legal-institutional prerequisites.

The roadmap is built on a three-tiered goal-setting model, five transformative pathways, legislative reforms, the formation of specialized unions, and the design of performance ranking systems. It seeks to promote regional equity, generate sustainable employment opportunities, and foster effective citizen participation in local development. Findings suggest that the success of this framework depends on inter-institutional synergy, complementary regulatory frameworks, targeted financial support, and capacity building among cooperative managers and shareholders. Moreover, the proposed roadmap offers a scalable model of participatory development that may be adapted in other national contexts.

Keywords: County Development Cooperatives, Seventh National Development Plan, Regional Equity, Public Participation, Three-Tier Goal-Setting Model, Cooperative Consortium

[1] CEO of the Development and Reconstruction Cooperative of Qom County

ظرفیت بخش تعاون در توسعه بیمه تکافل

معصومه قربانی سنجدری[۱]

مقاله حاضر به بررسی ظرفیت و توانمندی بخش تعاون برای توسعه بیمه تکافل به عنوان مدل بیمه‌ای اسلامی و مبتنی بر مشارکت و همکاری جمعی می‌پردازد. رویکرد مقاله، ترکیبی از تحلیل کیفی اسنادی و مرور ادبیات مرتبط با بیمه تکافل و تعاونی‌ها است. در این مطالعه به بررسی مدل‌های تعاونی موجود در بیمه تکافل و چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل‌های تعاونی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت بیمه تکافل ایفا کنند؛ چرا که با فراهم کردن ساختاری مبتنی بر مالکیت جمعی، مشارکت اعضا و تقسیم ریسک، به افزایش اعتماد و وفاداری اعضا کمک می‌کنند. همچنین ظرفیت‌های مالی، مدیریتی و شبکه‌های گسترده تعاونی‌ها، زمینه مناسبی برای گسترش بیمه تکافل فراهم می‌آورد. در این مقاله محدودیت‌ها و مشکلات مربوط به توسعه و تقویت بیمه تکافل نیز بررسی شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ضعف شناخت و آگاهی مدیران و برنامه‌ریزان و نیز آحاد جامعه از توانمندی بیمه تکافل، مشکلات قانونی و ساختاری و مقررات موجود، ضعف در مدیریت برخی تعاونی‌ها، کمبود آگاهی اعضا. نتایج مقاله حاضر حاکی از آن است که استفاده از مدل تعاونی در بیمه تکافل می‌تواند علاوه بر توسعه پایدار اقتصادی، به تحقق اهداف اجتماعی و شرعی بیمه اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: تعاونی، بیمه تکافل، بیمه اسلامی، مشارکت و همکاری جمعی.

۱ کارشناس بیمه تجارت نو. M.GHRBANI.S@GMAIL.COM

The Role of the Cooperative Sector in the Development of Takaful Insurance

Masoumeh Ghorbani Senjedari[1]

This article examines the capacity and potential of the cooperative sector to advance Takaful insurance as an Islamic, participatory, and solidarity-based model of risk coverage. The study adopts a mixed qualitative-documentary approach and a review of the relevant literature on both Takaful insurance and cooperative models. It explores existing cooperative frameworks within Takaful systems, as well as the key opportunities and challenges facing its expansion.

Findings indicate that cooperative models can play a critical role in strengthening Takaful insurance by offering structures rooted in collective ownership, member participation, and risk-sharing, thereby enhancing trust and loyalty among members. The financial and managerial capacities of cooperatives, along with their widespread networks, provide a strong foundation for the growth of Takaful. The article also identifies several limitations, including low public and institutional awareness of Takaful's potential, legal and regulatory obstacles, weak management practices in some cooperatives, and limited member education.

The results suggest that leveraging cooperative models in Takaful insurance not only contributes to sustainable economic development but also advances the social and religious objectives of Islamic insurance.

Keywords: Cooperative, Takaful Insurance, Islamic Insurance, Collective Participation and Solidarity

[1] Insurance Expert at Tejarat No, E-mail:M.GHRBANI.S@GMAIL.COM

بررسی نقش شرکت تعاونی شباهنگ در توسعه منطقه‌ای با تأکید بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی شهرستان شهریار

قاسم محمدی[1]

شرکت‌های تعاونی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در توسعه متوازن و پایدار مناطق روستایی شناخته می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار در توسعه منطقه‌ای انجام شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق منابع میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه با اعضا و مدیران تعاونی) و اسنادی گردآوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت شباهنگ به‌عنوان یک نهاد مردم‌نهاد و با استفاده از خرد جمعی، مشارکت اعضا و برگزاری دوره‌های آموزشی و با ارائه خدمات چندوجهی از جمله واحدهای اعتباری، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، خدمات اقامتی و آموزشی، نقشی کلیدی در افزایش رفاه اقتصادی، کاهش مهاجرت روستایی، ارتقای سطح تحصیلات و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و ورزشی منطقه ایفا کرده است. همچنین فعالیت‌های نوآورانه شرکت در حوزه کشاورزی پایدار و کارآفرینی محلی، به ارتقای ظرفیت‌های تولیدی منطقه کمک شایانی کرده‌اند. در نهایت، یافته‌ها بیانگر آن است که تعاونی شباهنگ می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق برای توسعه منطقه‌ای مبتنی بر مشارکت مردمی و منابع محلی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه منطقه‌ای، شرکت تعاونی شباهنگ، توانمندسازی روستایی، خدمات چندمنظوره، شهریار

۱. مدیر عامل تعاونی روستایی شباهنگ شهریار

The Role of Shabahang Cooperative Company in Regional Development with Emphasis on Economic and Social Empowerment in Shahriar County

Ghasem Mohammadi[1]

Cooperative enterprises are recognized as effective instruments for balanced and sustainable development in rural areas. This study aims to examine the role of the Shabahang Rural Cooperative Company in the regional development of Shahriar County. Adopting a descriptive-analytical methodology, data were collected through fieldwork (including questionnaires and interviews with members and managers of the cooperative) and documentary sources.

Findings reveal that Shabahang Cooperative, as a community-based organization, has played a key role in enhancing economic welfare, reducing rural-to-urban migration, improving educational attainment, and fostering the development of cultural and sports infrastructure. This has been achieved through collective decision-making, member participation, training programs, and the provision of multifaceted services such as credit units, chain stores, lodging, and educational services. Moreover, the cooperative's innovative activities in sustainable agriculture and local entrepreneurship have significantly contributed to the region's productive capacities.

Ultimately, the results suggest that Shabahang Cooperative can serve as a successful model for community-driven and resource-based regional development.

Keywords: Regional Development, Shabahang Cooperative Company, Rural Empowerment, Multifunctional Services, Shahriar

[1] CEO of Shabahang Rural Cooperative, Shahriar

آسیب‌شناسی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در استفاده مطلوب از ظرفیت بخش تعاون با تاکید بر موانع حقوقی

مرتضی عابدی[۱]

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت بخش تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور، در سال‌های اخیر به‌عنوان ابزاری اساسی برای خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی به‌کار گرفته شده است. اما فرآیند خصوصی‌سازی با چالش‌ها و موانع حقوقی زیادی مواجه است که اجرای موفق این قانون را تحت‌الشعاع قرار داده است. این مقاله به آسیب‌شناسی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پرداخته و بر موانع حقوقی خصوصی‌سازی تمرکز دارد. مشکلات عمده‌ای همچون عدم مدیریت تعارض منافع، تعارض با قوانین دیگر، ضعف در نظارت و ارزیابی، و عدم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی پس از واگذاری، از جمله مسائل حقوقی هستند که بر کارایی این قانون تأثیرگذارند. این مقاله با تحلیل این موانع و ارائه نمونه‌های عملی، پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند خصوصی‌سازی و افزایش اثربخشی قانون یادشده ارائه می‌دهد. هدف نهایی این مقاله ارائه راهکارهایی است که منجر به رفع موانع حقوقی و تسهیل در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در راستای تقویت بخش تعاون و خصوصی و بهبود اقتصاد کشور شود.

واژگان کلیدی: قانون اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهار، چالش‌های حقوقی، تعارض قوانین

۱ . دانشجوی دکترای تخصصی حقوق عمومی

A Legal Analysis of the Implementation Challenges of Article ٤٤ of the Constitution: Obstacles to Leveraging the Cooperative Sector

Morteza Abedi[١]

The Law on the Implementation of the General Policies of Article 44 of the Constitution was enacted with the aim of reducing government control and promoting the cooperative and private sectors in Iran's economy. In recent years, it has served as a fundamental tool for the privatization of state-owned enterprises. However, the privatization process has faced significant legal and institutional challenges that have undermined the effective implementation of this law.

This paper examines the legal shortcomings of the Article 44 policy framework, focusing specifically on the legal barriers to successful privatization. Key issues identified include the mismanagement of conflicts of interest, inconsistencies with other laws, weaknesses in oversight and evaluation mechanisms, and non-compliance with environmental standards following asset transfers. Through a critical review and case-based analysis, the study offers policy recommendations to address these legal obstacles.

The ultimate objective of the paper is to propose solutions that will remove legal barriers and facilitate the effective implementation of Article 44, thereby strengthening the cooperative and private sectors and contributing to national economic development.

Keywords: Article 44 Implementation Law, Legal Challenges, Regulatory Conflicts, Privatization, Cooperative Sector

١ Ph.D. Candidate in Public Law

بررسی نقش تعاونی‌های آبخیزداری در مدیریت پایدار منابع آب

حسین رضایی[1]

در شرایط بحران فزاینده آب در ایران، مدیریت پایدار منابع آب به یکی از اولویت‌های حیاتی کشور تبدیل شده است. در این راستا، تعاونی‌های آبخیزداری به عنوان نهادهای مردمی و مشارکتی می‌توانند نقش مهمی در حفاظت، بهره‌برداری اصولی و بازسازی منابع آبی و خاکی ایفا کنند. آبخیزداری، مجموعه‌ای از اقدامات فنی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که با هدف مدیریت و بهره‌برداری پایدار از منابع آب و خاک در یک حوزه آبخیز (محدوده‌ای از زمین که آب باران به طور طبیعی به سمت یک نقطه خروجی مانند رودخانه یا دریاچه جریان می‌یابد) انجام می‌شود. این مقاله با روش پژوهش تحلیلی توصیفی و روش گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی نقش، ظرفیت‌ها و چالش‌های تعاونی‌های آبخیزداری در فرآیند مدیریت منابع آب می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که احداث بندهای خاکی و سنگی، کاشت درختان و گیاهان برای تثبیت خاک، ایجاد سدهای کوچک یا آب‌بنده، مدیریت چرا و کنترل دام در مراتع و اصلاح الگوی کشت برای کاهش مصرف آب و فرسایش از مهم‌ترین طرح‌های آبخیزداری است که می‌توان از طریق تعاونی‌های محلی در حوزه آبخیزداری انجام داد. از این رو می‌توان با جلب مشارکت جوامع محلی، اجرای پروژه‌های تثبیت خاک، تغذیه مصنوعی سفره‌های آب زیرزمینی، کنترل رواناب‌ها و ارتقای آگاهی زیست‌محیطی مردم، به کاهش فشار بر منابع آب کمک شایانی کنند. با این حال، ضعف در زیرساخت‌های حقوقی، محدودیت‌های مالی، نبود آموزش‌های تخصصی و همکاری ناکافی میان دستگاه‌های اجرایی از مهم‌ترین موانع پیش روی این تعاونی‌ها محسوب می‌شود. از این رو سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور می‌تواند از طریق اطلاع‌رسانی درباره اهمیت آبخیزداری برای حفظ منابع آب و خاک، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مردم محلی، کشاورزان و اعضای تعاونی‌ها، توانمندسازی تعاونی‌ها و جوامع محلی، مشارکت دادن مردم و تعاونی‌ها در طراحی و اولویت‌بندی پروژه، تفویض بخشی از اجرای پروژه‌ها به تعاونی‌ها (مانند احداث بندها، احیای مراتع و...)، انعقاد قرارداد مشارکتی و بهره‌برداری پایدار با جوامع محلی و تعاونی‌ها، تدوین چارچوب‌های حقوقی برای تشویق مشارکت مردمی و تضمین حق انتفاع محلی‌ها از منابع احیاشده در جهت جلب مشارکت مردم و تعاونی‌ها در زمینه آبخیزداری اقدام نماید. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در برخی استان‌ها مانند خراسان جنوبی، فارس، کردستان و چهارمحال بختیاری، مشارکت تعاونی‌های محلی در پروژه‌های آبخیزداری، باعث افزایش پوشش گیاهی، کاهش مهاجرت روستایی و ارتقای امنیت غذایی شده است.

واژگان کلیدی: تعاونی آبخیزداری، مدیریت منابع آب، مشارکت مردمی، توسعه پایدار، حفاظت منابع طبیعی

۱. کارشناس ارشد آبخیزداری و مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی های منابع طبیعی و آبخیزداری کشور

The Role of Watershed Management Cooperatives in Sustainable Water Resource Management

Hossein Rezaei[1]

Amid Iran's escalating water crisis, sustainable management of water resources has become a national priority. In this context, watershed management cooperatives, as community-based and participatory institutions, can play a crucial role in protecting, restoring, and efficiently utilizing water and soil resources. Watershed management encompasses a set of technical, environmental, economic, and social measures aimed at the sustainable use of water and soil within a watershed—an area where rainfall naturally drains to a common outlet such as a river or lake.

This study, based on a descriptive-analytical methodology and documentary research, explores the roles, capacities, and challenges of watershed cooperatives in water resource management. Key projects led by such cooperatives include the construction of earthen and stone check dams, afforestation and vegetation planting for soil stabilization, establishment of small dams, grazing management in rangelands, and promoting crop pattern adjustments to reduce water usage and erosion.

The findings indicate that engaging local communities in initiatives such as soil stabilization, artificial groundwater recharge, runoff control, and environmental awareness can significantly alleviate pressure on water resources. However, legal and institutional shortcomings, financial constraints, lack of specialized training, and limited coordination among government agencies remain major obstacles. The study recommends that the Forests, Rangelands and Watershed Management Organization support cooperatives by raising awareness, conducting training programs for locals and cooperative members, empowering communities, involving them in project planning, delegating parts of implementation (e.g., dam construction and rangeland rehabilitation), establishing participatory contracts, and developing legal frameworks to secure local benefit-sharing from restored resources.

Evidence from provinces such as South Khorasan, Fars, Kurdistan, and Chaharmahal and Bakhtiari shows that cooperative involvement in watershed projects has led to increased vegetation cover, reduced rural migration, and enhanced food security.

Keywords: Watershed Cooperatives, Water Resource Management, Community Participation, Sustainable Development, Natural Resource Conservation

[1] M.A. in Watershed Management and CEO of the National Union of Natural Resources and Watershed Management Cooperatives

بررسی نقش اتحادیه‌ها و تشکل‌های اقتصادی در بهبود فضای کسب‌وکار

علی مصطفایی[1]

اتحادیه‌ها و تشکل‌های اقتصادی به عنوان نهادهای میانجی میان دولت و بخش‌های تعاونی، نقش حیاتی در بهبود فضای کسب‌وکار ایفا می‌کنند. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا و مرور مطالعات تطبیقی در کشورهای مختلف، به تحلیل ابعاد این نقش در زمینه‌هایی همچون افزایش بهره‌وری، ارتقای شفافیت، تسهیل در پذیرش نوآوری، کاهش نابرابری و تقویت توان چانه‌زنی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتحادیه‌های تخصصی تعاونی با ارائه خدمات آموزشی، حمایت حقوقی و حسابداری، حل اختلافات حقوقی از طریق داوری، و شبکه‌سازی حرفه‌ای، به ویژه در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)، نقش مهمی در افزایش رقابت‌پذیری و پایداری بازار ایفا می‌کنند. نتایج مطالعه نشان می دهد که انسجام نهادی و مشارکت مؤثر تشکل‌ها در فرایندهای سیاست‌گذاری، به طور مستقیم با بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار و کاهش موانع بوروکراتیک مرتبط است. مقاله بر لزوم تقویت ساختار اتحادیه‌ها و افزایش تعامل آن‌ها با نهادهای دولتی و بخش غیردولتی در راستای توسعه اقتصادی پایدار تأکید دارد.

واژگان کلیدی: اتحادیه‌های صنفی، تشکل‌های اقتصادی، فضای کسب‌وکار، بهره‌وری، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs).

۱. کارشناس ارشد حسابداری و مدیر امور اداری اتاق تعاون ایران

Examining the Role of Unions and Economic Associations in Improving the Business Environment

Ali Mostafaei[1]

Unions and economic associations serve as key intermediaries between the government and cooperative sectors, playing a vital role in enhancing the business environment. This article, utilizing content analysis and a review of comparative studies from various countries, explores the dimensions of this role in areas such as productivity enhancement, transparency promotion, innovation adoption, inequality reduction, and strengthening bargaining power.

The findings indicate that specialized cooperative unions, by providing educational services, legal and accounting support, dispute resolution through arbitration, and professional networking—particularly for small and medium-sized enterprises (SMEs)—significantly contribute to improving market competitiveness and sustainability. Evidence from both developed and developing countries shows that institutional cohesion and active participation of associations in policy-making processes are directly correlated with improved business environment indicators and reduced bureaucratic obstacles.

The article emphasizes the need to strengthen the organizational structure of unions and enhance their interaction with governmental and non-governmental sectors to promote sustainable economic development.

Keywords: Trade Unions, Economic Associations, Business Environment, Productivity, Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs)

[1] M.A. in Accounting and Director of Administrative Affairs, Iran Chamber of Cooperatives

نقش تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان در کاهش هزینه‌های تولید

کارو محمدی[1]

با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و فشارهای اقتصادی بر تولیدکنندگان خرد، تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری ایفا کنند. این مقاله به تأثیر عضویت و مشارکت در تعاونی‌های تأمین نیاز بر کاهش هزینه‌های تولید (از طریق خرید مشترک نهاده‌ها، دسترسی به خدمات مالی، افزایش قدرت چانه‌زنی و کاهش هزینه‌های معامله) می‌پردازد. این مطالعه با رویکرد توصیفی تحلیلی و به روش کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل تولیدکنندگان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تأمین نیاز در استان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، داده‌های لازم از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل، تحلیل رگرسیون و مدل پروبیت استفاده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که عضویت در تعاونی‌های تأمین نیاز به طور معناداری باعث کاهش هزینه‌های تأمین نهاده‌ها، بهبود دسترسی به منابع مالی و کاهش ریسک‌های اقتصادی شده است. همچنین تعاونی‌ها با ایجاد اقتصاد مقیاس و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه، زمینه‌ساز افزایش کارایی در زنجیره تأمین تولید شده‌اند.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان، هزینه‌های تولید، بهره‌وری

۱ دکتری اقتصاد و مدرس دانشگاه

The Role of Producer Supply Cooperatives in Reducing Production Costs

Karou Mohammadi[1]

Amid rising production costs and mounting economic pressures on small-scale producers, producer supply cooperatives can play a pivotal role in cost reduction and productivity enhancement. This article investigates the impact of membership and participation in supply cooperatives on reducing production costs through joint procurement of inputs, access to financial services, increased bargaining power, and lowered transaction costs. The study employs a descriptive-analytical approach using quantitative methods. The statistical population consists of both member and non-member producers of supply cooperatives in Tehran Province, with data collected via questionnaires using a cluster sampling method. Analytical tools include independent t-tests, regression analysis, and the Probit model.

The findings indicate that cooperative membership significantly reduces input procurement costs, improves access to financial resources, and mitigates economic risks. Moreover, cooperatives foster economies of scale and reduce opportunistic behaviors, thereby enhancing efficiency throughout the production supply chain.

Keywords: Producer Supply Cooperatives, Production Costs, Productivity

[1] Ph.D. in Economics and University Lecturer

الزامات توسعه تعاونی انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها

سعید فولادی[1]

تشکیل تعاونی‌های انرژی می‌تواند به عنوان راهکاری برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش ناترازی انرژی در کشور مورد استفاده قرار گیرد. در شرایط فعلی که عدم دسترسی کافی به منابع مالی، مانع اصلی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران است، استفاده از ظرفیت تعاونی به عنوان روشی که در آن، سرمایه‌های خرد مردمی تجمیع می‌شود، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. یک تعاونی با فراهم‌کردن بستری مناسب برای افزایش مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، می‌تواند منجر به درآمدزایی برای سرمایه‌گذاران و برق‌رسانی به مراکز پراکنده جمعیتی و صنعتی شود. با این وجود، تجربه بهره‌گیری از ظرفیت تعاونی‌های انرژی به ویژه در تولید انرژی تجدیدپذیر در کشور از مقیاس بالایی برخوردار نبوده است. لذا در این پژوهش با استفاده از روش مطالعات کتابخانه ای سعی شده است، ضمن تشریح ظرفیت‌های بالقوه‌ای که تعاونی‌ها می‌توانند در تولید انرژی خورشیدی در کشور ایفا کنند، موانع و محدودیت‌های توسعه تعاونی‌های انرژی‌های تجدیدپذیر احصا شود. در نهایت نیز راهکارهای قانونی برای رفع موانع احصا شده در جهت توسعه تعاونی‌های مذکور در کشور پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعاونی انرژی، ناترازی، انرژی تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری مردمی، بورس انرژی.

[1] دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. s.fooladi۳۱۳@gmail.com

Article Title: Requirements for the Development of Renewable Energy Cooperatives in Iran; Challenges and Solutions

Saeed Fooladi[1]

Establishing energy cooperatives can be used as a solution for developing renewable energies and reducing the energy imbalance in the country. In the current situation where lack of sufficient access to financial resources is the main obstacle to the development of renewable energies in Iran, the use of cooperative capacity as a method in which small public funds are collected should be considered. By providing a suitable platform for increasing public participation in investing in renewable energy production, a cooperative can generate income for investors and provide electricity to scattered population and industrial centers. However, the experience of utilizing the capacity of energy cooperatives, especially in renewable energy production in the country, has not been of a large scale. Therefore, this research, using the library study method, has attempted to describe the potential capacities that cooperatives can play in solar energy production in the country, while also identifying the obstacles and limitations to the development of renewable energy cooperatives. Finally, legal solutions are proposed to remove the identified obstacles to the development of the aforementioned cooperatives in the country.

Keywords: Energy cooperative, imbalance, renewable energy, crowdfunding, energy exchange.

[1] PhD student in Oil and Gas Economics, Imam Sadiq University, Email: s.fooladi۳۱۳@gmail.com

مقایسه تطبیقی ظرفیت شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران شهرستان و صندوق‌های املاک و مستغلات در جهت افزایش مشارکت اقتصادی مردم در بخش مسکن

مهدی رنجبر[1]

شرکت‌های توسعه و عمران شهرستانی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات به عنوان فعالین مکمل بخش مسکن نقش مهمی در افزایش مشارکت اقتصادی مردم در این بخش دارند. شرکت‌های توسعه و عمران متخصص عرضه ساختاریافته و حرفه‌ای مسکن و صندوق‌های املاک و مستغلات با هدف جذب سرمایه‌گذاری عمومی فعالیت می‌نمایند. صندوق املاک و مستغلات با جذب سرمایه‌های خرد در قالب واحدهای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های خرد را جمع‌آوری و مخاطرات کارفرما – کارگزار را به حداقل می‌رسانند و ریسک نقدینگی کم‌تری نسبت به شرکت‌های توسعه عمران دارند. صندوق‌های املاک و مستغلات با کاهش موانع ورود، نقدشوندگی بالاتر و کاهش ریسک از طریق تنوع‌بخشی در واحدهای تحت تملک، باعث تولید جریان درآمدی پایدارتری می‌شوند. شرکت‌های توسعه و عمران با اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم خود باعث تحریک سمت تقاضا می‌شوند. همچنین این شرکت‌ها می‌توانند با انتشار اوراق مشارکت در بازار سرمایه، منابع مالی خود را به دست آورند. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تطبیقی با تمرکز بر ویژگی‌ها و چالش‌های بازار مسکن در ایران و تطبیق شرکت‌های توسعه و عمران شهرستانی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات از نظر کارکرد، مزایا و محدودیت‌ها به ارائه راه‌حلی در جهت افزایش مشارکت اقتصادی مردم در بخش مسکن می‌پردازد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که دستیابی به ثبات در بازار مسکن ایران و حل چالش‌های ساختاری مستلزم سیاست‌های یکپارچه و هدفمند و گام‌های متعاقب است. گام نخست، تحول در مدل‌های تأمین مالی از طریق توسعه صندوق‌های املاک و مستغلات است که باید با معافیت‌های مالیاتی برای پروژه‌های مسکن مقرون‌به‌صرفه، کاهش موانع نظارتی و شفاف‌سازی عملکرد همراه شود. هم‌زمان، شرکت‌های توسعه و عمران با دسترسی به منابع ارزان‌قیمت مانند اوراق مشارکت با پشتوانه دولتی، تقویت شوند. در گام بعدی، با بهبود محیط عملیاتی و بوروکراسی‌زدایی از پروانه‌های ساخت و ایجاد بستر یکپارچه صدور مجوز، سرعت عرضه مسکن را افزایش داد. این اقدامات باید با توسعه الزام‌آور زیرساخت‌های حیاتی مانند آب، برق و حمل‌ونقل تکمیل شود تا رشد پایدار شهری تضمین گردد. در سطح کلان، باید با ثبات‌بخشی به اقتصاد از طریق کنترل تورم ساختاری و مدیریت نرخ ارز، هزینه‌های تولید را کاهش داد. موفقیت این راه‌حل در گرو هماهنگی سه‌جانبه دولت، بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار برای اجرای منسجم سیاست‌ها است.

واژگان کلیدی: شرکت‌های توسعه و عمران شهرستانی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات، رشد اقتصادی، بازار مسکن.

۱ کارشناسی ارشد اقتصاد مالی - دانشگاه مفید Mr.rannjbar@gmail.com

A Comparative Study of the Capacity of County Development Cooperatives and Real Estate Investment Trusts (REITs) to Increase Public Economic Participation in the Housing Sector

Mehdi Ranjbar[1]

County development cooperatives and real estate investment trusts (REITs) serve as complementary actors in the housing sector, each playing a vital role in enhancing public economic participation. While development cooperatives specialize in the structured and professional provision of housing, REITs aim to attract public investment. By pooling small-scale investments into fund units, REITs reduce principal-agent risks and offer greater liquidity than development cooperatives. Their accessibility, high liquidity, and portfolio diversification enable more stable income streams.

Development cooperatives, on the other hand, stimulate demand by generating direct and indirect employment and can secure funding through the issuance of participation bonds in the capital market. This article employs a descriptive-comparative method focusing on the characteristics and challenges of Iran's housing market and compares the operational features, advantages, and limitations of development cooperatives and REITs to propose solutions for enhancing public engagement in the housing sector.

The findings highlight that achieving stability in Iran's housing market and resolving structural challenges require integrated, purposeful policies. The first step involves reforming financing models through the expansion of REITs, supported by targeted tax exemptions for affordable housing projects, regulatory simplification, and improved operational transparency. Simultaneously, development cooperatives should gain access to low-cost resources such as government-backed participation bonds. In the next phase, accelerating housing supply demands an improved regulatory environment and streamlined construction permitting processes, supported by integrated licensing platforms. These measures must be coupled with mandatory development of critical infrastructure—such as water, electricity, and transport—to ensure sustainable urban growth. At the macroeconomic level, stabilizing the economy by controlling structural inflation and managing exchange rates is essential to reducing production costs. The success of this approach depends on the coordinated efforts of the government, the Central Bank, and the Securities and Exchange Organization to ensure coherent policy implementation.

Keywords: County Development Cooperatives, Real Estate Investment Trusts (REITs), Economic Growth, Housing Market

[1] M.A. in Financial Economics, Mofid University, E-mail: Mr.rannjbar@gmail.com

تحلیل ابعاد مشارکت اقتصادی زنان در تعاونی‌های روستایی؛ از ضرورت تا پیامدهای اجتماعی

زهرا قریشی [۱]

پدیده مشارکت اقتصادی زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی، از جمله موضوعاتی‌ست که در سال‌های اخیر به دلایل اجتماعی، اقتصادی و توسعه‌محور مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با هدف تحلیل چهار بعد کلیدی مشارکت اقتصادی زنان در تعاونی‌های انجام شده است: ضرورت افزایش مشارکت زنان، ماهیت نقش‌آفرینی آنان در تعاونی‌ها، فواید این مشارکت برای اقتصاد و اجتماع و پیامدهای بلندمدت آن در سطوح محلی و ملی. روش مقاله به صورت توصیفی ـ تحلیلی طراحی و برای گردآوری اطلاعات از دو مسیر استفاده شد. نخست، مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی معتبر داخلی و دوم، انجام مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته با ۱۰ نفر از زنان عضو تعاونی‌های روستایی در استان‌های البرز و کرمانشاه که تجربه مشارکت فعال اقتصادی داشته‌اند. یافته‌ها نشان داد که مشارکت در تعاونی‌ها برای بسیاری از زنان نه فقط یک منبع درآمد، بلکه نوعی تجربه توانمندسازی روانی، هویتی و اجتماعی بوده است. در کنار موانعی چون نابرابری جنسیتی، ضعف دسترسی به وام‌های خرد و کمبود آموزش‌های کاربردی، بسیاری از زنان انگیزه مشارکت خود را از طریق همبستگی اجتماعی، الگوبرداری از زنان موفق و احساس تعلق به جامعه به دست آورده‌اند. مقاله تأکید دارد که اگرچه تعاونی‌ها به خودی خود نهادهایی مؤثر در توسعه‌اند، اما تا زمانی که ساختارهای حمایت‌گرانه و دیدگاه‌های فرهنگی نسبت به مشارکت زنان اصلاح نشود، ظرفیت کامل این ابراز اقتصادی محقق نخواهد شد. در نهایت، مشارکت پایدار زنان در تعاونی‌های نه تنها وضعیت اقتصادی آنان را بهبود می‌بخشد، بلکه به باز تعریف نقش زنان در خانواده، جامعه و اقتصاد کشور منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، تعاونی، مشارکت اقتصادی، توانمندسازی، توسعه اجتماعی

۱ کارشناس حوزه کسب وکارهای تعاونی

Analyzing the Dimensions of Women's Economic Participation in Rural Cooperatives: From Necessity to Social Impacts

Zahra Ghoreishi[1]

Women's economic participation—especially in rural areas—has gained increasing attention in recent years due to its social, economic, and developmental implications. This article explores four key dimensions of women's engagement in rural cooperatives: the necessity of enhancing participation, the nature of women's roles, the economic and social benefits, and the long-term impacts at both local and national levels. The study employs a descriptive-analytical method and draws on two data sources: first, a review of academic literature and national research; second, semi-structured interviews with ten women actively involved in rural cooperatives from the provinces of Alborz and Kermanshah.

Findings indicate that for many women, participation in cooperatives is not merely a source of income but a form of psychological, identity-based, and social empowerment. Despite barriers such as gender inequality, limited access to microfinance, and a lack of practical training, many women derive motivation from social solidarity, role modeling successful female peers, and a sense of belonging to the community. The study emphasizes that while cooperatives are inherently powerful instruments for development, their full potential will not be realized without supportive structures and cultural shifts regarding women's participation. Ultimately, sustainable involvement of women in cooperatives improves their economic status and contributes to a redefinition of women's roles in the family, society, and national economy.

Keywords: Rural Women, Cooperatives, Economic Participation, Empowerment, Social Development

[1] Cooperative Business Specialist

تقویت اعتماد اجتماعی از مسیر نظارت بر شرکت‌های تعاونی مسکن با استفاده از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی

مجاهد امیری[۱]
روح‌الامین امیری[۲]

در دنیای امروز، تحول دیجیتال دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای حکمرانی مؤثر و شفافیت در نهادهای عمومی و مردمی همچون تعاونی‌هاست. در این میان، تعاونی‌های مسکن به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین ساختارهای مردمی در حوزه تأمین نیازهای اساسی جامعه، نیازمند نظام نظارتی نوین، کارآمد و هوشمند هستند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا با نظارت بر شرکت‌های تعاونی مسکن با استفاده از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین می‌توان اعتماد اجتماعی را تقویت کرد؟ نتایج حاصل از این تحقیق بیان می‌کند که الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل روندهای مالی، تأخیرات پروژه، تغییرات در ترکیب هیئت‌مدیره یا نحوه اجرای مصوبات، الگوهای غیرعادی را شناسایی کرده و هشدارهای پیشگیرانه برای مراجع نظارتی صادر کنند. همچنین استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند خطاهای بازرسان و کارشناسان را کاهش داده و از دخالت‌های سلیقه‌ای در ارزیابی‌ها جلوگیری کند. اتصال سامانه‌های مالی و فنی تعاونی‌ها به سامانه جامع تعاون، و پردازش لحظه‌ای داده‌ها، امکان نظارت بی‌وقفه بر پروژه‌ها را فراهم می‌کند و با تلفیق داده‌های موجود در سامانه با داده‌های ثبتی، مالی و عملکردی، می‌توان سامانه‌ای برای رتبه‌بندی و امتیازدهی تعاونی‌ها طراحی کرد که به شفافیت و تقویت اعتماد اجتماعی منجر شود .

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، تعاونی‌های مسکن، فناوری نوین، هوش مصنوعی، نظارت

۱ . عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون
۲ . مدیر تعاون اداره کل تعاون،کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان

Enhancing Social Trust Through the Supervision of Housing Cooperatives Using Advanced Technologies and Artificial Intelligence

Mojahad Amiri[۱], Roohollah Amin[۲]

In today's world, digital transformation is no longer optional but a fundamental necessity for effective governance and transparency in public and community-based institutions such as cooperatives. Among these, housing cooperatives—crucial entities for addressing essential societal needs—require a modern, efficient, and intelligent oversight system. This article, using a descriptive-analytical method, explores whether the supervision of housing cooperatives through artificial intelligence (AI) and advanced technologies can strengthen social trust.

The findings suggest that AI algorithms can detect anomalies by analyzing financial trends, project delays, changes in board composition, and deviations in policy implementation, thereby issuing early warnings for regulatory authorities. Moreover, AI reduces human error in inspections and minimizes subjective interference in evaluations. Integrating cooperatives' financial and technical systems with the national cooperative information system and enabling real-time data processing allows for continuous monitoring of projects. Additionally, by combining registry, financial, and performance data, a cooperative rating and scoring system can be established, ultimately fostering transparency and reinforcing social trust.

Keywords: Social Trust, Housing Cooperatives, Advanced Technology, Artificial Intelligence, Supervision

۱ Faculty Member, Department of Law, Islamic Azad University, Daryun Branch
۲ Director of Cooperatives, General Directorate of Cooperatives, Labor, and Social Welfare, Isfahan Province

ارزیابی میزان رضایتمندی تعاونی‌ها از عملکرد اتاق‌های تعاون سراسر کشور

زینب خوش‌چهره [۱]

اتاق‌های تعاون به عنوان نهادهای واسط دولت و بخش تعاون نقش کلیدی در سیاست‌گذاری، پشتیبانی و توانمندسازی تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها دارند در این راستا اتاق‌ها به استناد قانون با صدور مجوزهای قانونی، داوری در امور حرفه‌ای بین اشخاص حقوقی بخش تعاونی با یکدیگر و یا با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی، ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی، ایجاد مراکز مشاوره‌ای ارائه خدمات ثبتی و مشاوره‌ای، ایجاد کمیسیون‌های تخصصی جهت تصمیم‌سازی و ارائه مشاوره، برقراری ارتباط و پیوند بین تعاونی‌ها و ایجاد هماهنگی و همکاری بین آنها، برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و ایجاد مراکز تجاری در کشورهای هدف، ایجاد و اداره مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اقدام می‌نماید. این پژوهش با هدف بررسی سطح رضایت‌مندی تعاون گران و اتحادیه‌ها از سطح خدمات اتاق‌ها انجام شده است. روش پژوهش مقاله پیمایشی است و از ابزار پرسش‌نامه‌های استاندارد جهت جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی استفاده می‌شود. نحوه اطلاع‌رسانی خدمات، امکان استفاده از خدمات و کیفیت ارائه خدمات متغیرهای موردنظر جهت ارزیابی سطح رضایت تعاون گران بوده است.

واژگان کلیدی: رضایتمندی، تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها، اتاق‌های تعاون

۱ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و کارشناس اتاق تعاون ایران

Assessing Cooperative Satisfaction with the Performance of Cooperative Chambers Across Iran

Zeynab Khoshchehreh[1]

Cooperative chambers, as intermediary institutions between the government and the cooperative sector, play a crucial role in policymaking, support, and empowerment of cooperatives and unions. In accordance with the law, these chambers are authorized to issue legal permits, arbitrate in professional disputes between cooperative legal entities or with other individuals and organizations, establish educational and research centers, provide registration and advisory services, form specialized commissions for policymaking and consultation, facilitate communication and coordination among cooperatives, organize domestic and international exhibitions, establish commercial centers in target countries, and manage statistical and economic information centers.

This study aims to evaluate the level of satisfaction among cooperatives and unions regarding the services provided by cooperative chambers across the country. The research uses a survey-based methodology and standardized questionnaires to collect both quantitative and qualitative data. Key variables assessed include service awareness, accessibility, and service quality.

Keywords: Satisfaction, Cooperatives, Unions, Cooperative Chambers

[1] M.A. in Business Management and Expert at the Iran Chamber of Cooperatives

خط‌مشی ترکیبی – مشارکتی در ساختار بخش تعاون جهت تأمین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام دولت

البرز محمدی[۱]
علی حاجی‌وند[۲]
سمیه سروش[۳]

پروژه‌های نیمه‌تمام، از جمله مهم‌ترین مسائل عمومی است که دولت با آن روبرو است. در این خصوص روش‌های مختلفی از جمله مشارکت عمومی - خصوصی بکار گرفته شده که تا کنون چندان موفق نبوده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و مطالعه اسنادی خط‌مشی ترکیبی مشارکتی ارائه شده است. مقاله استدلال می‌کند با ترکیب روش مشارکت عمومی– خصوصی و تأمین مالی جمعی با مشارکت دادن بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی و سرمایه‌گذاری مردمی امکان تأمین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام فراهم می‌شود. در واقع در این روش برای اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام دولت، بخش دولتی به‌عنوان کارفرما، بخش تعاونی یا خصوصی به‌عنوان مجری و بخش مردمی به‌عنوان سرمایه‌گذار متناسب با شرایط هر پروژه، بخشی از منابع آن را تأمین می‌نمایند؛ بنابراین با این رویکرد بخش تعاونی و خصوصی و بخش مردمی متناسب با سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته از مزایای آن منتفع گردیده و ریسک بازگشت سرمایه نیز توزیع می‌گردد.

واژگان کلیدی: خط‌مشی ترکیبی - مشارکتی، بخش تعاون، تأمین مالی، پروژه‌های نیمه‌تمام دولت

۱ . مدیرعامل صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، دکترای مهندسی کشاورزی
۲ . معاون اقتصادی و برنامه ریزی صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، دانشجوی دکتری مدیریت گرایش سیاستگذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
۳ . مدیر برنامه ریزی و فناوری اطلاعات صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات

A Hybrid–Participatory Policy Approach within the Cooperative Sector for Financing Government Incomplete Projects

Alborz Mohammadi[۱], Ali Hajivand[۲], Somayeh Soroush[۳]

Incomplete infrastructure projects remain one of the most pressing challenges facing the Iranian government. Traditional mechanisms such as Public–Private Partnerships (PPPs) have been employed to address this issue, yet with limited success. This article, using a descriptive–analytical method and document-based study, proposes a hybrid–participatory policy framework. It argues that by integrating PPP models with crowdfunding mechanisms—engaging the public sector, cooperatives, private enterprises, and citizen investors—it is possible to finance and complete unfinished government projects more effectively.

In this model, the public sector acts as the project owner, while cooperative or private entities serve as implementers. Citizens, through various investment vehicles, contribute financially in accordance with the nature of each project. As a result, the risks and benefits of investment are distributed proportionally among all parties. This approach not only facilitates resource mobilization but also enhances public trust and cooperative engagement in infrastructure development.

Keywords: Hybrid–Participatory Policy, Cooperative Sector, Financing, Incomplete Government Projects

۱ CEO of the Cooperative Investment Guarantee Fund, Ph.D. in Agricultural Engineering

۲ Deputy of Economic Affairs and Planning, Cooperative Investment Guarantee Fund; Ph.D. Student in Management with a focus on Public Policy, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author)

۳Director of Planning and Information Technology, Cooperative Investment Guarantee Fund; M.A. in Information Technology Engineering

ظرفیت تعاونی‌های مرزنشین در تأمین معیشت مرزنشینان و ایجاد اقتصاد پایدار در مناطق مرزی؛ مطالعه موردی عملکرد اتحادیه تعاونی‌های مرزنشین استان خراسان رضوی

یاسر فیضی[1]

مناطق مرزی به‌عنوان نقاط راهبردی کشور، از اهمیت ویژه‌ای در ابعاد امنیتی، اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. ساکنان این مناطق، اغلب با چالش‌هایی همچون بیکاری، فقر، مهاجرت و کمبود زیرساخت‌های توسعه مواجه‌اند. در این میان، تعاونی‌های مرزنشینان می‌توانند نقش مهمی در تقویت معیشت خانوارهای مرزی، ایجاد اشتغال، بهبود وضعیت اقتصادی و پیشگیری از ناپایداری‌های اجتماعی ایفا کنند. این مقاله به بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تعاونی‌های مرزنشین در تقویت معیشت مردم مرزنشین و توسعه اقتصاد پایدار مناطق مرزی ایران می‌پردازد. با تحلیل تجارب موجود و ارزیابی عملکرد این تعاونی‌ها، مشخص می‌شود که با بهره‌گیری صحیح از ساختار تعاونی، توانمندسازی جوامع محلی، ایجاد زنجیره ارزش، و حمایت‌های دولتی، می‌توان زمینه خوداتکایی اقتصادی و پایداری اجتماعی در مناطق مرزی را فراهم ساخت. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتقاء بهره‌وری تعاونی‌ها، دسترسی به بازارهای فرامرزی، و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، از جمله راهکارهای مؤثر در تقویت این نقش هستند. بررسی عملکرد اتحادیه تعاونی‌های مرزنشین استان خراسان رضوی نشان می‌دهد این اتحادیه در تأمین نیاز مرزنشینان، واردات کالاهای اساسی، تکمیل زنجیره‌های تأمین، توسعه صادرات، نظارت بر عملکرد تعاونی‌ها و حل اختلاف‌ها، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و ارائه نظر مشورتی به مدیران استان در حوزه فعالیت مرزنشینان موفق بوده است. کمبود دسترسی به سامانه جامع تجارت برای ثبت مرزنشینی، نداشتن تخصیص ارز یارانه‌ای و موضوعات مربوط به تمدید کارت اعضا از مهم‌ترین مشکلات این اتحادیه بوده است. در پایان، مقاله پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد تعاونی‌های مرزنشین و تقویت نقش آن‌ها در توسعه پایدار مرزها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های مرزنشین، معیشت پایدار، اقتصاد مرزی، توسعه محلی، اشتغال، مناطق مرزی.

۱ .دکتری مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی و رئیس کمیسیون مرزنشینان اتاق تعاون ایران

The Role of Border Residents' Cooperatives in Securing Livelihoods and Promoting Sustainable Border Economies: A Case Study of the Border Cooperatives Union of Khorasan Razavi Province

Yaser Feyzi[1]

Border regions, as strategic national zones, hold critical importance in terms of security, economic development, and social cohesion. Yet, residents of these areas often face severe challenges, including unemployment, poverty, migration, and underdeveloped infrastructure. In this context, border residents' cooperatives can play a pivotal role in improving household livelihoods, generating employment, enhancing local economies, and fostering social stability.

This article explores the potential and capabilities of such cooperatives in advancing sustainable economic development in Iranian borderlands. Drawing upon existing experiences and analyzing cooperative performance, it demonstrates that with the proper application of cooperative structures, empowerment of local communities, development of value chains, and government support, economic self-reliance and social resilience can be achieved.

The case study of the Border Cooperatives Union of Khorasan Razavi Province reveals the union's success in supplying essential goods, managing supply chains, facilitating exports, overseeing cooperative activities, resolving disputes, participating in international exhibitions, and offering advisory input to regional authorities. However, it also highlights key challenges such as restricted access to the national trade system, the absence of subsidized currency allocations, and administrative issues concerning membership card renewals.

The article concludes by offering policy recommendations to improve the effectiveness of border cooperatives and strengthen their role in achieving sustainable development in border regions.

Keywords: Border Residents' Cooperatives, Sustainable Livelihoods, Border Economy, Local Development, Employment, Border Regions

[1] Ph.D. in Business Management with a specialization in Marketing, Chair of the Border Residents Commission, Iran Chamber of Cooperatives

ظرفیت‌های بخش تعاون برای مقاوم‌سازی اقتصاد

بهمن ذیجاه[۱]
مهری عباس‌زاده[۲]

بخش تعاون به دلیل ویژگی‌هایی چون مشارکت مردمی، عدالت‌محوری، کاهش نابرابری‌ها و تقویت بنیان‌های اقتصادی محلی، ظرفیت قابل‌توجهی برای مقاوم‌سازی اقتصاد دارد. این بخش با ایجاد زمینه‌های خوداتکایی، کاهش وابستگی به منابع خارجی و توزیع عادلانه‌تر ثروت، می‌تواند به ثبات و پایداری اقتصاد ملی کمک کند. مقاله حاضر به شناسایی ظرفیت‌های بخش تعاون برای مقاوم‌سازی اقتصاد در شهر تبریز می‌پردازد. جامعه آماری مطالعه حاضر، ۵۶ شرکت تعاونی‌های بالای ۲۰۰ نفر عضو در شهر تبریز است. از طریق نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۵۰ شرکت تعاونی، انتخاب شدند و اطلاعات مربوطه از مدیران آن‌ها به روش مصاحبه جمع‌آوری گردید. یافته‌ها نشان داد که مواردی همچون توانمندسازی جوامع محلی، افزایش مشارکت اقتصادی زنان و جوانان، توسعه کسب وکارهای کوچک و متوسط و تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی از جمله ظرفیت‌های کلیدی بخش تعاون هستند. همچنین، این بخش باتوجه‌به ماهیت غیرانتفاعی و هدف‌گذاری بر منافع جمعی، می‌تواند در کاهش فقر، ایجاد اشتغال پایدار و بهبود شاخص‌های رفاهی جامعه مؤثر باشد. سیاست‌گذاری‌های حمایتی، آموزش و ترویج فرهنگ تعاون و تسهیل دسترسی به منابع مالی و فناوری، از جمله راهکارهای تقویت این ظرفیت‌ها برای مقاوم‌سازی اقتصاد است. به‌علاوه، بخش تعاون با تقویت همبستگی اجتماعی و اقتصادی، نقش مهمی در ایجاد اقتصاد پایدار و مقاوم در برابر تحریم‌ها و شوک‌های خارجی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: تعاونی، اقتصاد مقاومتی، مشارکت اقتصادی، عدالت‌محوری، خوداتکایی

۱ کارشناسی ارشد مدیریت- مدیرعامل شرکت تعاونی ۴۲۹ بهبود تبریز
۲ دکترای ژنتیک بیومتری- کارمند شرکت تعاونی ۴۲۹ بهبود تبریز

The Capacities of the Cooperative Sector for Building Economic Resilience

Bahman Zijah[۱], Mehri Abbaszadeh[۲]

The cooperative sector, due to its features such as public participation, justice-orientation, reduction of inequalities, and strengthening of local economic foundations, holds significant potential for enhancing economic resilience. By fostering self-reliance, reducing dependence on external resources, and ensuring more equitable distribution of wealth, cooperatives can contribute to national economic stability and sustainability.

This study identifies the capacities of the cooperative sector for bolstering economic resilience in the city of Tabriz. The statistical population included 56 cooperative enterprises with more than 200 members. Through random sampling, 50 cooperatives were selected, and relevant data were collected from their managers via interviews.

Findings indicate that key capacities include empowering local communities, increasing women's and youth participation in the economy, developing small and medium-sized enterprises (SMEs), and strengthening domestic supply chains. Additionally, given its non-profit nature and focus on collective benefit, the cooperative sector plays a vital role in poverty alleviation, sustainable employment creation, and improving social welfare indicators. Supportive policymaking, promoting cooperative culture, and facilitating access to financial and technological resources are identified as crucial strategies for reinforcing these capacities. Furthermore, the cooperative sector contributes to economic sustainability and resilience against sanctions and external shocks by fostering socio-economic solidarity.

Keywords: Cooperative, Economic Resilience, Economic Participation, Justice Orientation, Self-Reliance

۱ M.A. in Management – CEO of Cooperative Company 429 Behbood Tabriz
۲ Ph.D. in Biometric Genetics – Employee at Cooperative Company 429 Behbood Tabriz

ظرفیت بخش تعاون برای تجمیع اعتبارات خرد در جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی و کاهش ناترازی‌های مالی: تحلیل راهبردی با تأکید بر بسترهای قانونی و عملیاتی

آرمین نوروزپور[1]

بخش تعاون به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه اقتصاد کشور، با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود از جمله مشارکت داوطلبانه، کنترل دموکراتیک و توزیع عادلانه منافع، از ظرفیت منحصر به فردی برای تجمیع اعتبارات خرد و هدایت آن‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی برخوردار است. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با استناد به مبانی نظری اقتصاد تعاونی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، به واکاوی جامع این ظرفیت‌ها می‌پردازد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که تعاونی‌ها از طریق مکانیسم‌های متنوعی همچون تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه تعاونی، ایجاد تعاونی‌های اعتبار تخصصی، توسعه تعاونی‌های سهامی عام و طراحی سازوکارهای مشارکت جمعی (مانند شکلی از سکوی تأمین مالی مختص بخش تعاون) می‌توانند به‌عنوان نهادهای واسط مالی عمل نمایند. این نهادها قادرند با جذب پس‌اندازهای خرد اعضا و حتی غیر اعضا و تجمیع آن‌ها در مقیاس کلان، به حل معضل پراکندگی منابع مالی و محدودیت‌های دسترسی به اعتبارات بانکی برای فعالان خرد، میانی و حتی بزرگ اقتصادی کمک شایانی نمایند. از منظر قانونی، اسنادی همچون قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰) و اصلاحات بعدی آن، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۹۴) بسترهای حقوقی لازم برای توسعه این ظرفیت‌ها را فراهم نموده‌اند. به‌ویژه ماده ۲۰ قانون بخش تعاونی که امکان انجام کلیه عملیات مالی و اعتباری را برای تعاونی‌ها پیش‌بینی کرده است یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عملکرد موفق تعاونی‌ها در این حوزه منوط به رعایت چند اصل کلیدی است: ۱- ایجاد ساختارهای شفاف حکمرانی و نظارت مالی، ۲- توسعه فرهنگ تعاون و آموزش مالی اعضا، ۳- طراحی محصولات مالی متناسب با نیازهای واقعی جامعه هدف و ۴- برقراری پیوند مؤثر بین تعاونی‌های اعتباری و زنجیره‌های تولیدی. این مطالعه در نهایت پیشنهاد می‌کند که با اصلاح مقررات دست و پاگیر، ارائه مشوق‌های مالیاتی، تقویت نهادهای نظارتی تخصصی و توسعه ارتباط بین تعاونی‌ها با نظام بانکی و همچنین جامعه هدف به طور هم‌زمان، می‌توان از بخش تعاون به‌عنوان موتور محرکه‌ای برای تجمیع سرمایه‌های راکد، توسعه سرمایه‌گذاری‌های مولد و در نهایت کاهش ناترازی‌های ساختاری اقتصاد کشور بهره برد.

واژگان کلیدی: بخش تعاون، اعتبارات خرد، تجمیع مالی، ناترازی مالی، تعاونی‌های اعتباری، اقتصاد مشارکتی

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی

The Capacity of the Cooperative Sector to Aggregate Micro-Credit for Economic Investment and Reducing Financial Imbalances: A Strategic Analysis with Emphasis on Legal and Operational Frameworks

Armin Norouzpour[1]

As one of the three pillars of the Iranian economy, the cooperative sector—due to its inherent characteristics such as voluntary participation, democratic control, and equitable distribution of benefits—possesses a unique capacity to aggregate micro-credit and direct it toward productive economic investments. This paper employs a descriptive-analytical research method, drawing on cooperative economic theory and upstream legal documents of the Islamic Republic of Iran, to comprehensively examine this potential.
The findings reveal that cooperatives, through mechanisms such as cooperative microfinance funds, specialized credit cooperatives, public joint-stock cooperatives, and the design of collective financing platforms specific to the cooperative sector, can function as financial intermediaries. These institutions are capable of mobilizing small-scale savings from members and non-members alike, consolidating them at scale, and addressing the fragmentation of financial resources and limited banking credit access for small, medium, and even large enterprises.

From a legal perspective, documents such as the Law on the Cooperative Sector of the Islamic Republic of Iran (1991) and its subsequent amendments, the General Policies of Article 44 of the Constitution, and the Law on the Regulation of Certain Financial Provisions of the Government (2015), provide the necessary regulatory foundation for the development of these capacities. In particular, Article 20 of the Cooperative Law permits cooperatives to conduct a full range of financial and credit operations.

The study concludes that the success of cooperatives in this domain depends on several key principles: (1) establishment of transparent financial governance and oversight structures; (2) promotion of cooperative culture and financial literacy among members; (3) design of financial products tailored to the real needs of target communities; and (4) effective linkage between credit cooperatives and productive value chains.

The paper ultimately recommends that by reforming restrictive regulations, offering tax incentives, strengthening specialized oversight bodies, and enhancing connections between cooperatives, the banking system, and target populations, the cooperative sector can act as a driving force for mobilizing idle capital, stimulating productive investments, and reducing structural financial imbalances in the national economy.

Keywords: Cooperative Sector, Micro-Credit, Financial Aggregation, Financial Imbalance, Credit Cooperatives, Participatory Economy

[1] M.A. Student in Urban Planning, Kharazmi University

بررسی ظرفیت تعاونی‌ها در اجرای مدل‌های نوین فقرزدایی در ایران: مطالعه موردی برنامه تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی

محمدرضا مرکزی[۱]

بررسی تجربه ایران در زمینه فقرزدایی نشان می‌دهد که برنامه‌های سنتی با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند. این چالش‌ها شامل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، ضعف در نظام نظارتی، ناکارآمدی در توزیع منابع، عدم مشارکت واقعی ذی‌نفعان و نبود پیوند مناسب بین حمایت‌های کوتاه‌مدت و راهکارهای بلندمدت است. به ویژه، برنامه‌هایی که تنها بر کمک‌های نقدی تمرکز داشته‌اند، نه تنها نتوانسته‌اند به کاهش پایدار فقر منجر شوند، بلکه در برخی موارد به افزایش وابستگی گروه‌های هدف نیز انجامیده‌اند. این ناکامی‌ها ضرورت بازنگری در مدل‌های فقرزدایی و توجه به الگوهای مشارکتی و جامعه‌محور را به وضوح نشان می‌دهد. در این راستا، برنامه تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی به عنوان یک الگوی نوین مطرح می‌شود که می‌تواند بسیاری از نواقص روش‌های سنتی را برطرف کند. این برنامه با ایجاد ارتباط منسجم بین نظام بانکی رسمی و نهادهای مالی خرد محلی، دسترسی اقشار کم‌درآمد به منابع مالی را تسهیل می‌کند. ویژگی بارز این مدل، ترکیب مزایای نظام بانکی (مانند ثبات منابع و شفافیت مالی) با نقاط قوت مؤسسات مالی خرد (مانند انعطاف پذیری و شناخت عمیق از جامعه محلی) است. در این سیستم، وام‌های خرد عمدتاً بدون نیاز به وثیقه‌های سنگین و با فرایندهای ساده شده به متقاضیان ارائه می‌شود. تعاونی‌ها به عنوان نهادهای مردمی و خودگردان، می‌توانند نقش کلیدی در موفقیت برنامه تأمین مالی خرد ایفا کنند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر مطالعه موردی مؤسسه تاک به بررسی ظرفیت‌های تعاونی‌ها در اجرای برنامه تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد تعاونی‌ها با ایجاد شبکه‌های اعتماد محلی، تسهیل گردش منابع مالی و ارائه آموزش‌های لازم به اعضا، بستر مناسبی برای اجرای مؤثر برنامه فراهم می‌آورند. تجربه مؤسسه تاک‌نشان می‌دهد که تعاونی‌های زنان به ویژه در مناطق روستایی، با مشارکت ۹۳ درصدی، بیشترین بهره‌برداری را از این برنامه داشته‌اند. این میزان مشارکت نشان‌دهنده این است که مدل موردنظر با ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه محلی سازگاری دارد. از جمله پیشنهادها این مطالعه برای بهبود عملکرد برنامه، تقویت نقش تعاونی‌ها، توسعه آموزش‌های مالی و ایجاد پیوندهای سازمانی قوی‌تر بین نهادهای مالی رسمی و محلی است. این مدل با تکیه بر سرمایه‌های اجتماعی و رویکرد مشارکتی، پتانسیل بالایی برای ایجاد تغییرات مثبت در سیاست‌های فقرزدایی در ایران دارد.

واژگان کلیدی: فقرزدایی، تأمین مالی خرد، بانکداری پیوندی، تعاونی‌ها، توانمندسازی اقتصادی.

۲کارشناس ارشد اقتصاد، markazi.m۷۶@gmail.com

Assessing the Capacity of Cooperatives in Implementing Innovative Poverty Alleviation Models in Iran: A Case Study of the Linked Banking Microfinance Program

Mohammadreza Markazi[1]

An analysis of Iran's experience in poverty alleviation reveals that traditional programs have faced numerous challenges, including excessive dependence on oil revenues, weak oversight mechanisms, inefficient resource distribution, lack of genuine stakeholder participation, and an inadequate connection between short-term aid and long-term solutions. Particularly, cash transfer–based programs have not only failed to achieve sustainable poverty reduction but in some cases have reinforced dependency among target groups. These shortcomings highlight the urgent need to revise poverty alleviation models and to adopt participatory and community-based approaches.

In this context, the Linked Banking Microfinance Program emerges as an innovative model that addresses many of the deficiencies of conventional methods. By establishing an integrated connection between the formal banking sector and local microfinance institutions, the program facilitates access to financial resources for low-income populations. Its distinctive feature lies in the combination of banking system strengths—such as resource stability and financial transparency—with the advantages of microfinance institutions, including flexibility and a deep understanding of local communities. In this model, microloans are typically offered without requiring heavy collateral and through simplified procedures.

As self-managed, community-based institutions, cooperatives can play a pivotal role in the success of such programs. This article employs a descriptive-analytical method and focuses on the case study of the TAK Institution to examine the capacity of cooperatives in implementing microfinance programs using the linked banking model. The findings show that cooperatives create an enabling environment by fostering local trust networks, facilitating the circulation of financial resources, and delivering necessary financial training to their members. The experience of the TAK Institution demonstrates that women's cooperatives—particularly in rural areas—have achieved a 93% participation rate, indicating strong compatibility of the model with the cultural and economic context of local communities.

The article concludes with key recommendations to improve program effectiveness, including strengthening the role of cooperatives, expanding financial education, and building stronger institutional linkages between formal and local financial entities. By leveraging social capital and participatory approaches, the model presents substantial potential to drive positive change in Iran's poverty reduction strategies.

Keywords: Poverty Alleviation, Microfinance, Linked Banking, Cooperatives, Economic Empowerment

[1] M.A. in Economics, E-mail:markazi.m٧٦@gmail.com

ظرفیت شرکت‌های توسعه و عمران شهرستانی در توسعه منطقه‌ای

احسان هجری[1]

افزایش مشارکت اقتصادی مردم مخصوصاً در مناطق محروم و کمتر برخوردار همواره از دغدغه‌های نظام برنامه‌ریزی کشور بوده است این موضوع نیازمند مدل‌سازی جهت عملیاتی شدن است در این چارچوب قانون‌گذار با تصویب قانون تأسیس شرکت‌های توسعه عمران شهرستان ظرفیت بی‌نظیری در اختیار دستگاه‌های اجرای منطقه‌ای و محلی قرار داده است به استناد قانون و به منظور تسریع در رشد و توسعه منطقه‌ای، شرکت‌هایی با عنوان شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران شهرستانی ایجاد شدند. این شرکت‌ها به‌عنوان نهادهای اقتصادی مبتنی بر سرمایه اجتماعی، ظرفیت قابل توجهی برای جذب، تجمیع و هدایت منابع مالی خرد مردم به سمت طرح‌های اشتغال‌زا و زیرساختی و اجرای قانون دارند. این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های این شرکت‌ها در زمینه تجمیع اعتبارات خرد، به روش توصیفی – تحلیلی انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه با کارشناسان محلی، مدیران عامل شرکت‌های توسعه عمران شهرستانی و نظرسنجی از مردم شهرستان‌های منتخب گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که پشتوانه قانونی، دسترسی محلی، ساختار سهام‌داری مردمی و امکان تعریف پروژه‌های مشارکتی کوچک‌مقیاس، از مهم‌ترین ظرفیت‌های این شرکت‌ها در جذب سرمایه‌های خرد هستند. با این حال، نبود آموزش‌های لازم برای مردم و مدیران محلی، مشوق‌های مالی، ضعف در شفافیت و اطلاع‌رسانی، و نبود نظام نظارتی مؤثر، از جمله چالش‌های پیش‌روی فرایند تجمیع منابع به شمار می‌آیند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران ضمن اطلاع‌رسانی و ارائه آموزش‌های تخصصی نسبت به اصلاح آیین‌نامه‌ها، حمایت قانونی از جذب منابع مردمی و تقویت ابزارهای فناوری مالی (فین‌تک)، بستر لازم برای ارتقاء نقش این شرکت‌ها در توسعه اقتصاد مردمی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: شرکت‌های تعاونی، شرکت‌های توسعه و عمران شهرستان، اعتبارات خرد، سرمایه اجتماعی

۱ کارشناسی حسابداری و رئیس کمیسیون تخصصی تعاونی های سهام عدالت، توسعه عمران شهرستانی و فراگیر ملی

The Capacity of County Development and Civil Companies in Regional Development

Ehsan Hejri[1]

Enhancing public economic participation, particularly in underprivileged and less-developed areas, has consistently been a priority in Iran's national development planning. Operationalizing this objective requires the formulation of practical models. In this context, the legislature has created a unique opportunity by enacting the Law on the Establishment of County Development and Civil Companies, offering local and regional executive bodies a powerful tool. According to this law, these companies—established as cooperative enterprises—are designed to accelerate regional growth and development by mobilizing social capital. They possess considerable potential to attract, pool, and direct small-scale public savings toward job-creating and infrastructure projects, while also contributing to the implementation of national development laws.

This article aims to assess the capacities, opportunities, and challenges facing these companies in aggregating micro-savings, using a descriptive-analytical approach. Data were collected through interviews with local experts, CEOs of county development companies, and surveys of citizens in selected counties. The findings indicate that legal backing, local access, grassroots ownership structures, and the ability to initiate small-scale participatory projects are key strengths of these companies in attracting micro-capital. However, several barriers remain, including the lack of training for both the public and local managers, insufficient financial incentives, poor transparency and communication, and the absence of effective oversight mechanisms.

The article recommends that policymakers enhance public awareness, offer targeted training, revise regulatory frameworks, legally support public fundraising efforts, and strengthen financial technology (FinTech) tools in order to enable these companies to play a more prominent role in fostering a participatory economy.

Keywords: Cooperative Companies, County Development Companies, Microfinance, Social Capital

[1] B.A. in Accounting and Chair of the Specialized Commission on Justice Shares Cooperatives, County Development, and National Comprehensive Development

مهم‌ترین موانع توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه در تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و نقش اتحادیه‌های تعاونی در رفع آن‌ها

مرصاد نعمتی دانا[1]

تحقیق و توسعه (D&R) یکی از مؤلفه‌های اصلی در افزایش بهره‌وری، نوآوری و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها به‌ویژه در اقتصادهای دانش‌بنیان به شمار می‌رود. با این حال، تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) به‌رغم نقش گسترده در تولید و اشتغال، با موانع متعددی در زمینه توسعه فعالیت‌های D&R مواجه هستند. این پژوهش با هدف شناسایی مهم‌ترین موانع تحقیق و توسعه در این بنگاه‌ها و بررسی ظرفیت‌ها و کارکردهای اتحادیه‌های تعاونی در رفع این موانع انجام شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی، بررسی تجارب جهانی، و تحلیل نهادی ساختار تعاون بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محدودیت منابع مالی، کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف در شبکه‌سازی فناورانه، نبود زیرساخت‌های حمایتی، و ناآگاهی مدیریتی از جمله موانع اصلی فعالیت‌های تحقیق و توسعه در تعاونی‌ها بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند. در این میان، اتحادیه‌های تعاونی به‌واسطهٔ ساختار شبکه‌ای، توانایی هم‌افزایی منابع، ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک، برقراری ارتباط با مراکز علمی و دانش‌بنیان، و ایفای نقش تسهیل‌گر می‌توانند به طور مؤثری در کاهش این موانع و ارتقاء ظرفیت‌های نوآورانه SMEs نقش‌آفرینی کنند. در پایان، راهکارهایی از جمله ایجاد صندوق‌های حمایت از D&R، تقویت آموزش و مشاوره تخصصی، و سیاست‌گذاری حمایتی مبتنی بر نقش اتحادیه‌ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: تحقیق و توسعه، بنگاه‌های کوچک و متوسط، موانع نوآوری، اتحادیه‌های تعاونی، اقتصاد دانش‌بنیان

۱ کارشناس ارشد تجارت الکترونیک و کارشناس روابط عمومی اتاق تعاون

Key Barriers to R&D Development in Cooperatives and SMEs and the Role of Cooperative Unions in Overcoming Them

Mersad Ne'mati Dana[1]

Research and Development (R&D) is a central pillar of productivity, innovation, and competitiveness—particularly within knowledge-based economies. Despite their significant role in production and employment, cooperatives and small and medium-sized enterprises (SMEs) often face numerous obstacles in advancing R&D activities. This study aims to identify the major barriers to R&D in these enterprises and examine the capacity and functions of cooperative unions in addressing such challenges.

The research follows a descriptive-analytical methodology, drawing on documentary analysis, international case studies, and institutional review of the cooperative sector. The findings indicate that financial constraints, a shortage of skilled personnel, weak technological networking, lack of supportive infrastructure, and limited managerial awareness are among the most pressing barriers to R&D within cooperatives and SMEs.

Cooperative unions—by leveraging their networked structure, resource aggregation capabilities, ability to establish joint research centers, and facilitation of partnerships with academic and knowledge-based institutions—can play a pivotal role in mitigating these challenges and enhancing the innovative capacity of SMEs. The paper concludes with policy recommendations, including the establishment of R&D support funds, strengthening of specialized training and consulting services, and the development of supportive frameworks centered on the enabling role of cooperative unions.

Keywords: Research and Development, SMEs, Innovation Barriers, Cooperative Unions, Knowledge-Based Economy

[1] M.A. in E-Commerce and Public Relations Expert, Iran Chamber of Cooperatives

نقش تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی: مروری نظام‌مند بر مفاهیم، چالش‌ها و راهکارها

آرزو عبدی[1]

توسعه کارآفرینی یکی از محورهای اساسی در رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و ارتقای سطح رفاه اجتماعی در کشورها به شمار می‌رود. تعاونی‌ها به عنوان نهادهای مردمی و مبتنی بر مشارکت جمعی، نقش مهمی در حمایت و تسهیل فرایندهای کارآفرینانه دارند. هدف این مقاله مروری، بررسی نظام‌مند مفاهیم، نقش‌ها، چالش‌ها و راهکارهای توسعه کارآفرینی در قالب تعاونی‌ها است. نتایج مطالعه نشان نشان می‌دهد که تعاونی‌ها می‌توانند با فراهم آوردن بسترهایی مانند تأمین مالی خرد، آموزش مهارت‌های کارآفرینی، به اشتراک‌گذاری منابع و کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی، زمینه رشد کسب وکارهای نوپا و کوچک را تقویت نمایند. با این حال، مشکلاتی از قبیل ضعف نظام مدیریت حرفه‌ای، کمبود منابع مالی، محدودیت‌های قانونی و فرهنگی، و ضعف زیرساخت‌های فناورانه، چالش‌هایی جدی بر سر راه نقش‌آفرینی مؤثر تعاونی‌ها در عرصه کارآفرینی محسوب می‌شوند. در پایان، راهکارهایی همچون بهبود آموزش‌های تخصصی، حمایت‌های سیاستی هدفمند، به‌کارگیری فناوری‌های نوین و الگوبرداری از تجارب موفق جهانی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعاونی، کارآفرینی، توسعه اقتصادی، چالش‌ها، راهکارها

۱ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه تبریز arezoabdi945@yahoo.com

The Role of Cooperatives in Entrepreneurship Development: A Systematic Review of Concepts, Challenges, and Strategies

Arezou Abdi[1]

Entrepreneurship development is a fundamental driver of economic growth, job creation, and the enhancement of social welfare in any country. Cooperatives, as community-based institutions rooted in collective participation, play a significant role in supporting and facilitating entrepreneurial processes. This review article aims to systematically examine the key concepts, functions, challenges, and strategies related to fostering entrepreneurship through cooperatives.

The findings derived from an extensive review of domestic and international literature suggest that cooperatives can strengthen the development of startups and small businesses by providing platforms such as microfinance, entrepreneurship training, resource sharing, and risk mitigation. However, several challenges hinder their effective role in this domain, including weak professional management systems, limited financial resources, legal and cultural constraints, and underdeveloped technological infrastructure.

The article concludes by proposing several solutions, including enhanced professional training programs, targeted policy support, the adoption of modern technologies, and the adaptation of successful global practices to local contexts.

Keywords: Cooperative, Entrepreneurship, Economic Development, Challenges, Strategies

[1] Ph.D. Student in Agricultural Economics, University of Tabriz, E-mail: arezoabdi945@yahoo.com

تحلیل تطبیقی نقاط قوت تعاونی‌های سلامت‌محور در نظام‌های بهداشتی جهان: الگویی برای توسعه عدالت درمانی در ایران

محمد امیری[۱]

در دهه‌های اخیر، تعاونی‌های سلامت‌محور به‌عنوان یکی از الگوهای موفق در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، توانسته‌اند نقش مؤثری در ارتقاء عدالت سلامت، افزایش مشارکت مردمی و کاهش هزینه‌های نظام سلامت ایفا کنند. این مطالعه با هدف تحلیل تطبیقی نقاط قوت تعاونی‌های سلامت در کشورهای منتخب جهان انجام شده است. روش تحقیق توصیفی–تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مرور اسناد سازمانی، و بررسی گزارش‌های میدانی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌های سلامت از ویژگی‌هایی چون ساختار غیرانتفاعی، تمرکز بر نیازهای جامعه محلی، شفافیت مالی، پایداری اقتصادی، انعطاف‌پذیری در بحران‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی برخوردارند. همچنین، تعاونی‌ها در این کشورها توانسته‌اند با تکیه بر اصول مشارکت، توانمندسازی کارکنان و رضایت محوری بیماران، جایگزینی مناسب برای مدل‌های متمرکز و دولتی ارائه دهند. بررسی تجارب موفق این کشورها می‌تواند الگویی کاربردی برای توسعه تعاونی‌های سلامت در ایران، به‌ویژه در مناطق محروم، فراهم کند. این مقاله در نهایت پیشنهادهایی برای بومی‌سازی این مدل در ساختار سیاست‌گذاری نظام سلامت ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تعاونی سلامت، نظام بهداشت تطبیقی، عدالت درمانی، مشارکت اجتماعی، خدمات مقرون‌به‌صرفه.

۱ دکتری در طب ایرانی؛ دبیر کمیسیون بهداشت درمان آموزش پزشکی اتاق تعاون ایران

A Comparative Analysis of the Strengths of Health-Oriented Cooperatives in Global Health Systems: A Model for Advancing Healthcare Equity in Iran

Mohammad Amiri[1]

In recent decades, health-oriented cooperatives have emerged as one of the most successful models for delivering healthcare services, playing a pivotal role in promoting health equity, increasing public participation, and reducing overall healthcare costs. This study aims to conduct a comparative analysis of the strengths of health cooperatives in selected countries around the world. Utilizing a descriptive–analytical method, data were gathered through library research, organizational document reviews, and field report analyses.

The findings reveal that health cooperatives exhibit key characteristics such as nonprofit structures, a focus on local community needs, financial transparency, economic sustainability, crisis adaptability, and the strengthening of social capital. Furthermore, these cooperatives have succeeded in offering viable alternatives to centralized and state-run models by emphasizing participatory governance, employee empowerment, and patient-centered care.

The study argues that lessons from successful global experiences offer practical guidance for developing health cooperatives in Iran, particularly in underserved regions. The paper concludes with policy recommendations for localizing this model within Iran's health system to enhance equitable access to care.

Keywords: Health Cooperative, Comparative Health Systems, Healthcare Equity, Social Participation, Affordable Services

[1] Ph.D. in Iranian Traditional Medicine; Secretary of the Health, Treatment, and Medical Education Commission, Iran Chamber of Cooperatives

آسیب‌شناسی طرح سهام عدالت و ارائه راهکارهای اصلاحی با رویکرد تقویت تعاونی های سهام عدالت

سکینه علی بیگی[1]

طرح سهام عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین کلان پروژه‌های عدالت‌محور کشور با هدف تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی، کاهش نابرابری در توزیع ثروت میان اقشار مختلف جامعه، تقویت قشرهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از طریق اعطاء مالکیت در بنگاه‌های اقتصادی، گسترش مالکیت عمومی در اقتصاد، واگذاری بخشی از مالکیت شرکت‌های دولتی به مردم به ویژه اقشار محروم، مردمی سازی اقتصاد و جلوگیری از تمرکز ثروت در دست گروه خاص، افزایش مشارکت مردم در اقتصاد، افزایش حس تعلق مردم نسبت به منابع ملی، ایجاد انگیزه برای مشارکت فعال مردم در توسعه اقتصادی کشور، کاهش بار مالی دولت و ایجاد منبع درآمد برای اقشار ضعیف اجراء شده است. مقاله حاضر با هدف بررسی نقاط ضعف در اجرای این طرح و ارائه پیشنهادهای اصلاحی در اجراء و افزایش مشارکت اقتصادی واقعی مردم انجام شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی – تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد سیاستی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم اجازه نقش‌آفرینی به شرکت‌های تعاونی سهام عدالت، نحوه توزیع سود سهام، ابهام در مالکیت و مدیریت مردم، فقدان آموزش و آگاهی عمومی، عدم شفافیت و پاسخگویی در شرکت‌های سرمایه‌پذیر، دولتی ماندن ساختار واقعی شرکت‌های سرمایه‌پذیر، پیچیدگی در آزادسازی و فروش سهام، فرآیند آزادسازی سهام و ضعف نظارت بر شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از مهم‌ترین آسیب‌های اجراء طرح مذکور بوده‌اند. نظارت بر حسن اجراء قانون، افزایش نقش شرکت‌های سهام عدالت در اجراء قانون و عدم دخالت دولت در مدیریت شرکت‌های سرمایه‌پذیر از پیشنهادهای اصلاحی این مطالعه است.

واژگان کلیدی: سهام عدالت، مشارکت اقتصادی، مردمی‌سازی اقتصاد

۱ کارشناس ارشد حسابداری و مدیرعامل تعاونی سهام عدالت شهرستان ایلام، عضو کمیسیون تخصصی تعاونی سهام عدالت، توسعه عمران شهرستانی و فراگیرملی

A Critical Analysis of the Justice Shares Plan and Reform Proposals with an Emphasis on Strengthening Justice Shareholding Cooperatives

Sakineh Alibeigi[1]

The Justice Shares Plan (Saham-e Edalat) is one of Iran's most significant nationwide equity-oriented initiatives, designed to promote social justice, reduce income inequality, distribute national wealth more fairly, and empower low-income and vulnerable groups by granting them ownership in state-owned enterprises. The plan also aims to expand public ownership in the economy, democratize economic participation, prevent wealth concentration, enhance public involvement in national development, reduce the government's financial burden, and generate income for marginalized communities.

This paper critically examines the shortcomings of the plan's implementation and proposes reform strategies to enhance meaningful economic participation among citizens. Employing a descriptive–analytical methodology, the research draws upon library resources and official policy documents.

Findings reveal major deficiencies, including: the marginalization of justice shareholding cooperatives; flaws in profit distribution mechanisms; ambiguities in ownership and public management; lack of public education and awareness; limited transparency and accountability in investee companies; persistence of government control in these companies; complexities in the stock liberalization and sale processes; and inadequate oversight of provincial investment companies. The study recommends strengthening the role of justice cooperatives in implementing the law, ensuring non-interference by the government in managing investee companies, and enhancing legal supervision to rectify implementation challenges.

Keywords: Justice Shares, Economic Participation, Economic Democratization

[1] M.A. in Accounting and CEO of the Justice Shares Cooperative of Ilam County; Member of the Specialized Commission on Justice Shares Cooperatives, County Development, and National Comprehensive Development

نقش بخش تعاون در توانمندسازی و مشارکت اقتصادی بانوان بر اساس تجارب موفق جهانی و الگوهای دینی و فرهنگی کشور

سیده گوهرشاد صالحیان[1]

بخش تعاون در تجربه جهانی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای توانمندسازی اقتصادی زنان و ارتقای مشارکت آنان در اقتصاد شناخته شده است. این مقاله با هدف بررسی نقش تعاونی‌ها در افزایش مشارکت اقتصادی بانوان و تحلیل تجارب موفق جهانی در این زمینه انجام شده است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات تطبیقی بوده و روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌ها با فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای دسترسی به منابع مالی، آموزش‌های فنی و مدیریتی و ساختار تصمیم‌گیری مشارکتی، موجب افزایش اعتماد به نفس، استقلال اقتصادی و نقش‌آفرینی اجتماعی زنان شده‌اند. همچنین، چارچوب‌های حمایتی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در موفقیت این تعاونی‌ها نقش کلیدی داشته‌اند. در نتیجه، توسعه تعاونی‌های زنان با الهام از آموزه‌های دینی و فرهنگی کشور و الگوهای موفق جهانی، می‌تواند راهبردی کارآمد برای ارتقای عدالت اجتماعی در کشور باشد.

واژگان کلیدی: تعاون، توانمندسازی اقتصادی، زنان، مشارکت اقتصادی

۱ رئیس کمیسیون بانوان و رئیس اتاق تعاون گلستان

The Role of the Cooperative Sector in Women's Empowerment and Economic Participation: Insights from Global Best Practices and National Religious-Cultural Models

Seyyedeh Goharshad Salehian[1]

Globally, the cooperative sector is recognized as an effective instrument for economically empowering women and enhancing their participation in economic activities. This study aims to examine the role of cooperatives in promoting women's economic engagement, drawing on successful international experiences and contextualizing them within Iran's religious and cultural frameworks. The research follows a descriptive–analytical approach, based on comparative studies and data gathered through document analysis and library research.

Findings indicate that cooperatives have significantly contributed to women's empowerment by providing equitable access to financial resources, technical and managerial training, and inclusive decision-making structures. These mechanisms have boosted women's self-confidence, economic independence, and social engagement. Moreover, supportive frameworks from governments and international institutions have played a pivotal role in the success of women-focused cooperatives.

The study concludes that the development of women's cooperatives, guided by religious and cultural teachings and inspired by global best practices, can serve as an effective strategy for promoting social justice in Iran.

Keywords: Cooperative, Economic Empowerment, Women, Economic Participation

[1] Chairwoman of the Women's Commission and President of the Golestan Chamber of Cooperatives

نقش تعاونی‌های روستایی در توسعه پایدار مناطق محروم: یک مطالعه مروری

آرزو عبدی[1]

تعاونی‌های روستایی به‌عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصاد اجتماعی، می‌توانند نقش قابل توجهی در فرایند توسعه پایدار مناطق محروم ایفا کنند. این تعاونی‌ها با استفاده از ظرفیت‌های بومی، افزایش سطح مشارکت مردمی، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای بهره‌وری منابع، قادرند به بهبود معیشت، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان کمک نمایند. هدف این مقاله مروری، بررسی نظام‌مند مطالعات داخلی و خارجی درباره نقش تعاونی‌های روستایی در تحقق توسعه پایدار مناطق محروم است. نتایج نشان می‌دهد که این تعاونی‌ها علاوه بر بهبود ابعاد اقتصادی همچون درآمدزایی و اشتغال، می‌توانند در ارتقاء شاخص‌های اجتماعی نظیر مشارکت جمعی، آموزش، و کاهش مهاجرت روستایی نیز مؤثر باشند. با این حال، چالش‌هایی مانند ضعف زیرساخت‌های فیزیکی، محدودیت منابع مالی، ناکارآمدی مدیریتی، و کمبود دسترسی به فناوری‌های نوین موجب کاهش کارایی این تعاونی‌ها شده است. در پایان، راهکارهایی از جمله بهبود زیرساخت‌ها، ارتقاء آموزش‌های فنی و مدیریتی، حمایت‌های سیاستی هدفمند و بهره‌گیری از تجارب موفق جهانی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های روستایی، توسعه پایدار، مناطق محروم، سرمایه اجتماعی.

[1] دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه تبریز arezoabdi۹٤٥@yahoo.com

The Role of Rural Cooperatives in Sustainable Development of Underserved Areas: A Review Study

Arezoo Abdi[1]

Rural cooperatives, as key institutions within the social economy, can play a significant role in the sustainable development of underserved regions. By leveraging local capacities, enhancing public participation, strengthening social capital, and improving resource productivity, these cooperatives can contribute to livelihood enhancement, the creation of sustainable employment opportunities, and the overall quality of rural life.

This review article systematically examines domestic and international studies on the role of rural cooperatives in achieving sustainable development in marginalized areas. The findings show that in addition to economic improvements such as income generation and job creation, rural cooperatives can positively influence social indicators, including collective participation, education, and the reduction of rural-to-urban migration. However, challenges such as inadequate physical infrastructure, limited financial resources, managerial inefficiencies, and lack of access to modern technologies have hindered their effectiveness.

The paper concludes with several recommendations, including infrastructure development, enhancement of technical and managerial training, targeted policy support, and the adoption of successful global practices.

Keywords: Rural Cooperatives, Sustainable Development, Underserved Areas, Social Capital

[1] Ph.D. Student in Agricultural Economics, University of Tabriz, E-mail: arezoabdi۹٤٥@yahoo.com

امکان‌سنجی مشارکت مردم در قالب تعاونی در باشگاه‌داری ورزشی در ایران بر اساس آسیب‌شناسی وضع موجود و تجارب موفق جهانی

حجت‌الله هاشم بیگی[1]

باشگاه‌داری ورزشی در ایران با چالش‌هایی ساختاری نظیر وابستگی مالی به دولت، تمرکز مالکیت، نبود شفافیت، و مشارکت حداقلی مردم در فرایند تصمیم‌گیری مواجه است. این وضعیت منجر به کاهش بهره‌وری مدیریتی، افت سرمایه اجتماعی، و فاصله‌گیری هواداران از باشگاه‌ها شده است. در مقابل، تجارب موفق جهانی در کشورهایی همچون آلمان (الگوی ۵۰+۱)، اسپانیا، بریتانیا و کشورهای اسکاندیناوی نشان می‌دهد که مشارکت مردم در قالب تعاونی‌های ورزشی می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء شفافیت، پایداری مالی، افزایش حس تعلق و توسعه حکمرانی مشارکتی در ورزش ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی مشارکت مردم در باشگاه‌داری ورزشی از طریق تعاونی‌ها در ایران، بر پایه دو رویکرد: آسیب‌شناسی وضع موجود باشگاه‌داری در کشور و تحلیل تطبیقی تجارب موفق جهانی انجام شده است. روش تحقیق کیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی اسناد، مصاحبه با خبرگان و تحلیل ساختارهای حقوقی و اقتصادی باشگاه‌داری است. نتایج نشان می‌دهد که هرچند ضعف‌های نهادی، فقدان قوانین مشخص درباره مالکیت جمعی، و مقاومت ساختار سنتی باشگاه‌داری موانعی جدی هستند، اما ظرفیت‌های موجود در بخش تعاون و فرهنگ هواداری پویا، امکان حرکت تدریجی به سوی مدل تعاونی را فراهم می‌کند. در پایان، پژوهش بر لزوم تدوین چارچوب حقوقی ویژه برای تعاونی‌های ورزشی، اصلاح سیاست‌های مالکیت باشگاه‌ها، و ترویج فرهنگ مشارکت عمومی در ورزش تأکید دارد. مشارکت مردم در قالب تعاونی می‌تواند به‌عنوان الگویی بومی و پایدار برای اصلاح ساختار باشگاه‌داری و توسعه ورزش حرفه‌ای در ایران مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: باشگاه‌داری ورزشی، تعاونی ورزشی، مشارکت مردمی، آسیب‌شناسی، تجارب بین‌المللی، شفافیت مالی، حکمرانی مشارکتی

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

Feasibility of Public Participation through Cooperatives in Sports Club Management in Iran: A Diagnosis of the Current Situation and Review of Global Best Practices

Hojatollah Hashembeigi[1]

Sports club management in Iran faces structural challenges such as financial dependence on the government, centralized ownership, lack of transparency, and minimal public involvement in decision-making processes. These issues have resulted in decreased managerial efficiency, weakened social capital, and disengagement of fans from clubs. In contrast, successful international experiences in countries like Germany (the 50+1 model), Spain, the United Kingdom, and the Scandinavian region demonstrate that public participation through cooperative sports clubs can significantly enhance transparency, financial sustainability, a sense of belonging, and participatory governance in sports.

This study explores the feasibility of public involvement in sports club management through cooperatives in Iran by analyzing both the shortcomings of the current system and global best practices. The research employs a qualitative-analytical approach based on document analysis, expert interviews, and a review of the legal and economic structures of club ownership.

Findings suggest that while institutional weaknesses, the absence of clear regulations on collective ownership, and resistance from traditional management structures pose significant barriers, the cooperative sector's capacities and Iran's vibrant fan culture provide a foundation for a gradual shift toward a cooperative model. The paper emphasizes the need to formulate a dedicated legal framework for sports cooperatives, reform club ownership policies, and promote public participation culture in sports. Public participation through cooperatives can serve as a sustainable and localized model for restructuring sports club management and developing professional sports in Iran.

Keywords: Sports Club Management, Sports Cooperative, Public Participation, Institutional Diagnosis, International Experiences, Financial Transparency, Participatory Governance

[1] Faculty Member, Islamic Azad University

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تعاونی‌های مصرف در افزایش رضایتمندی مشتریان بر اساس تجارب جهانی

علیرضا رضایی[۱]
مرجان گرامی[۲]
حسین افتخاری[۳]

تعاونی‌های مصرف به‌عنوان یکی از اشکال مردمی و مشارکتی سازمان‌های اقتصادی، نقش مهمی در تأمین کالاهای اساسی، حذف واسطه‌ها و کاهش قیمت، ایجاد دسترسی آسان به کالاها در مناطق مختلف، بهبود دسترسی به خدمات باکیفیت و ارتقای رضایتمندی مشتریان ایفا می‌کنند. این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تعاونی‌های مصرف در افزایش رضایت مشتریان، بر پایه تجارب جهانی در کشورهای پیشرو انجام شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و داده‌ها از طریق تحلیل مطالعات موردی و گزارش‌های بین‌المللی گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موفق‌ترین تعاونی‌های مصرف، با تمرکز بر شفافیت در قیمت‌گذاری، کیفیت بالا، پاسخگویی به نیاز اعضا، و مشارکت واقعی مشتریان در تصمیم‌گیری‌ها، توانسته‌اند سطح بالایی از اعتماد و وفاداری مشتریان را ایجاد کنند. همچنین، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تنوع محصول و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از عوامل کلیدی در تقویت رضایت‌مندی مشتریان در این تعاونی‌ها بوده است. مطالعه حاضر تأکید می‌کند که الگوگیری از تجربیات جهانی و تقویت ساختار مشارکتی و خدمات‌محور تعاونی‌های مصرف، می‌تواند نقش آن‌ها را در توسعه اقتصادی و ارتقاء رفاه عمومی افزایش دهد.

واژگان کلیدی: تعاونی مصرف، رضایت مشتری، مشارکت اقتصادی، خدمات باکیفیت، وفاداری مشتریان

۱. معاون توسعه و بهبود کسب و کار اتحادیه امکان
۲. فوق لیسانس و مدرس دانشگاه
۳. فوق لیسانس و مشاور مدیریت اتحادیه امکان

Capacities and Potentials of Consumer Cooperatives in Enhancing Customer Satisfaction: Insights from Global Experiences

Alireza Rezaei[۱], Marjan Gerami[۲], Hossein Eftekhari[۳]

Consumer cooperatives, as grassroots and participatory economic organizations, play a significant role in providing essential goods, eliminating intermediaries, reducing prices, ensuring equitable access to products and services, and enhancing customer satisfaction. This article aims to examine the capacities and potentials of consumer cooperatives in improving customer satisfaction, drawing on international experiences in leading countries. The research employs a descriptive-analytical methodology, with data collected through case study analyses and international reports.

The findings reveal that the most successful consumer cooperatives have achieved high levels of customer trust and loyalty by emphasizing transparent pricing, high product quality, responsiveness to members' needs, and genuine customer participation in decision-making processes. Moreover, the use of modern technologies, product diversification, and a strong sense of social responsibility are identified as key factors contributing to customer satisfaction in these cooperatives.

The study underscores that adopting global best practices and reinforcing the participatory and service-oriented structure of consumer cooperatives can enhance their role in economic development and public welfare.

Keywords: Consumer Cooperatives, Customer Satisfaction, Economic Participation, Quality Services, Customer Loyalty

۱ Deputy of Business Development and Improvement, Emkan Union
۲ M.A. Degree and University Lecturer
۳ M.A. Degree and Management Consultant, Emkan Union

نقش تعاونی‌های مرزنشین در توسعه بازارچه‌های مرزی و تقویت معیشت ساکنان مناطق مرزی

طاهر تیلا[1]

بازارچه‌های مرزی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در توسعه اقتصادی مناطق مرزی، نقش مهمی در افزایش مبادلات تجاری، کاهش بیکاری، و تقویت معیشت مرزنشینان ایفا می‌کنند. در این میان، تعاونی‌های مرزنشینان با برخورداری از ساختارهای مشارکتی و مردمی، می‌توانند به عنوان حلقه اتصال میان دولت و جامعه محلی عمل کرده و ظرفیت‌های بالقوه بازارچه‌های مرزی را بالفعل سازند. هدف این مقاله، بررسی نقش و ظرفیت تعاونی‌های مرزنشین در توسعه بازارچه‌های مرزی و تأثیر آن بر بهبود معیشت و ایجاد اقتصاد پایدار در این مناطق است. با استفاده از روش تحلیلی – توصیفی و بررسی تجارب موفق داخلی و بین‌المللی، نشان داده می‌شود که مشارکت فعال تعاونی‌ها در مدیریت بازارچه‌ها، ساماندهی صادرات و واردات خرد، و توسعه زیرساخت‌های تجاری می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری، کاهش قاچاق، و رونق اقتصاد محلی شود. همچنین، مقاله به چالش‌هایی همچون ضعف قوانین حمایتی، نبود آموزش‌های تخصصی، و مشکلات در زنجیره تأمین اشاره می‌کند. در نهایت، راهکارهایی مانند توانمندسازی مدیریتی تعاونی‌ها، تسهیل دسترسی به منابع مالی، و تقویت همکاری‌های بین‌مرزی به عنوان مسیرهای پیشنهادی جهت بهبود عملکرد تعاونی‌ها در توسعه بازارچه‌های مرزی مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های مرزنشین، بازارچه‌های مرزی، تجارت مرزی، اقتصاد محلی، توسعه پایدار مناطق مرزی.

۱. رئیس اتحادیه سراسری مرزنشینان کشور

The Role of Border Residents' Cooperatives in the Development of Border Markets and Strengthening Livelihoods in Border Regions

Taher Tila[1]

Border markets serve as effective instruments for the economic development of frontier regions, significantly contributing to increased trade, reduced unemployment, and enhanced livelihoods of border residents. In this context, border residents' cooperatives—with their participatory and community-based structures—can act as a vital link between the government and local communities, helping to realize the latent potential of these markets. This article aims to examine the role and capacity of border cooperatives in developing border markets and their impact on sustainable livelihoods and regional economic resilience.

Using a descriptive-analytical method and drawing on successful domestic and international experiences, the study shows that active cooperative participation in the management of border markets, the regulation of small-scale imports and exports, and the development of commercial infrastructure can lead to improved efficiency, reduced smuggling, and revitalization of the local economy. The paper also highlights challenges such as weak legal support, lack of specialized training, and inefficiencies in the supply chain. Finally, the article proposes strategic solutions including the managerial empowerment of cooperatives, improved access to financial resources, and stronger cross-border cooperation to enhance the performance of cooperatives in developing border markets.

Keywords: Border Residents' Cooperatives, Border Markets, Cross-Border Trade, Local Economy, Sustainable Development in Border Regions

[1] Chairman of the National Union of Border Residents

ظرفیت تعاونی‌ها در بهبود بهره‌وری منابع و کاهش ضایعات در چارچوب اقتصاد چرخشی

مریم آقانصیری[1]

تعاونی‌ها به‌عنوان نهادهای مشارکتی و محلی، نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصاد چرخشی ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی ظرفیت تعاونی‌ها در بهبود بهره‌وری منابع و کاهش ضایعات، در چارچوب اقتصاد چرخشی انجام شده است. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مرور منابع کتابخانه‌ای و مطالعات موردی تعاونی‌های فعال در حوزه بازیافت، تولید پایدار و مدیریت منابع جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که تعاونی‌ها با توانمندسازی اعضا، تسهیل گردش مجدد مواد، استفاده از فناوری‌های بهینه و توسعه فرهنگ مصرف مسئولانه، می‌توانند به کاهش ضایعات و ارتقاء بهره‌وری منابع کمک کنند. همچنین، ساختار مشارکتی و توزیع عادلانه منافع در تعاونی‌ها، زمینه‌ساز افزایش انگیزه و پایداری فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد چرخشی است. با وجود این، چالش‌هایی مانند محدودیت‌های مالی، ضعف زیرساخت‌های فناوری و کمبود حمایت‌های نهادی، از موانع اصلی تحقق ظرفیت‌های تعاونی‌ها به شمار می‌روند. پیشنهاد می‌شود با سیاست‌گذاری هدفمند و تقویت زیرساخت‌ها، نقش تعاونی‌ها در اقتصاد چرخشی بیش از پیش ارتقاء یابد.

واژگان کلیدی: تعاونی، بهره‌وری منابع، کاهش ضایعات، اقتصاد چرخشی، توسعه پایدار، مدیریت منابع

۱ .کارشناس ارشد اقتصاد و کارشناس معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد و امور دارایی

The Role of Cooperatives in Enhancing Resource Efficiency and Reducing Waste within the Framework of the Circular Economy

Maryam Aghanasiri[1]

Cooperatives, as participatory and community-based institutions, play a significant role in achieving the goals of the circular economy. This study aims to explore the capacities of cooperatives in improving resource efficiency and reducing waste within a circular economy framework. The research adopts a descriptive-analytical methodology, relying on a review of academic literature and case studies of cooperatives active in recycling, sustainable production, and resource management.

Findings indicate that cooperatives, by empowering their members, facilitating material recirculation, utilizing efficient technologies, and promoting a culture of responsible consumption, can contribute to waste reduction and enhanced resource efficiency. Moreover, their participatory structure and equitable distribution of benefits foster greater motivation and sustainability in circular economy initiatives. Nonetheless, challenges such as financial constraints, technological infrastructure weaknesses, and lack of institutional support remain significant barriers to realizing these potentials.

The study recommends targeted policy interventions and infrastructure development to further strengthen the role of cooperatives in advancing the circular economy.

Keywords: Cooperatives, Resource Efficiency, Waste Reduction, Circular Economy, Sustainable Development, Resource Management

[1] M.A. in Economics and Expert at the Economic Deputy Office, Ministry of Economic Affairs and Finance

ظرفیت تعاونی‌های مرزنشین در توسعه شبکه توزیع کشور با تأکید بر تأمین نیاز مرزنشینان

فرهاد صیدی[1]

شبکه توزیع کالا و خدمات به‌عنوان یکی از ارکان اصلی زنجیره تأمین، نقش حیاتی در تعادل بازار، تثبیت قیمت‌ها، کاهش هزینه‌ها و دسترسی عادلانه مردم به کالاهای اساسی ایفا می‌کند. در این راستا، تعاونی‌های مرزنشین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، ارتباط نزدیک با بازارهای خارجی و ظرفیت‌های انسانی محلی، می‌توانند در توسعه شبکه توزیع ملی نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشند. این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل تعاونی‌های مرزنشین در تقویت شبکه توزیع کشور و ایجاد هم‌افزایی بین تولید، واردات و مصرف نگاشته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با ایجاد سازوکارهای قانونی و اجرایی مناسب، تعاونی‌های مرزنشین می‌توانند به عنوان بازوی توزیعی دولت در مرزها عمل کرده، ضمن تأمین کالاهای مورد نیاز مناطق داخلی، به تنظیم بازار در شرایط بحرانی کمک نمایند. همچنین، مشارکت این تعاونی‌ها در واردات رسمی و توزیع منطقه‌ای، می‌تواند قاچاق را کاهش داده و فرصت‌های شغلی پایداری برای جوامع مرزی ایجاد کند. در پایان، پیشنهادهایی برای بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها، از جمله اصلاح سیاست‌های بازرگانی، حمایت مالی و زیرساختی، و ارتقاء توان مدیریتی تعاونی‌ها ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های مرزنشین، شبکه توزیع، تجارت مرزی، تنظیم بازار، توسعه پایدار، مناطق مرزی.

۱. رئیس اتاق تعاون ایلام

The Role of Border Residents' Cooperatives in Expanding the National Distribution Network with Emphasis on Meeting Border Communities' Needs

Farhad Seyyedi[1]

The distribution network for goods and services, as a core pillar of the supply chain, plays a vital role in market equilibrium, price stabilization, cost reduction, and equitable access to essential goods. In this context, border residents' cooperatives—due to their strategic geographic position, close ties to foreign markets, and utilization of local human resources—can contribute effectively to the development of the national distribution system.

This paper aims to examine the actual and potential capacities of border cooperatives in strengthening the national distribution network and creating synergies between production, imports, and consumption. The findings indicate that with the implementation of appropriate legal and executive mechanisms, these cooperatives can serve as the government's distribution arm in border regions. In doing so, they can supply essential goods to domestic markets and help regulate markets during times of crisis. Moreover, their participation in formal imports and regional distribution can reduce smuggling and generate stable employment opportunities for border communities.

Finally, the study proposes policy recommendations for leveraging these capacities more effectively, including the reform of trade policies, financial and infrastructural support, and enhancing the managerial capabilities of the cooperatives.

Keywords: Border Residents' Cooperatives, Distribution Network, Cross-Border Trade, Market Regulation, Sustainable Development, Border Regions

[1] President of the Ilam Chamber of Cooperatives

ظرفیت تعاونی‌ها در توسعه هوش مصنوعی با رویکردی مشارکتی و عدالت‌محور

ماندانا جعفری[1]

هدف این پژوهش، بررسی نقش و ظرفیت تعاونی‌ها در فرایند توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی با رویکردی مشارکتی و عدالت‌محور است. با توجه به چالش‌هایی چون تمرکزگرایی، مالکیت ناعادلانه داده‌ها و تبعیض‌های الگوریتمی در مسیر توسعه هوش مصنوعی (AI)، ضرورت دارد چارچوب‌های نهادی جایگزین مورد بررسی قرار گیرند. در این مطالعه، با استفاده از روش توصیفی–تحلیلی و تحلیل نمونه‌های موردی منتخب از تجارب جهانی، ظرفیت‌های نهادی، اجتماعی و اقتصادی تعاونی‌ها برای ایفای نقش فعال در حوزه هوش مصنوعی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعاونی‌ها به‌عنوان نهادهایی دموکراتیک، می‌توانند در تولید داده، آموزش مدل‌ها، و توزیع منافع حاصل از فناوری نقش‌آفرینی کنند. همچنین، ساختار تعاونی امکان جلب اعتماد عمومی، تسهیل مالکیت جمعی داده‌ها و ارتقاء شفافیت در فرایندهای توسعه هوش مصنوعی را فراهم می‌آورد. بررسی نمونه‌های موفق بین‌المللی از جمله تعاونی‌های داده‌محور و پلتفرم‌های AI مشارکتی، نشان‌دهنده پتانسیل بالای این الگوی نهادی در جهت توسعه پایدار و مسئولانه فناوری‌های نوین است در پایان، پژوهش با ارائه پیشنهادهایی به سیاست‌گذاران و نهادهای مرتبط، بر لزوم تدوین سیاست‌های حمایتی برای شکل‌گیری و تقویت تعاونی‌های فعال در عرصه هوش مصنوعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: تعاونی، هوش مصنوعی، عدالت فناورانه، داده باز، الگوریتم مسئولانه، توسعه پایدار

۱کارشناس ارشد معماری و مدیر عامل شرکت آژانس دیجیتال مارکتینگ پله

The Role of Cooperatives in the Development of Artificial Intelligence: A Participatory and Justice-Oriented Approach

Mandana Jafari[1]

This study aims to explore the role and potential of cooperatives in the development of artificial intelligence (AI) technologies through a participatory and justice-oriented lens. Given the challenges of centralization, unjust data ownership, and algorithmic bias inherent in current AI development, there is a growing need to examine alternative institutional frameworks. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing on selected international case studies, this research analyzes the institutional, social, and economic capacities of cooperatives to actively engage in the AI domain.

The findings suggest that cooperatives, as democratic entities, can play a vital role in data generation, model training, and equitable distribution of AI-derived benefits. The cooperative model also fosters public trust, facilitates collective ownership of data, and enhances transparency in AI development processes. Case studies of successful international examples—such as data cooperatives and collaborative AI platforms—highlight the significant potential of this institutional model for promoting sustainable and responsible innovation.

The study concludes by recommending supportive policy frameworks to encourage the emergence and growth of cooperatives active in the AI sector.

Keywords: Cooperative, Artificial Intelligence, Technological Justice, Open Data, Responsible Algorithms, Sustainable Development

[1] M.A. in Architecture and CEO of Pele Digital Marketing Agency

ظرفیت شرکت‌های تعاونی کارور گاز در اصلاح الگوی مصرف و کاهش ناترازی انرژی: مطالعه موردی استان مرکزی

مجید محمدی[1]

در سال‌های اخیر، ناترازی انرژی به‌ویژه در حوزه گاز طبیعی، یکی از چالش‌های اصلی نظام انرژی کشور بوده که متأثر از مصرف غیربهینه در بخش خانگی و تجاری است. در این راستا، راه‌اندازی شرکت‌های «کارور گاز» با ساختار تعاونی، بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران، به‌عنوان یک سازوکار جدید برای مدیریت مصرف و بهینه‌سازی تقاضا معرفی شده‌است. این مقاله با رویکرد تحلیلی – کاربردی، به بررسی ظرفیت شرکت‌های تعاونی کارور گاز در اصلاح الگوی مصرف و کاهش ناترازی انرژی می‌پردازد. روش‌شناسی پژوهش شامل تحلیل اسناد سیاستی، آیین‌نامه‌های اجرایی و مطالعه میدانی بر تجربیات آزمایشی در استان‌های مرکزی بوده است. همچنین از داده‌های آماری شرکت ملی گاز و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی وزارت نفت برای ارزیابی اثربخشی مدل‌های مشارکت تعاونی بهره‌برداری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌های کارور گاز با بهره‌گیری از ظرفیت اجتماعی و محلی، توانایی بالایی در اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف (مانند عایق‌کاری، تنظیم مشعل‌ها، هوشمندسازی موتورخانه‌ها، آموزش مصرف‌کنندگان و پایش مصرف) دارند. این شرکت‌ها با صدور گواهی صرفه‌جویی و انتقال آن به بخش صنعت، نقش مؤثری در تعادل‌بخشی به تراز گاز کشور ایفا می‌کنند. همچنین مشارکت جمعی و اعتماد عمومی به ساختار تعاونی، موفقیت این شرکت‌ها را در مقایسه با پیمانکاران خصوصی افزایش می‌دهد.
نتیجه‌گیری مقاله حاکی از آن است که توسعه شبکه شرکت‌های تعاونی کارور گاز، در کنار حمایت‌های تنظیم‌گرانه و ارائه مشوق‌های اقتصادی، می‌تواند به عنوان ابزاری راهبردی برای تحقق اهداف اصلاح الگوی مصرف و کاهش ناترازی فصلی و سالانه انرژی در کشور عمل کند. شکل‌گیری اکوسیستم مشارکتی بین شرکت‌های گاز استانی، تعاونی‌های محلی، نهادهای ناظر و مردم، ضامن پایداری این مدل خواهد بود.

واژگان کلیدی: کارور گاز، تعاونی، ناترازی انرژی، اصلاح الگوی مصرف، گواهی صرفه‌جویی، بهره‌وری انرژی، شرکت ملی گاز، تنظیم‌گری انرژی.

۱. مدیر عامل شرکت تعاونی دانش بنیان فناوری نانوهوشمند یوشیتا

The Role of Gas Operator Cooperatives in Energy Efficiency and Reducing Energy Imbalances: A Case Study of Markazi Province

Majid Mohammadi[1]

In recent years, energy imbalances—particularly in the natural gas sector—have emerged as a major challenge in Iran's energy system, largely due to inefficient consumption patterns in the residential and commercial sectors. In response, the Iranian government has introduced "Gas Operator Companies" with cooperative structures, as stipulated by a cabinet-approved bylaw, as a novel mechanism for managing consumption and optimizing energy demand.

This article adopts an analytical-applied approach to assess the potential of cooperative gas operators in reforming consumption patterns and reducing seasonal and annual energy imbalances. The research methodology includes policy document analysis, regulatory review, and field studies of pilot projects conducted in Markazi Province. Statistical data from the National Iranian Gas Company and official Ministry of Petroleum platforms are also utilized to evaluate the effectiveness of cooperative participation models.

Findings reveal that gas operator cooperatives, leveraging local and social capital, have demonstrated strong capabilities in implementing efficiency measures such as thermal insulation, burner calibration, boiler room optimization, consumer education, and consumption monitoring. Through the issuance and transfer of energy-saving certificates to the industrial sector, these cooperatives play a critical role in rebalancing national gas supply and demand. Moreover, collective participation and public trust in the cooperative structure have contributed to their greater success compared to private contractors.

The study concludes that expanding the network of gas operator cooperatives—coupled with regulatory support and economic incentives—can serve as a strategic tool for achieving national energy efficiency goals. Establishing a participatory ecosystem among provincial gas companies, local cooperatives, regulatory bodies, and the public is key to ensuring the sustainability of this model.

Keywords: Gas Operator, Cooperative, Energy Imbalance, Consumption Reform, Energy-Saving Certificates, Energy Efficiency, National Iranian Gas Company, Energy Regulation

[1] CEO of Youshita Nanotechnology Knowledge-Based Cooperative Company

تأثیر هوش مصنوعی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی با تمرکز بر نقش میانجی چابکی مشتری و چابکی سازمانی

مریم اله یار[۱]

در عصر تحولات دیجیتال، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی (AI)، به‌عنوان عاملی کلیدی در بهبود عملکرد سازمان‌ها شناخته می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی، با تمرکز بر نقش میانجی چابکی مشتری و چابکی سازمانی انجام گرفته‌است. روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی بوده و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌ای استاندارد برگرفته شده از پژوهش فوسو وامبا (۲۰۲۲)، از میان مدیران و کارکنان تعاونی‌های منتخب گردآوری شده‌اند. همچنین برای آزمون نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنف و برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار SmartPLS استفاده شده‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده مؤثر از هوش مصنوعی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌های تعاونی دارد. همچنین، چابکی مشتری و چابکی سازمانی نقش میانجی مهمی در این رابطه ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هوش مصنوعی با ارتقای قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای مشتری و افزایش انعطاف‌پذیری سازمانی، عملکرد کلی تعاونی‌ها را بهبود می‌بخشد. نتایج این مطالعه می‌تواند راهنمایی مؤثر برای مدیران تعاونی‌ها در جهت بهره‌برداری بهینه از فناوری‌های نوین برای تقویت مزیت رقابتی باشد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، شرکت‌های تعاونی، عملکرد سازمانی، چابکی مشتری، چابکی سازمانی، نقش میانجی

۱ . دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، کارشناس خبر و رسانه اتاق تعاون ایران

The Impact of Artificial Intelligence on Cooperative Performance: The Mediating Role of Customer Agility and Organizational Agility

Maryam Allahyar[1]

In the era of digital transformation, the utilization of emerging technologies—particularly Artificial Intelligence (AI)—is recognized as a key driver for enhancing organizational performance. This study aims to examine the impact of AI on the performance of cooperative enterprises, focusing specifically on the mediating roles of customer agility and organizational agility. The research employs an applied, descriptive-survey methodology. Data were collected using a standardized questionnaire adapted from Wamba et al. (2022), distributed among managers and employees of selected cooperatives.

To ensure data normality, the Kolmogorov–Smirnov test was used, and structural equation modeling (SEM) via SmartPLS software was applied for data analysis. The findings indicate that effective adoption of AI has a positive and significant impact on the performance of cooperatives. Furthermore, both customer agility and organizational agility play crucial mediating roles in this relationship. Specifically, AI enhances cooperatives' overall performance by improving responsiveness to customer needs and increasing organizational flexibility.

The results offer practical insights for cooperative managers seeking to leverage AI technologies to strengthen their competitive advantage.

Keywords: Artificial Intelligence, Cooperative Enterprises, Organizational Performance, Customer Agility, Organizational Agility, Mediating Role

[1] Ph.D. Student in Information Technology Management, News and Media Expert, Iran Chamber of Cooperatives

تحلیل رفتار اقتصادی در بخش تعاون

غلامرضا حجارزاده[۱]
شعله تلیکانی[۲]

در اقتصادهای مدرن، مفهوم تابع تولید نقش مهمی در تحلیل رفتار اقتصادی شرکت‌ها و بنگاه‌های مختلف ایفا می‌کند. بخش‌های اقتصادی تعاون، خصوصی و دولتی هر کدام ویژگی‌ها و ساختارهای منحصر به فردی دارند که بر نوع و شیوه تابع تولید آنها تأثیرگذار است. بخش تعاون که بر مبنای همکاری و مشارکت اعضاء تشکیل شده‌است، الگوی خاصی در استفاده از عوامل تولید دارد و آنها غالباً به دنبال حداکثرسازی سود نیستند و هدف اصلی آن تأمین منافع مشترک اعضاء است. تفاوت‌های بنیادی در نوع مالکیت، هدف و ساختار سازمانی این سه بخش، منجر به تفاوت‌های مهم در نحوه تعریف و کاربرد تابع تولید در هر یک می‌شود که در این مقاله به طور دقیق‌تر بررسی می‌شود. در این تحقیق ضمن تحلیل نظری جایگاه واقعی تعاونی در تابع تولید به دنبال بررسی رفتار اقتصادی تعاونی کشور هستیم. در تحلیل رفتار تعاونی‌ها از داده‌های سامانه هوشمند تعاونی استفاده شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در ایران با توجه به وزن اهداف اجتماعی خود دو نوع کارکرد دارند و نزدیک شدن رفتار اقتصادی آنها به ماهیت وجودی‌شان نیازمند تدوین قوانین و مقررات با هدف بهبود و توسعه فضای رفتاری تعاونی‌ها است.

واژگان کلیدی: رفتار اقتصادی، بخش تعاون، اهداف اجتماعی، تابع تولید.

۱ . معاون دفتر نوسازی و توانمدسازی تعاونی‌ها
۲ . کارشناس امور تعاون

Analyzing Economic Behavior in the Cooperative Sector

Gholamreza Hojarzadeh[۱], Sho'leh Talekani[۲]

In modern economies, the concept of the production function plays a crucial role in analyzing the economic behavior of firms and enterprises. The cooperative, private, and public sectors each possess unique characteristics and structures that influence the nature and form of their respective production functions. The cooperative sector, founded on the principles of collaboration and member participation, adopts a distinct approach to utilizing production factors. Unlike profit-maximizing entities, cooperatives primarily aim to serve the collective interests of their members.

Fundamental differences in ownership, objectives, and organizational structures across these sectors result in significant variations in how production functions are defined and applied, which this article explores in detail. The study provides a theoretical analysis of the cooperative's actual position within the framework of the production function and investigates the economic behavior of cooperatives in Iran using data from the national Cooperative Smart System.

Findings reveal that cooperatives in Iran exhibit dual functionalities driven by their social objectives. In order to align their economic behavior more closely with their inherent cooperative identity, the study highlights the need for developing targeted laws and regulations to improve and foster a supportive behavioral environment for cooperatives.

Keywords: Economic Behavior, Cooperative Sector, Social Objectives, Production Function

۱ Deputy of the Office for Renovation and Empowerment of Cooperatives
۲ Expert in Cooperative Affairs

تعاونی‌های اعتباری، موتور محرکه اقتصاد اجتماعی و تعاونی‌های تولید

سینا شیخی[1]

قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف ساخته‌است تا همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به‌کار ببرد. در حوزه اقتصادی این کنشگری در تصمیم‌گیری، نظارت و مطالبه‌گری در اصول ۴۳ و ۴۴ تبلور یافته است. در این اصول سیاست‌گذار در پی آن بوده تا فضایی برای مشارکت فعال و نه منفعلانه اقتصادی مردم فراهم آورد. در بخشی از اصل ۴۳ قانون اساسی دولت مکلف شده‌است تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛ را در شکل تعاونی ایجاد کند. در واقع کنشگری مردم و تصمیم‌گیری مردم در اقتصاد در مدل تعاونی موجب می‌شود که هر فرد تعاونی در تعیین سرنوشت کار و بنگاه اقتصادی خود سهیم شده و صرفا مجری و کارگر سرمایه‌داران و مدیران دولتی نباشد. چنانچه در اصل ۴۳ قانون اساسی نیز اشاره شد، موضوع تامین سرمایه اولیه و هزینه ابزار تولید یک موضوع کلیدی در بخش تعاون است که در حال حاضر در ایران با مشکلات عدیده‌ای روبرو است. در اصل ۴۳ قانون اساسی دولت مکلف شده‌است تا تامین مالی اولیه و ابزار تولید را در اختیار مردم برای ایجاد تعاونی قرار دهد. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ منبع مالی این موضوع از محل درآمدهای حاصل از واگذاری‌های دولتی در نظر گرفته شده‌است. تعاونی اعتبار یکی از این ابزارها می‌تواند باشد که تجربه موفقی در کشورهای مختلف از جمله هند و آلمان برای راه‌اندازی تعاونی‌های تولیدی بوده است. تعاونی اعتبار یک نهاد مالی غیرانتفاعی است که به‌صورت تعاونی توسط اعضای آن اداره می‌شود. هدف اصلی آن ارائه خدمات مالی عادلانه (مانند پس‌انداز، وام و سایر خدمات بانکی) به اعضاء با کمترین هزینه ممکن است. برخلاف بانک‌های تجاری که به دنبال سودآوری برای سهامداران هستند، تعاونی‌های اعتبار بر منافع اعضاء تمرکز دارند.

بر اساس گزارش فدراسیون جهانی اتحادیه‌های اعتباری (WOCCU)، تا پایان سال ۲۰۲۳ بیش از ۳۷۵ میلیون نفر در ۱۱۸ کشور عضو ۸۶ هزار تعاونی اعتباری بوده‌اند که در مجموع بیش از ۲٫۷ تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت دارند. این مقاله با نگاهی عمیق‌تر به تحلیل این پدیده مالی می‌پردازد. این پژوهش با توجه به قوانین موجود در کشور در پی طراحی ساختاری است که بتواند تعاونی‌های اعتبار را به عنوان پشتوانه تولید به ویژه در بخش تعاونی‌های تولیدی درنظربگیرد.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های اعتباری، تامین مالی، اقتصاد اجتماعی

[1] . پژوهشگر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

Credit Cooperatives as a Driving Force for the Social Economy and Production Cooperatives

Sina Sheikhi[1]

The Constitution of the Islamic Republic of Iran mandates the government to utilize all its resources to enable public participation in determining their political, economic, social, and cultural destiny. In the economic domain, this agency is reflected in Articles 43 and 44, which aim to facilitate active—not passive—public participation in economic decision-making, oversight, and accountability. Article 43 explicitly requires the government to provide the conditions and tools necessary for all individuals capable of working to engage in employment, particularly through the cooperative model.

In this framework, cooperatives serve as a model for democratic economic participation, where each member shares in decision-making and is not merely a worker under state or private capital. A critical challenge currently faced by the cooperative sector in Iran is access to initial capital and production tools, which Article 43 obliges the government to provide. Article 44's general policies also highlight the financial resources for this through public asset transfers.

Credit cooperatives are presented as a strategic tool for addressing this issue, drawing on successful global experiences in countries like India and Germany. A credit cooperative is a non-profit financial institution organized and operated by its members to provide fair financial services—such as savings, loans, and other banking functions—at the lowest possible cost. Unlike commercial banks that prioritize profit for shareholders, credit cooperatives focus on the collective interests of their members.

According to the World Council of Credit Unions (WOCCU), by the end of 2023, more than 375 million individuals in 118 countries were members of over 86,000 credit unions, managing more than USD 2.7 trillion in assets. This article offers an in-depth analysis of this financial model and, considering the current legal framework in Iran, proposes a structural design in which credit cooperatives can serve as a financial backbone for production cooperatives.

Keywords: Credit Cooperatives, Financing, Social Economy

[1] Researcher at the Research Center of the Islamic Consultative Assembly (Parliament)

بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ یاری‌گری در پایداری تعاونی‌ها در اقتصاد ایران

شهریار احمدبیگی[1]

پایداری تعاونی‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد مردمی، نیازمند تقویت بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی در میان اعضا و جامعه میزبان است. این پژوهش با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ یاری‌گری در پایداری تعاونی‌ها در اقتصاد ایران انجام شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مستندات تاریخی و تجربه‌نگاری فعالیت تعاونی‌ها در کشور طراحی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند اعتماد متقابل، مشارکت داوطلبانه، احساس تعلق جمعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حمایت متقابل که از عناصر محوری فرهنگ یاری‌گری محسوب می‌شوند، نقش اساسی در افزایش تاب‌آوری، انسجام درونی و موفقیت بلندمدت تعاونی‌ها ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها، نه تنها موجب کاهش تعارضات و افزایش انگیزه اعضاء برای مشارکت مؤثر می شوند، بلکه زمینه‌ساز جلب حمایت‌های اجتماعی و نهادی در شرایط بحران نیز هستند. بر این اساس، نهادینه‌سازی فرهنگ یاری‌گری در ساختارهای آموزشی، رسانه‌ای و سیاست‌گذاری تعاونی‌ها می‌تواند به پایداری و شکوفایی آن‌ها در اقتصاد ایران کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: فرهنگ یاری‌گری، پایداری تعاونی، سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل، مشارکت مردمی، اقتصاد ایران.

۱ . مدیر کل ترویج و تشکیل تعاونی‌های معاونت تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

Examining the Role of Mutual Aid Culture Components in the Sustainability of Cooperatives in Iran's Economy

Shahriar Ahmadbeigi[1]

The sustainability of cooperatives, as one of the pillars of a people-centered economy, requires strengthening cultural and social foundations among members and the host community. This study aims to examine the role of mutual aid culture components in the sustainability of cooperatives in Iran's economy. The research method is descriptive–analytical, using library resources, historical documents, and case studies of cooperative activities in the country. Findings show that components such as mutual trust, voluntary participation, a sense of collective belonging, social responsibility, and mutual support—considered core elements of mutual aid culture—play a key role in increasing resilience, internal cohesion, and the long-term success of cooperatives. These components not only reduce conflicts and enhance members' motivation for effective participation but also help attract social and institutional support during crises. Accordingly, institutionalizing mutual aid culture in educational, media, and policymaking structures of cooperatives can greatly contribute to their sustainability and growth in Iran's economy.

Keywords: mutual aid culture, cooperative sustainability, social capital, mutual trust, public participation, Iran's economy.

[1] Director General of Promotion and Formation of Cooperatives, Cooperation Deputy, Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare

بررسی عملکرد صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون در کمک به توسعه بخش تعاون و کسب و کارهای خرد و کارآفرین

دکتر البرز محمدی[۱]
علی حاجی وند[۲]
سمیه سروش[۳]

هدف صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون بعنوان یک نهاد تخصصی، کمک به توسعه بخش تعاون و کسب و کارهای خرد و کارآفرین از طریق تضامین و پوشش ریسک سرمایه گذاریها به منظور اجرای عدالت اجتماعی، حمایت از سرمایه گذاری های مولد و اشتغال زا، به خصوص حمایت از جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی مشغول فعالیت می باشد. با توجه به وجود بالغ بر یکصد هزار تعاونی و اتحادیه فعال، نقش اهرمی تضمین این صندوق بسیار موثر می باشد.علت ایجاد انواع صندوق های سرمایه گذاری در دنیا کاهش ریسک و ایجاد پوشش انواع خطرات پیش روی سرمایه گذاران و تولید کنندگان به ویژه صنایع کوچک و متوسط می باشد، بطوری که نیروی محرکه لازم در اقتصاد برای رشد و سرمایه گذاری را فراهم می نمایند.

این پژوهش با هدف ارزیابی عملکرد صندوق در حمایت از توسعه فعالیت و سرمایه گذاری تعاونی ها و کسب و کارهای خرد با اولویت بخش تعاون صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی–تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق بررسی مستندات، گزارش‌های سالانه صندوق و مصاحبه با مدیران تعاونی‌ها گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد این صندوق توانسته در مسیر تحقق ماموریت و رسالت خود نقش مؤثری در توسعه سرمایه گذاری و توانمند سازی تعاونی ها داشته و توانسته تاکنون بیش از ۴۶۰۰۰ میلیارد ریال ضمانت نامه صادر نماید که منجر به ۱۱۹۶۰۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری در تعاونی ها و کسب و کارهای کوچک و کارآفرین گردیده است و بیش از ۱۵۰۰۰ نفر فرصت شغلی در این بخش ها فراهم شده است. ارائه خدمات با شصت درصد تخفیف کارمزد یکی از حمایت های این صندوق جهت توانمندسازی تعاونی ها است این مقاله پیشنهاد می‌دهد که با افزایش سرمایه صندوق و توسعه آموزش‌های هدفمند و ترویج خدمات صندوق، می‌توان اثربخشی آن را در توانمندسازی و توسعه بخش تعاون و کسب و کارهای کوچک و کارآفرین ارتقاء داد.

واژگان کلیدی: صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، تعاونی، تسهیلات بانکی، توانمندسازی و توسعه سرمایه گذاری، ضمانت‌نامه

---

۱ . مدیرعامل صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، دکترای مهندسی کشاورزی

۲ .معاون اقتصادی و برنامه ریزی صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، دانشجوی دکتری مدیریت گرایش سیاستگذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

۳ . مدیر برنامه ریزی و فناوری اطلاعات صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون، کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات

Examining the Performance of the Cooperative Investment Guarantee Fund in Supporting the Development of the Cooperative Sector and Small Entrepreneurial Businesses

Dr. Alborz Mohammadi[۱], Ali Hajivand[۲], Somayeh Soroush[۳]

The objective of the Cooperative Investment Guarantee Fund, as a specialized institution, is to help develop the cooperative sector and small entrepreneurial businesses by providing guarantees and investment risk coverage, aiming to promote social justice, support productive and job-creating investments, and especially to support young people and university graduates who are active in the field. Given the existence of more than 100,000 active cooperatives and unions, the leverage role of the Fund's guarantees is highly significant. The creation of various investment funds worldwide stems from the need to reduce risk and provide protection against potential threats to investors and producers—especially in small and medium industries—thus creating the driving force necessary for economic growth and investment.

This research was conducted to evaluate the Fund's performance in supporting the development of cooperative activities and investments in small businesses, with a focus on the cooperative sector. The research method is descriptive–analytical, and data was collected through reviewing documentation, annual reports of the Fund, and interviews with cooperative managers. The results indicate that the Fund has successfully fulfilled its mission and played an effective role in developing investment and empowering cooperatives, having issued more than 46 trillion rials in guarantees, which led to 119.6 trillion rials in investments in cooperatives and small entrepreneurial businesses, creating over 15,000 job opportunities in these sectors. Offering services with a 60% discount on service fees is one of the Fund's support measures to empower cooperatives. This article suggests that increasing the Fund's capital, expanding targeted training, and promoting its services can enhance its effectiveness in empowering and developing the cooperative sector and small entrepreneurial businesses.

Keywords: Cooperative Investment Guarantee Fund, cooperative, banking facilities, empowerment and investment development, guarantee

---

۱ CEO of the Cooperative Investment Guarantee Fund, Ph.D. in Agricultural Engineering

۲ Deputy of Economic Affairs and Planning, Cooperative Investment Guarantee Fund; Ph.D. Student in Management with a focus on Public Policy, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author)

۳Director of Planning and Information Technology, Cooperative Investment Guarantee Fund; M.A. in Information Technology Engineering

از همکاری تا هم‌کاری: الگوی حکمرانی نوین و شکوفایی توانمندی‌های اجتماعیِ اقتصاد تعاونی در عصر حاضر

رضا عسکری مقدم[1]

تحولات پرشتاب جهان معاصر و دگرگونی در ماهیت کار و انتظارات نیروی انسانی، بازنگری در الگوهای سنتی فعالیت‌های سازمانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. این مقاله با تکیه بر تحلیل مفهومی و مرور ادبیات، استدلال می‌کند که برای اقتصاد تعاونی، گذار از مفهوم سنتی همکاری (Cooperation) به سوی یک دریافت توسعه یافته‌تر و پیاده‌سازی عمیق‌تر اندیشه و عمل هم‌کاری (Collaboration) یک ضرورت راهبردی است. بنابر همین ضرورت مقاله به تبیین تمایزات بنیادین میان همکاری (تقسیم کار ساده و تجمیع نتایج فردی= همیاری) و هم‌کاری (تعامل عمیق، هم‌افزایی و خلق مشترک دانش و ارزش= هم‌آفرینی) و تجلی این دو در ساختارهای اجتماعی «گروه» و «تیم» می‌پردازد و یک چارچوب مفهومی دقیق برای تمییز میان این دو مفهوم ارایه می‌کند. سپس با پیوند دادن مفاهیم «گروه» و «تیم» به تحولات جامعه‌شناختی از دوران پیشامدرن به مدرن و بررسی الگوهای ارتباطی میان این دو، و همچنین تکیه بر دو عنصر کلیدی «درجه پیچیدگی کار» و «درجه بلوغ سازمانی اعضا»، نشان داده می شود که؛ مفهوم «هم‌کاری» به دلیل ارتباط ماهوی با الگوی «کار تیمی» اقتضائات جوامع مدرن با اصول بنیادین تعاون و الزامات کسب‌وکارهای نوین، به ویژه تعاونی‌های پیشرفته و دانش‌بنیان، هم‌سویی بیشتری دارد. این مقاله نتیجه می‌گیرد که پذیرش آگاهانه الگوی «هم‌کاری» می‌تواند به تقویت ابعاد اجتماعی، افزایش نوآوری، ارتقای مشارکت اعضا و تحقق حکمرانی خوب در تعاونی‌ها منجر شده و آنها را به عنوان الگوهای پیشرو در اقتصاد و گونه‌ای از الگوی ارتباط موثر در جامعه امروز مطرح سازد. اما این امر مستلزم تغییر نگرش و سرمایه‌گذاری بر توسعه فرهنگ و مهارت‌های هم‌کارانه(Collaborative) و پیاده‌سازی الگوی کار تیمی در بخش‌هایی از نظام تعاون است.

واژگان کلیدی: اقتصاد تعاونی، هم‌کاری (Collaboration)، همکاری (Cooperation)، کار تیمی (Teamwork)، حکمرانی خوب سازمانی، ابعاد اجتماعی تعاون، سازمان‌های دانش‌بنیان

[1] . عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ایمیل: Askari.r@gmail.com

From Cooperation to Collaboration: The New Organizational Governance Model in the Contemporary Era and the Flourishing of Social Capabilities in the Cooperative Economy

Reza Askarimoghaddam[1]

The rapid transformations of the contemporary world and the evolving nature of work and workforce expectations have rendered a rethinking of traditional organizational models inevitable. This article, drawing on conceptual analysis and literature review, argues that within the cooperative economy, transitioning from the traditional notion of cooperation toward a more developed understanding and deeper implementation of collaboration is a strategic necessity. In response to this need, the article articulates the fundamental differences between cooperation—defined as a simple division of labor and aggregation of individual outputs (mutual aid)—and collaboration—characterized by deep interaction, joint knowledge creation, and synergy (co-creation). It also explores how these two concepts manifest within the social structures of "groups" and "teams," and offers a precise conceptual framework for distinguishing between them. By linking the concepts of group and team to broader sociological transformations from pre-modern to modern societies and by analyzing communication patterns between the two, the article focuses on two critical variables—task complexity and organizational maturity. It demonstrates that collaboration, due to its intrinsic alignment with the principles of teamwork, is more consistent with the foundational values of cooperation and the demands of modern businesses, particularly in advanced and knowledge-based cooperatives. The article concludes that the conscious adoption of a collaborative model can enhance social cohesion, stimulate innovation, strengthen member participation, and support good governance within cooperatives. However, achieving this requires a paradigm shift, along with investment in cultivating a collaborative culture and developing teamwork competencies across segments of the cooperative system.

Keywords: Cooperative economy, Collaboration, Cooperation, Teamwork, Organizational good, Social dimensions of cooperation, Knowledge-based organizations

[1] Member of the academic staff of the Institute of Humanities and Social Studies, Jihad Daneshgahi, email: Askari.r@gmail.com

الگوی تعاونی به مثابه اهرمی برای رشد اقتصاد پلتفرمی در ایران (تحلیل پتانسیل و مطالعه موردی)

شکوه سادات علیزاده مقدم[۱]
محمد شریعتی[۲]

اقتصاد پلتفرمی در ایران، با وجود رشد سریع، با چالش‌های ساختاری نظیر تمرکزگرایی، توزیع ناعادلانه ارزش و ناپایداری شغلی مواجه است که پتانسیل آن را در کمک به رشد پایدار تولید ناخالص داخلی (GDP) محدود می‌کند. این پژوهش با هدف تحلیل پتانسیل الگوی تعاونی به مثابه یک اهرم استراتژیک برای توسعه بومی و عادلانه اقتصاد پلتفرمی در ایران انجام شده است.

این پژوهش با رویکردی کیفی و با استفاده از راهبرد مطالعه موردی تطبیقی چندگانه انجام شده است. در گام نخست، پنج پلتفرم تعاونی موفق بین‌المللی در حوزه‌های متنوع به همراه محیط سیاستی تسهیل‌گر آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. در گام دوم، با استفاده از الگوهای مستخرج از تحلیل جهانی، پتانسیل پیاده‌سازی این مدل در سه حوزه استراتژیک ایران (کشاورزی صادراتی، صنایع دستی و گردشگری بومی) ارزیابی شد.

تحلیل تطبیقی موارد بین‌المللی به استخراج پنج الگوی کلیدی منجر شد: قدرت تمرکز بر بازارهای خاص، ضرورت اکوسیستم حمایتی، تنوع مدل‌های کسب‌وکار، نقش حیاتی سیاست‌گذاری فعال و فناوری به مثابه ابزار توانمندسازی. پتانسیل‌سنجی در بستر ایران نشان داد که این الگوها قابلیت بومی‌سازی برای حل چالش‌های مشخصی مانند حذف واسطه‌ها و توزیع عادلانه درآمد را دارند. بر این اساس، یک چارچوب پیشنهادی سه‌رکنی شامل **" زیرساخت حقوقی و سیاستی"، " مدل‌های کسب‌وکار بومی‌شده "و" فناوری و توانمندسازی "**به عنوان نقشه راه توسعه اقتصاد پلتفرمی تعاونی‌محور در ایران ارائه گردید.

یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی تعاونی یک انتخاب راهبردی برای همسوسازی اقتصاد دیجیتال با اهداف کلان توسعه ملی است. این مدل با بازگرداندن مالکیت و کنترل به دست تولیدکنندگان و کارگران ایرانی، می‌تواند به رشد فراگیر، اشتغال پایدار و افزایش سهم اقتصاد پلتفرمی در تولید ناخالص داخلی منجر شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد پلتفرمی، تعاونی پلتفرمی، توسعه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی(GDP) ، سیاست‌گذاری.

۱ . استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران
۲ . کاندیدای دکتری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

The Cooperative Model as a Lever for Platform Economy Growth in Iran: A Potential Analysis and Case Study

Shokooh Sadat Alizadeh Moghadam[۱]
Mohammad Shariati[۲]

Despite its rapid growth, the platform economy in Iran faces structural challenges such as centralism, inequitable value distribution, and precarious labor, which limit its potential to contribute to sustainable Gross Domestic Product (GDP) growth. This research aims to analyze the potential of the cooperative model as a strategic lever for the indigenous and equitable development of the platform economy in Iran.

This study employs a qualitative approach using a multiple comparative case study strategy. First, five successful international platform cooperatives across various sectors were analyzed along with their enabling policy environments. Second, using the patterns derived from the global analysis, the potential for implementing this model in three strategic sectors in Iran (export-oriented agriculture, handicrafts, and local tourism) was assessed.

The comparative analysis of international cases led to the extraction of five key patterns: the power of focusing on niche markets, the necessity of a supportive ecosystem, the diversity of business models for various needs, the critical role of proactive policymaking, and technology as an empowering tool. The potential analysis in the Iranian context indicated that these patterns are adaptable for solving specific challenges such as eliminating intermediaries and ensuring fair income distribution. Accordingly, a three-pillared framework, including **"Legal and Policy Infrastructure," "Localized Business and Funding Models,"** and **"Technology and Empowerment,"** was proposed as a roadmap for developing a cooperative-based platform economy in Iran.

The findings suggest that the cooperative model is a strategic choice for aligning the digital economy with national development goals. By returning ownership and control to Iranian producers and workers, this model can lead to inclusive growth, sustainable employment, and an increased share of the platform economy in the GDP.

Keywords: Platform Economy, Platform Cooperativism, Economic Development, Gross Domestic Product (GDP), Case Study, Policymaking.

[۱] Assistant Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran
[۲] PhD Candidate, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran

دومین همایش بین المللی اقتصاد تعاونی ایران

2nd International Conference on Iran's Cooperative Economy

اتاق تعاون ایران

دومین همایش بین المللی اقتصاد تعاونی ایران
2nd International Conference on Iran's Cooperative Economy

دانشگاه علامه طباطبائی

مجلس شورای اسلامی
مرکز پژوهش‌ها

دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تهران
دانشکده کارآفرینی